

آموزش ابتدایی

رشد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی هجدهم / آذر ۱۳۹۳ / شماره ی بی دربی ۱۳۴
ماهنامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت سردبیر / حواس کودکی و دریافت های قوی / اصغر ندیری / ۲

سردبیر شماید / اکبر احمدیان باغبادرانی / ۳

- آموزش** خدا تو را خوش رو آفریده است / دکتر نیره شاه محمدی / ۴ ● مطالعات اجتماعی
به جای تعلیمات اجتماعی در دوره ی ابتدایی / منصور ملک عباسی / ۱۲ ● ترغیب خلاقیت
در آموزش ابتدایی، رمز ساختن نسل خلاق / سیدعلی عبداللهی حسینی، علی لطفی / ۱۶ ●
راهکارهای عملی تربیت فرهنگی در مدرسه / زهره اولیایی / ۲۰ ● طول و عرض جغرافیایی با
میوه ها / دکتر مهدی چوبینه / ۲۸ ● تفکر / عذرا رستمی / ۳۰ ● کودکان باهوش کلاس من /
لیلی رحیم زاده / ۳۲ ● هیچ یک از سبک ها بر دیگری برتری ندارد / بهزاد قباخلو / ۳۸

گزارش / مهندس و دندان پزشکی را پای تخته آوردیم! / معصومه حبیب پور / ۷

گفت و گو خط خطی کردن هم مهارت نوشتاری است / فهیمه دهقان / ۸

خاطره دیدن از چشم گاو / منصوره دهقانیان آرانی / ۱۱ ● تیر و کمان رستم در آسمان / نسیم
لطفی احمدی / ۳۴ ● با این بازی دامنه ی لغات گسترش می یابد / افتخار اسدی / ۴۸

تعلیم و تربیت به کسی جز خودمان اهمیت دهیم / زری آقاجانی / ۱۴ ● سبک زندگی /
عبدالرحیم اصلی / ۱۸ ● مهارت های زندگی را به دانش آموزان یاد دهیم / اعظم فاضلی / ۲۲

محیط زیست دانش آموزان محیط بان / صفورا زواران حسینی / ۲۴

نکته بهترین معماری دنیا / هدی هدایتی / ۲۶

تجربه ی سبز بنشین و پاشو، بنویس / مرضیه لباف / ۲۷

میزگرد کتاب های درسی در نگاه آموزگاران / به کوشش اکرم علیا / ۳۵

لبخند کلاس مانشین لباس شویی جدید ظرف می شوید! / شهین صادقی / ۳۷

یادداشت من برجسب تو را خواهیم کند! / مرضیه معین / ۴۰ ● چگونه پر خاشاگری دانش آموز

پایه ی پنجم را کاهش دادم؟ / حامد شاکریان / ۴۲

کتابخانه ی مدرسه فهیمه دهقان / ۴۵

همراهان ما / ۴۶

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه ریزی:
فاطمه رضانی، حسن طاهری
سیده زهرا یاسینی، یدالله رهبری نژاد
صادق صادق پور
مدیر داخلی: فهیمه دهقان
ویراستار: لیلا بنی طباء خان آبادی
طراح گرافیک: علیرضا پور حنیفه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸
۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۵)
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار: ebtedayi@roshdmag.ir
تلفن پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۰۹
کد مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی: ۱۱۱ / ۱۶۵۹۵
تلفن امور مشترکین:
۷۷۳۳۶۶۵۵ و ۷۷۳۳۶۶۵۶ - ۰۲۱
شمارگان: ۳۴۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن باشد. ● چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. ● مقاله ها می توانند با نرم افزار word و بر روی CD و یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قراردادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایه (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوان و آثار وی پیوست شود. ● مجله درد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.

عکس روی جلد: اعظم لاریجانی

حواس کودکی و دریافت‌های قوی

اصغر ندیری

که در نهایت به باور قلبی هدایت می‌کنند. چشم وسیله‌ی مشاهده و دیدن تجربه‌هاست و گوش وسیله‌ی آگاهی از کارهای دیگران. دستگاه بینایی انسان قادر است میلیون‌ها رنگ و سایه را در آن واحد تشخیص دهد. چشم در حقیقت شبیه یک دوربین عکاسی است که با عدسی ظریف خود از صحنه‌های مختلف عکس برمی‌دارد و آن را به مغز مخابره می‌کند.

به هر صورت سهم حواس به‌ویژه شنیدن و دیدن در فرایند یادگیری چنان است که امروزه برنامه‌های درسی خلاق و آموزش‌گران مبتکر سعی دارند بر مبنای آن‌ها دانش‌آموزان را با موضوعات و عناوین درسی در طبیعت و در نتیجه به‌طور مستقیم، درگیر سازند.

این کلاس‌ها تا حد ممکن یا موضوع مورد تدریس را به محل تدریس می‌آورند یا باید در صورت فراهم شدن امکانات دانش‌آموزان را به محل موردنظر ببرند تا فرایند موردنظر جاری شود. امروزه این امر با استفاده از امکانات و ویژگی‌های کلاس‌های هوشمند و ویدئوپروژکتورها، با استفاده از فضای مجازی و سینماهای چندبعدی امکان بسیار وسیعی را در اختیار افراد قرار داده تا خرد و کلان در اقصی نقاط دنیا با هر چیز طرفه و یا هر سخن تازه مرتبط شوند و در آن واحد سره را از ناسره جدا سازند.

قوای «سمع و بصر» در حد بسیار زیادی به کودکان و دانش‌آموزان ما کمک می‌کند. شنیدن در کار آموزش زبان، به‌ویژه در مناطق دوزبانه فرصت نابی ایجاد می‌کند تا ارتباط میسر و یادگیری انجام شود. در اینجاست که می‌بینیم برنامه‌های مناسب صدا و سیما چه اندازه می‌تواند مفید واقع شود و هم‌چنین درمی‌یابیم برنامه‌ها و روش‌های آموزش زبان و پرورش مهارت‌های خواندن و نوشتن چقدر به شنیدن تکیه دارد. در نتیجه اگر روزی دانش‌آموزی صدای فکرش را به گوش جان شما رساند، از آن شگفت‌زده نخواهید شد.

مهارت انسانی از جمله گوش دادن، مهارت‌های سخن گفتن را در پی دارد. آن‌چه از قلم و بیان یک دانش‌آموز می‌تراود در اثر آموزش‌های درست و باحوصله‌ی آموزگاران است که تلاش‌های خود را بی‌ثمر نمی‌دانند و دانش‌آموزان خود و اهمیت قدرت حواس آن‌ها را شناخته‌اند.

می‌توان گفت پدیده‌ها غالباً دو حس در انسان به‌وجود می‌آورند. این احساس یا از دسته‌ی شادی‌آفرین است و یا از نوع نگران‌کننده. گاه به فراخور نیز افرادی پیدا می‌شوند که کنشی نسبت به اطراف و چیزهایی که می‌بینند و یا می‌شنوند، ندارند. اما آیا به راستی انسانی که معمولاً از پنج حس برخوردار است می‌تواند نسبت به حضور پدیده‌ها یا وجود خبرها بی‌هیچ عکس‌العملی باشد؟

کودکان ما می‌بینند، می‌شنوند، لمس می‌کنند و می‌بویند. حتماً نوزادان را دیده‌اید، آن‌ها هرچه را بتوانند زود به دهان برده و با زبان و حس چشایی می‌آزمایند. در حقیقت از ساده‌ترین راه و با حس چشایی می‌خواهند جهان خارج را شناخته و با آن ارتباط برقرار کنند. هرچند همه‌ی حواس آدمی در شناخت و به دست آوردن آگاهی از امور و اشیای جهان اطراف نقش دارند اما آن دریافت‌هایی که قوی‌تر و در مغز ماندگارترند، حس بینایی و شنوایی هستند. واژگان «سمع» و «بصر» بارها در قرآن کریم تکرار شده است.

در کلام معصومان (ع) نیز یادآوری‌هایی از ابزار شنوایی و ابزار بینایی به میان آمده است. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «خدوند برای شما گوش‌هایی قرار داد تا شنیدنی‌های مهم را به ذهن بسپارید و نیز چشم‌هایی قرار داد تا پرده از شناخت دیدنی‌ها بردارید».

نتایج پژوهش محققان نشان می‌دهد که درصد بالایی از فرایند یادگیری به‌وسیله‌ی دیدن و شنیدن انجام می‌شود. چشم در خانواده‌ی اندام حسی جایگاه ویژه‌ای دارد.

علماء، حس شنوایی و بینایی را دو رکن معرفت و تفکر دانسته‌اند





کرده‌اند؟ آیا از وسایل اولیه، حتی دورریختنی و در دسترس نمی‌توان استفاده کرد که دیگر نیاز به خرید وسایل جدید نباشد؟ امروزه و پس از سال‌ها معلمی به مفاهیم بلند آموزشی بازی‌های سنتی خودمان می‌رسیم. آن‌هایی که حتی برای کودکان دو تا چهار ساله سراغ وسایل الکترونیکی، کارت‌های آموزشی جورواجور و آماده را می‌گیرند، دیگر از مدارس فعلی ما چه می‌توانند بخواهند؟ در همین تابستان گذشته، هنگام سؤال برای پذیرش دانش‌آموزان پایه‌ی اول، بیشتر خانواده‌ها اظهار می‌کردند که فرزندشان «می‌خواند»، «می‌نویسد»، «زبان خارجی» و «زبان رایانه» را می‌داند؛ جدول ضرب بلد است و زمانی که می‌پرسیم آیا مهارتی دارد، می‌تواند دکمه یا بندکفش خود را ببندد یا معنای صرفه‌جویی را آموخته؟ آن‌ها در پاسخ درمی‌مانند.

به خانواده‌های محترم گوش زد می‌کنم که ما این‌ها را به این شکل افراطی نمی‌خواهیم و قرار نبوده دانش‌آموز پایه‌ی اول بیش از آمدن به کلاس این موارد را بلد باشد. قرار است آن‌ها را در طی سال تحصیلی فراگیرند. درست است که بچه‌ها نسبت به گذشته امکانات بیشتری دارند اما نباید آن‌ها را پیش از این و بیش از نیاز بیماران اطلاعاتی کنیم.

کار تا آن‌جا پیش رفته که خانواده‌ها در امور تدریس دخالت کرده و می‌پرسند چرا آموزگار به فلان طریق کار می‌کند یا فعالیت نمی‌کند؟

با خواندن «یادداشت سردبیر» و این مطلب شاید به این نتیجه برسید که ما می‌خواهیم به اثبات قضیه‌ای دست بزنیم که چندان مقدمات اصولی ندارد، نه! اما این دو در کنار هم پیام‌های خاص خود را دارند که هر کس می‌تواند از آن تفسیری داشته باشد.

اکبر احمدیان باغبادارانی، آموزگار و مدیر کهنه‌کار دبستان عدل اصفهان نظر خود را نوشته و مجله هم آن را منعکس کرده است.

دخالت و مهارت

مکرر در مدرسه با این موضوع روبرو هستیم که اولیای دانش‌آموزان از وضع تحصیلی فرزند گله دارند. هم‌چنین از مجموعه عوامل مدرسه نیز متوقع هستند. گاهی در خیابان قدم می‌زنم و شاهد آن هستم که پدران و مادران و گاهی نیز پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با فرزند یا نوه‌ی خود به خرید لوازم مورد نیاز می‌آیند.

آن‌ها با به آغوش کشیدن دلبندها به فروشنده می‌گویند: «آیا چیزی مناسب بچه‌ی من دارید؟» و من می‌بینم که منظور

آن‌ها کاست صوتی-تصویری یا

سی‌دی و وسایل سمعی‌بصری الکترونیک است! این عزیزان وارد فروشگاه‌ها می‌شوند و انواع وسایل بازی آموزشی و کمک‌آموزشی را خریداری می‌کنند.

این نوع رفتارها آنچنان فراوانی یافته که مرا به این فکر می‌اندازد که چرا پدران و مادران نقش اساسی خود را گم



خدا تو را خوش رو آفریده است

مفاهیم اساسی ارتباط میان فردی

دکتر نیره شاه محمدی

۶. ما نمی‌توانیم ارتباط برقرار نکنیم. گوش ندادن و حرف نزدن به معنای قطع ارتباط نیست. سکوت کردن و گوش ندادن هم نوعی ارتباط است و پیام خاصی را ارسال می‌کند. ۷. دیگران به اعمال ما و ما به اعمال دیگران واکنش نشان می‌دهیم. ما پیوسته عمل و عکس‌العمل را انجام می‌دهیم.

۸. ما کاری را که دوست داریم انجام می‌دهیم. وقتی در ارتباطی شرکت می‌کنیم دوست داریم تجربه‌ی جدیدی کسب کنیم. ۹. ما همواره نمی‌توانیم درک و احساسی مشابه دیگران داشته باشیم. هنگام برقراری ارتباط با یک فرد بپذیریم که به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، تنها در حوزه‌هایی با هم سهیم هستیم که زمینه‌ی تجربی مشترک داشته باشیم.

شیوه‌های برقراری روابط انسانی مطلوب

۱. ابراز محبت به همکاران

قرآن کریم درباره‌ی اهمیت و ضرورت محبت به پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «رحمت خداوند تو را با خلق خوشرو و مهربان کرد و اگر تندخو و خشن بودی مردم از گرد تو متفرق و پراکنده می‌شدند» (آل عمران، آیه ۱۵۹). با توجه به نکات فوق می‌توان گفت که اساس کار مدیر، معلم و هر کس دیگری که با انسان‌ها و خصوصاً دانش‌آموزان سر و کار دارد ابراز محبت، مهربانی، لطف و رحمت است؛ زیرا در غیر این صورت نمی‌توان ارتباط مناسبی با دیگران برقرار کرد و حتی بالاتر اینکه برخورد خشک، خشن و تند موجب دوری و کناره‌گیری افراد از مدیر می‌شود.

۱. ارتباط در قالب یک سیستم انجام می‌شود. وقتی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم الگویی درست می‌کنیم و بعد براساس همان الگو عمل می‌شود.*

۲. ما خود به دیگران یاد می‌دهیم با ما چگونه رفتار کنند. باید سیستم ارتباط را سازمان‌دهی کرد.

۳. ما به شیوه‌ی خاص خود ارتباط برقرار می‌کنیم و در هر ارتباط، چیزهایی درباره‌ی شخصیت خودمان بروز می‌دهیم.

۴. هدف ما از برقراری ارتباط با دیگران این است که آن‌ها را وادار کنیم مثل ما رفتار کنند. به عبارت دیگر، با برقراری ارتباط، می‌خواهیم بر دیدگاه و رفتار دیگران تأثیر بگذاریم.

۵. معنادر خودانسان نهفته است نه در کلمات. یک کلمه به خودی خود دارای معنا نیست بلکه ما انسان‌ها با توجه به ذهنیت و دیدگاه و تجربیات خود به کلمات معنا می‌بخشیم.

اشاره

در دو شماره‌ی پیشین اهمیت مدیریت برقراری روابط انسانی در دبستان و راه‌های جلوگیری از هدررفت سرمایه‌های مالی و روحی در مدرسه بیان شد. از سویی گفته شد که حفظ حرمت و اعتدال و انتقادپذیری نیز در برقراری روابط حسنه است.

در این شماره، که قسمت پایانی این مجموعه است، قصد ما این است که به مفاهیم اساسی ارتباط میان‌فردی و شیوه‌های برقراری روابط انسانی مطلوب پردازیم.

کلیدواژه‌ها: ارتباط میان‌فردی، خوش‌رویی، دوست داشتن





۲. اعتماد متقابل و یکرنگی

براساس نگرش سیستمی تحقق هدف‌های مدرسه به انجام وظایف هر یک از عناصر و عوامل و برقراری ارتباط مطلوب و مناسب بین آن‌ها بستگی دارد. لذا یکی از نکات مهم که مدیر مدرسه باید به آن توجه کند ایجاد فضای اعتماد و اطمینان افراد به یکدیگر و فضای روانی مطلوب است تا افراد با اطمینان خاطر و اعتماد متقابل به انجام وظایف بپردازند.

۳. دوست داشتن دیگران

یکی از موضوعات بسیار حساس در همه‌ی مدیریت‌ها به‌ویژه در مدیریت آموزشی که کمتر در مورد آن بحث شده و توانسته است توجه و حساسیت مدیران را برانگیزد، مسئله‌ی توان و مهارت دوست داشتن معلمان و دانش‌آموزان است. اصولاً تا کسی نگرش مثبتی نسبت به انسان‌ها و نیروهایی که با آن‌ها کار می‌کند نداشته باشد، مدیر خوبی نخواهد شد. تا زمانی که کسی را به دلایلی دوست نداشته باشیم، نمی‌توانیم با او ارتباط برقرار کنیم. علی (ع) در فرمان بزرگ خود به مالک اشتر، به او توصیه فرمود: «ای مالک، قلب خود را از مهربانی و گذشت نسبت به زبردستان یا رعایا پرکن و به آن‌ها دوستی و محبت کن و به آن‌ها لطف و عنایت داشته باش».

۴. خوب گوش دادن و پذیرش افراد

خوب گوش دادن و خوب شنیدن از اساسی‌ترین عوامل در برقراری روابط انسانی است. بسیاری از مشکلات سازمانی و عصبانیت‌ها با خوب گوش دادن به درددل‌ها و مشکلات افراد حل می‌شود. معلمی که توانایی تحمل دیگران را نداشته باشد و نتواند با بردباری به حرف‌های همکاران و یا دانش‌آموزان خود گوش دهد، در برقرار کردن ارتباط موفق نخواهد شد. شاید بسیاری از عقده‌های حقارت و خودنمایی‌ها با خوب گوش دادن کاهش یا بیهود یابد. منظور از خوب گوش دادن توجه به گفته‌های همکاران و دانش‌آموزان و شنیدن با گوش جان است. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که به عنوان یکی از روش‌های روان‌درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. **کارل راجرز** به این روش

اعتقاد داشت و از روان‌درمانگران و مشاوران می‌خواست که از این روش استفاده کنند. در این روش فرد زیاد صحبت نمی‌کند بلکه به طرف مقابل فرصت می‌دهد تا حرف‌های خود را بزند و سرانجام با کمک خود او سعی می‌کند راه‌حلی برای مشکلاتش ارائه دهد (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۷۳).

۵. برقراری بهداشت روانی

هر محیط آموزشی دارای جوی است که ممکن است آن محیط را سرد، خشک، غیرقابل اعتماد و یا صمیمی، قابل انعطاف و حمایت‌کننده سازد. هرچه جو سازمان مثبت‌تر باشد، برقراری ارتباط و روابط انسانی آسان‌تر خواهد بود. محیط زندگی انسان نقش اساسی در احساس خوشبختی و یا تیره‌بختی او دارد. اگر محیطی بتواند به فرد اعتمادبه‌نفس بدهد و بروز استعدادها و احساسات او را ممکن سازد و در نهایت بتواند زمینه‌های دستیابی به نیازهای فرد را امکان‌پذیر کند، افراد احساس شادی و خوشبختی خواهند کرد. به عکس، اگر محیطی مانع رشد اعتمادبه‌نفس فرد شود و استعدادهای او را در نطفه خفه کند و با در او موجی از کینه، دشمنی و احساس گناه به وجود آورد، در افراد احساس افسردگی، درماندگی و تیره‌روزی پدید می‌آید. وجود چنین ویژگی‌های مثبت یا منفی‌ای در یک سازمان آموزشی، نشان‌دهنده‌ی وضع بهداشت روانی در آن سازمان است. در حقیقت، بهداشت روانی حاصل مساعد بودن زمینه‌ها و شرایط برای زیست و رشد فرد در سازمان یا جامعه است.

۶. رفتار از روی عدل و انصاف

معلمان میل دارند که با ایشان از روی عدل و انصاف رفتار شود. آنان از تحمیل وظایف بیش از معمول و اینکه فرد خاصی بهترین پاداش مالی و معنوی را دریافت دارد، بیزارند. عده‌ای از معلمان ممکن است احساس کنند نقش مهمی در فعالیت‌های آموزشگاه ندارند و همواره نام افراد خاصی محور اطلاعات و اخبار است. برای پرهیز از چنین وضعی قبل از گرفتن تصمیم قطعی می‌توان جدول کارهای مکمل برنامه را برای مطالعه و بررسی به همه‌ی کادر آموزشگاه ارائه داد.

۷. احساس موفقیت در کار و رشد صنفی

معلمان میل دارند احساس کنند که در انجام دادن کارشان، با پیشرفت و تعالی قرین هستند. بنابراین، زمانی که از کوشش‌های خود نتیجه‌ای نمی‌گیرند، نگران و مضطرب می‌شوند. مدیر آموزشگاه می‌تواند با فراهم آوردن یک برنامه‌ی صحیح ارزش‌یابی و سنجش به معلم در این زمینه یاری کند.

۸. احساس اهمیت در وظایف محول شده

معلمان میل دارند احساس کنند که وظیفه و کار آنان اهمیت دارد. میل به تشخیص و قدرشناسی از زحمات و خدمات انجام شده از طرف مدیران و دریافت احترام از سوی همکاران، شکل دیگری از علاقه و احساس اهمیت در وظیفه‌ی محوله است. مدیر آموزشگاه باید به معلمان خود بفهماند که به ایشان اعتماد دارد و به کاری که انجام می‌دهند احترام می‌گذارد و در صورت حسن انجام کار از آن‌ها تقدیر و تشکر به عمل می‌آورد. تقدیر و تشکر یکی از راه‌های مؤثر برای ترغیب و تحریک به کار بهتر و بیشتر است. البته تقدیری که از روی راستی و صداقت نه به صورت مصنوعی و غیرطبیعی باشد. همچنین لازم است مدیر تلاش کند تا این صداقت، اعتماد و همدلی در بین همکاران نیز به وجود آید.

۹. شرکت در تعیین خط‌مشی‌ها

معلمان میل دارند احساس کنند که در هدایت و نظارت بر سرنوشت خود سهیم‌اند.

لذا در مشاغلی که فرصت شرکت در تعیین خط‌مشی و سیاست‌های کلی کار به افراد داده می‌شود رضایت خاطر بیشتری از انجام کار حاصل می‌شود. بنابراین، مدیران آموزشگاه‌ها می‌توانند با شرکت دادن معلمان در این امور بر رضایت خاطر آنان از کارشان بیفزایند.

۱۰. حفظ احترام به خود

برای به‌دست آوردن رضایت کامل از کار، باید فرصت‌های محول شده چنان باشد که فرد شاغل از احساس احترام به خود برخوردار شود. احترام به خود شامل احساس برابری با همکاران و رعایت انصاف در اختلافات ایجاد شده است. مثلاً اگر اختلافی بین یک معلم و دانش‌آموز به‌وجود آید، مدیر نباید چشم بسته از یک طرف جانب‌داری کند و حتی اگر از معلم حمایت کند این امر زبان‌بخش خواهد بود. زیرا منجر می‌شود که این تصور در معلم به‌وجود آید که مدیر همواره از نظرات او حمایت می‌کند در حالی که بعید نیست در اختلاف‌نظری که ممکن است بعدها با مدیر پیدا کند قربانی قضاوت ناعادلانه‌ی مدیر بشود.

۱۱. همدلی

همدلی زبان مشترک برای ارتباط ما با دیگران و ایجاد تفاهم در محیط و تمرین زندگی در یک جامعه‌ی پویاست. لازمه‌ی رسیدن به زبان مشترک و همدلی، در ابتدا شناخت خودمان است. باید در قدم اول ظرفیت، توان و استعداد خود را بشناسیم تا بتوانیم با تکیه بر این شناخت و آگاهی، دیگران را نیز درک کنیم. همدلی و تفاهم با دیگران رابطه‌ی نزدیکی با ابعاد روحی انسان دارد. عقل انسان، به‌عنوان مرکز تفکر و فرماندهی و تنظیم معادلات زندگی، لازمه‌ی زیستن در جهان را همدلی می‌داند، زیرا در فرایند یک زندگی جمعی باید یاور یکدیگر باشند. عقل سلیم می‌گوید بدون همدلی با دیگر انسان‌ها و جامعه‌ی پیرامون نمی‌توان زندگی خوب و سالمی داشت (رادمنش، ۱۳۸۶).

۱۲. برقراری ارتباط مؤثر

یکی از ویژگی‌های انسان سالم و موفق، توانایی برقراری ارتباط مؤثر و سازنده با دیگران است که در ایجاد تفاهم در زندگی

به ما بسیار کمک می‌کند. تفاهم این نیست که کسی خودش را با ما موافق کند، تفاهم این است که ما خودمان را با دیگری وفق دهیم. انسان‌ها باید با توجه به تفاوت‌های فردی یکدیگر را درک کنند، زبان یکدیگر را بفهمند، تفاوت در سلیقه‌ها را بشناسند و در عین تلاش برای خودسازی و تکامل، یکدیگر را همان‌گونه که هستند، بپذیرند.

۱۳. صریح و صادق بودن

صراحت و صادق بودن فرایندی است که در ارتباطات به شکلی نامحسوس اما بسیار مؤثر نقش بازی می‌کند. این فرایند قابل دیدن یا شنیدن نیست، بلکه دو طرف درگیر ارتباط آن را حس می‌کنند. سعی کنیم در روابط خود با دیگران صریح و صادق باشیم و از هر نوع ابهامی اجتناب کنیم. اگر منظور خود را با صراحت بیان نکنیم، طرف مقابل به اشتباه می‌افتد و به حدس و گمان متوسل می‌شود. به این ترتیب، احساس همدلی و زبان مشترک از بین می‌رود و تفاهم بین افراد برقرار نمی‌شود.

۱۴. حفظ آرامش و احترام به طرف مقابل

احترام به معنی حفظ حریم و ارزش قائل شدن برای یک انسان دیگر است. کسی که به طرف مقابل خود احترام می‌گذارد و عشق می‌ورزد و برای خواسته‌ها، تمایلات، شخصیت، فردیت در وجود او احترام قائل است، استعداد خاصی دارد و در برقراری یک رابطه‌ی خوب و ایجاد تفاهم تلاش می‌کند. اگر در ارتباط با دیگران این تصور پیش آید که به‌نظر آن‌ها احترام نمی‌گذاریم، ارتباط روند مناسبی ندارد. در نظر گرفتن این نکته که اغلب مردم مانند ما فکر نمی‌کنند، احساس نمی‌کنند و به روش خود به دنیا نگاه می‌کنند بسیار اساسی است.

۱۵. توجه به نکات مثبت دیگران

هر انسانی ممکن است ویژگی‌های مثبت و منفی زیادی در وجود خود داشته باشد که می‌توان بر آن‌ها تکیه کرد. برای ایجاد تفاهم باید بر نکات مثبت توجه بیشتری داشت. معلم

که رسالت خود را در ساختن انسان‌ها از طریق دوستی، محبت و نفوذ شخصیت پیمودن روش‌های علمی می‌داند، هرگز در ارتباط با دیگران به خود اجازه نمی‌دهد که به ضعف آن‌ها توجه داشته باشد. عادت ناستوده‌ی عیب‌جویی و یافتن نقاط ضعف دیگران از عادات جاهلیت و امری غیرفرهنگی است که معمولاً از فرهنگ سلطه سرچشمه می‌گیرد.

۱۶. مخالفت کردن به شیوه‌ی مناسب

یکی دیگر از راه‌های برقراری ارتباط مؤثر و تفاهم با یکدیگر این است که بتوانیم بپذیریم دیگران مانند ما نیستند. آن وقت می‌توانیم به شیوه‌ی مناسب با نظرات و عقاید آن‌ها که به نظر ما صحیح نیستند، مخالفت کنیم. یاد بگیریم که چگونه بدون بحث و جدل‌های مخرب مخالفت خود را نشان دهیم. انسان‌ها با سعی و تلاش با تسلطی که بر نفس خود دارند، می‌توانند از درگیری و اهانت خودداری کنند. دوری از بحث و جدل کردن و پافشاری کردن در این امر به ما کمک خواهد کرد.

پی‌نوشت

* الگوهای ارتباطی عبارت‌اند از: ۱. الگوی خطی ارتباط یا ارتباط یک‌سویه که در آن دریافت‌کننده، پیام را دریافت و رمزگشایی می‌کند اما بازخوردی وجود ندارد؛ مانند سخنرانی. ۲. الگوی تعاملی یا ارتباط دوسویه که در آن گیرنده‌ی پیام، پیام را دریافت کرده، رمزگشایی می‌نماید و بازخورد ارائه می‌دهد؛ مانند جلسه‌ی پرسش و پاسخ. ۳. الگوی تبادلی ترسیمی از ارتباط چندسویه است که در آن نقش منع پیام (فرستنده) و دریافت‌کننده (گیرنده) وجود ندارد و هر دو در یک زمان ارتباط برقرار می‌کنند؛ مانند میزگرد.

منابع

۱. بهرنگی، محمدرضا؛ مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، انتشارات کمال تربیت، ۱۳۷۶.
۲. پیرزادیان، حسین؛ مدیر موفق، انتشارات مؤسسه یاس بهشت، ۱۳۸۵.
۳. دادگران، سیدمحمد؛ مبانی ارتباطات جمعی، انتشارات فیروزه، تهران، ۱۳۷۴.
۴. رادمنش، محمدحسین؛ ایده‌های ناب مدیریتی، انتشارات ویرای دانش، ۱۳۸۶.
۵. شفیق‌آبادی، عبدالله؛ جایگاه خانواده و مدرسه در رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان، انتشارات دبیرخانه سمپوزیوم نوجوان، تهران، ۱۳۷۳.
۶. میرزایی اهرنجانی، حسن؛ مهارت و هنر خوب گوش دادن، فصلنامه‌ی دانش مدیریت، شماره ۲۴، ۱۳۷۳.
۷. میرکمالی، محمد؛ روابط انسانی در آموزشگاه، نشر سیطرون، ۱۳۷۸.
۸. میرکمالی، محمد؛ رهبری و مدیریت آموزشی، نشر رامین، ۱۳۷۸.
۹. وود، جولبالی؛ ارتباطات میان فردی، مترجم: مهرداد فیروز بخت، انتشارات مهتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.

مهندسی و دندان پزشکی را پای تخته آوردیم!

آموزگاری که فرهنگ «پرسیدن» را میان دانش‌آموزان رواج می‌دهد

معصومه حبیبپور



همه‌ی
فرزندان
من و
فرهنگ
پرسش

این آموزگار پایه‌ی ششم دبستان «فرهنگ» با سال‌ها تجربه‌ی تدریس پایه‌های مختلف

دوره‌ی ابتدایی به شیوه‌ی خود به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که از پرسیدن چیزی که نمی‌داند، حتی از افراد کوچک‌تر واهمه‌ای ندارد. همان‌طور که گفتیم او در مقام مادر توانسته است دو فرزند خود را به مراتب علمی خوبی برساند. یکی از آن‌ها مهندس عمران است و دیگری دندان‌پزشک.

دشتمانی می‌گوید: «با توجه به تغییر کتاب‌های درسی و در مقام آموزگار و برای اینکه فرهنگ سؤال کردن را در میان دانش‌آموزان گسترش دهم، وقتی در درس‌های ریاضی یا علوم و یا در ارتباط با مباحث رایانه و نکات بهداشتی به مشکلی برمی‌خورم و احتمالاً پاسخ قاطع و قانع‌کننده‌ای ندارم، همان لحظه به یکی از پسرانم تلفن می‌کنم و مسئله را پیش روی بچه‌ها با آن‌ها در میان می‌گذارم. سپس با روشن کردن بلندگوی گوشی پاسخ صحیح را در اختیار آن‌ها می‌گذارم و در صورت نیاز یک بار دیگر پاسخ را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهم. این چنین است که در یک تعامل به چند هدف از جمله ماندگار کردن یادگیری و خجالت‌نکشیدن از پرسیدن می‌رسم. دیگر اینکه دانش‌آموزان به ادامه‌ی تحصیل و مطالعه تشویق می‌شوند و نحوه‌ی درست سؤال کردن و هم‌چنین تعامل با اقشار دیگر و احترام به اعضای خانواده را درک می‌کنند.»

اشاره

کناره‌های خلیج فارس محلی بسیار مناسب برای گلگشت در فصل‌های گوناگون و دادن درس زندگی یا آموزش مهارت‌ها به دانش‌آموزان است. با قرار دادن جزیره‌های ایرانی در زمره‌ی این محل‌ها می‌بینیم که مدرسه‌ای داریم به وسعت ایران و طراوت آب‌های نیلگون خلیج فارس.

زهره دشتانی، آموزگار دبستان دخترانه‌ی فرهنگ در جزیره‌ی کیش ۲۱ سال سابقه‌ی تدریس دارد و به‌عنوان مادر و آموزگار با استفاده از چند شیوه توانسته است تدریس موفق و ماندگاری ارائه کند. با مطالعه‌ی این گزارش کوتاه به روش‌های آموزشی این آموزگار پی می‌بریم.

صمیمت

بچه‌های کلاس زهره دشتانی می‌گویند: «خانم معلم ما بسیار صمیمی و خوش‌برخورد است. تازه اگر بخواهیم، بعد از کلاس هم برای ما وقت می‌گذارد.» بنابراین، به‌اولین رمز موفقیت این آموزگار پی می‌بریم و آن ایجاد صفا و صمیمت در کلاس و یا هر جای دیگری است که دانش‌آموزان هستند.

مادر آموزگار

مادر بودن و آموزگاری کردن هم از آن شگردهایی است که بعضی‌ها در فرایند کاری خود به خوبی می‌توانند از آن استفاده کنند. دشتانی در مقام مادر توانسته است فرزندان خوبی تربیت کند و در پیشرفت آن‌ها مؤثر باشد. در جایگاه آموزگار نیز این خصلت را حفظ کرده و دانش‌آموزان را مانند فرزند خود می‌داند. او از صمیمیتی که ایجاد کرده است به نحو مناسبی بهره می‌برد و پیوندی نیکو میان دانش‌آموزان و فرزندان خود ایجاد کرده است.

دشتانی با این روند، برنامه‌های کلاس خود را پیش می‌برد و به نوعی دانسته‌های خود را تکمیل می‌کند. اما چگونه؟

خط خطی کردن هم مهارت نوشتاری است

انشا در برنامه‌ی درسی

فهمیده‌دهقان

فرجام آموزش و یادگیری به «نوشته‌ای خلاق» برسیم که از آن با عنوان انشا هم یاد می‌کنند. بنابراین، از مهارت‌های ساده‌ی نوشتاری یعنی همان دست‌ورزی‌های اولیه‌ی کودکان تارسیدن به یک نوشته‌ی هنری خلاق و آفرینشی فرایندی است که گام‌هایی باید پیموده شود تا زبان‌آموز به مهارتی در نوشتار برسد و بتواند با کسب آموخته‌های پیشین مهارت خود را به قلمرو هنر نزدیک کند. نکته‌ای که این‌جا خیلی مهم است، نوع نگاه یا رویکرد ما به آموزش نوشتن است. رویکرد کلی ما در آموزش و یادگیری مهارت‌های زبان در هر دو پهنه‌ی شفاهی و نوشتاری یا مکتوب رویکرد مهارتی است؛ یعنی، معتقدیم که سخن گفتن یک مهارت است، نوشتن هم یک مهارت است. وقتی به رویکرد مهارتی معتقدیم باورمان این است که زبان‌آموزان با آموزش، تمرین، تکرار و پیوستگی در آموزه‌ها می‌توانند به مهارت برسند. به همین سبب به واژه‌ی انشا می‌رسیم. البته ما خوش نداریم که این واژه را به کار بگیریم؛ چون واژه‌ی انشا پس‌زمینه‌ای ادبی و هنری دارد. گفته شد نگاه ما به نوشتن یک نگرش مهارتی است؛ یعنی کودکان از راه مطالعه و کتاب‌خوانی می‌توانند به ذهن رهوار دست پیدا کنند. خواندن کتاب و مطالعه‌ی بیشتر ما را

اشاره

زبان موهبتی خدادادی و پدیده‌ای ذهنی-اجتماعی است که کودک به‌گونه‌ای آن را فرا می‌گیرد. در این گفت‌و‌گو برآنیم به مهارت‌های نوشتاری زبان‌آموزی در قالب انشا و چگونگی آن در برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی و در گفت‌و‌گو با دکتر فریدون اکبری شلدره بپردازیم. آنچه تأکید رئیس گروه زبان و ادبیات فارسی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری است، کاربرد نوشتار و نگارش به‌جای انشاست. زیرا در عبارت نوشتار یا نگارش، رویکرد مهارتی نیز لحاظ شده است.

از نحوه‌ی برنامه‌ریزی و نگاه به درس انشا در برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فارسی در دوره‌ی ابتدایی بگویید.

پیش‌تر باید گفت در برنامه‌ی درسی زبان‌آموزی از پایه‌ی نخست دبستان برنامه‌ی زبان‌آموزی در دو پهنه‌ی مهارت‌های خوانداری و نوشتاری پی‌گرفته می‌شود. در قلمرو مهارت‌های مکتوب یا نوشتاری از اول دبستان با همان نمادهای خطی زبان یعنی با حروف الفبا، نشانه‌های نوشتاری آموزش را آغاز می‌کنیم تا در





می‌گرفت اما به کتابت نمی‌رسیدند. عموماً فقط کسانی که توان مالی کافی داشتند و یا به مراکز حکومتی و دیوان رسائل وصل بودند، تعلیم می‌دیدند تا بتوانند در چنین جایگاه‌هایی کارایی داشته باشند. از دوره‌ی مشروطه به سبب ورود صنعت چاپ و همه‌گیر شدن نوشتن، نویسندگی به‌عنوان یک مهارت عمومی در جامعه مورد توجه قرار گرفت. حتی مدرسه‌های جدید کم‌کم احساس نیاز کردند که باید سراغ فراگیری مهارت نوشتن بروند. امروزه ما در آموزش رسمی با این نگاه به پرورش مهارت‌های زبانی می‌پردازیم. به همین دلیل در پایه‌ی چهارم دبستان بخشی به‌عنوان «صندلی صمیمیت»، بخشی به‌عنوان «قصه‌گویی» و بخشی به‌عنوان نمایش داریم.

مهارت نوشتن به‌عنوان مهارت در زندگی و وسیله‌ای برای برقراری ارتباط کمتر استفاده شده و این در آموزش رسمی ما نیز کمتر حضور پیدا کرده است.

نظام مکتب‌خانه‌ای در این مسیر چقدر کارایی داشت؟

در نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ای کهن از دو مهارت اصلی زبانی یعنی خواندن و نوشتن، عموماً خواندن را راحت‌تر فرا می‌گرفتند و خیلی‌ها به نوشتن نمی‌رسیدند. در همین واپسین سال‌ها پدربزرگ‌های خودمان را می‌دیدیم که خواندن بلد بودند ولی نوشتن نه؛ چون نوشتن نیاز به تکرار و تمرین بیشتری داشت و دشوارتر بود. نوشتن جزو مهارت‌های پیچیده‌ی زبانی است و

به نویسندگی خوب می‌رساند. به زبان دیگر، خوب سخن گفتن و خوب نوشتن محصول مطالعه‌ی درست است و محصول خوب خواندن، خوب نوشتن. بنابراین، در برنامه‌ی زبان‌آموزی مطالعه و کتاب‌خوانی یکی از بنیادهای سازمان‌دهی محتوایی ماست و به آن توجه می‌کنیم.

انشا با مهارت نوشتن به‌عنوان ماده‌ی درسی از چه زمانی در مدرسه‌ها وجود داشته است؟

تقریباً از دوره‌ی مشروطه به این سو که برنامه‌ی درسی مکتب‌خانه‌ها و سپس مدرسه‌های جدید آغاز شد، از انشا نام و نشان می‌بینیم. یعنی حتی در ادبیات مکتب‌خانه‌ای کهن هم دارالانشا داشته‌ایم. وظیفه‌ی دارالانشاها تعلیم کتابت بود. بنابراین، در آموزش کهن همواره بر این دو مهارت؛ یعنی مهارت خواندن و بعد مهارت نوشتن تأکید عمده می‌شد. دارالانشاها افراد را برای نویسنده شدن تربیت می‌کردند. دانشمندان ما نیز بیشتر افراد را برای مستوفی‌گری و دبیری تعلیم می‌دادند تا این افراد بتوانند کار مکاتبات یا محاسبات دیوانی را انجام دهند و به همین صورت ما دیوان رسائل داشتیم. دارالانشاها بیشتر در فضای مکتب‌خانه‌ای بودند اما دیوان رسائل بخشی از پیکره‌ی حکومتی بود و در طول تاریخ مکاتبات رسمی و نامه‌نگاری‌های دیوان‌ها و حکومت‌ها را پی می‌گرفت. از دوره‌ی مشروطه با شکل‌گیری مدرسه‌های جدید عنوان انشا را هم می‌بینیم. مثلاً از اول دبستان کتاب‌هایی بودند با عنوان انشانویسی که البته هنجارهای علمی نوشتن را در آن‌ها رعایت نمی‌کردند. متن‌ها سنگین بوده‌اند؛ مانند «کلیله و دمنه»، از «گلستان سعدی» یا متون دیگر که قطعاً آن‌ها نمی‌توانند سرمشق‌های خوبی برای نوشتن باشند؛ چون هدف، بیشتر تعلیم دبیر و مستوفی برای دیوان‌خانه‌ها و رسائل بوده است.



اهمیت انشا

لفظ انشا با نگاه علمی‌تر و درست‌تر یعنی نگاه مهارتی با عنوان نگارش یا مهارت نوشتن یاد می‌شود. اگر کتاب‌های درسی را نگاه کنید، دو عنوان را می‌بینید: «مهارت‌های خوانداری، مهارت‌های نوشتاری». در مهارت‌های نوشتاری، در حقیقت،

در مراحل آخر یادگیری اتفاق می‌افتد. معمولاً خانواده‌ها چنین توانی نداشتند که بچه‌ها را برای کسب علم خواندن و نوشتن به مکتب‌خانه‌ها بفرستند. بنابراین، بچه‌ها همان بخش خواندن را فرا می‌گرفتند؛ آن هم بیشتر به قصد خواندن قرآن، یعنی معمولاً سرحلقه‌ی آموزش مکتب‌خانه‌ای تعلیم خواندن قرآن بود و با این هدف شکل

نوشتن را بیشتر وسیله‌ی پرورش افرادی برای دبیری و حتی مراسلات و مکاتبات رسمی و اداری می‌دیدند و نویسندگی و

است که نگارش را نیز بدانند. بنابراین، درس نگارش یا به قولی انشا در پایه‌های دبستان از جمله پایه‌ی چهارم اهمیت دارد.

آموزش آموزگاران در آشنایی با مهارت نگارش و نوشتن به چه شکل است؟

یکی از آسیب‌های برنامه‌ی درسی نارسایی در آموزش معلم است؛ یعنی آموزش معلم‌ها به درستی صورت نمی‌گیرد و کافی و کامل نیست. این امر باعث می‌شود که حتی محتوای تولید شده هم به اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود نرسد. کسانی که آموزش درست ندیده باشند، در اجرای برنامه اختلال ایجاد می‌کنند. برنامه به سمت و سوی دیگر می‌رود و به آن ضربه وارد می‌شود. مثلاً زمانی که کتاب نگارش و انشا را برای پایه‌ی هفت و هشت متوسطه‌ی اول تدوین می‌کنیم، برای اولین بار مسئله‌ی نقشه‌ی نوشتن را طراحی می‌کنیم؛ یعنی چهارچوب‌ها و نقشه‌هایی برای نوشتن که این‌ها را قبلاً نداشته‌ایم. در این‌جا اولویت با آموزش معلم است و بعد آموزش مدرسه و سپس دانش‌آموزان. متأسفانه به آموزش معلم‌ها زمان کافی اختصاص داده نمی‌شود و با یک عنوان کلی فارسی با بیست ساعت آموزش روبه‌رو هستیم. در این زمان کم و با وجود گستره‌ی بسیار فراخ‌دامن فارسی مجال آن را نداریم که به تمام مهارت‌های زبان‌آموزی فارسی توجه کنیم. به این ترتیب، اولین اشکال خودش را در اینجا آشکار می‌کند؛ یعنی نقص آموزش معلم. آموزش معلم باید اصلی‌ترین و گرانگه‌نگاه مسئولان فرهنگی در کشور باشد. آموزش نیروی انسانی بیش و پیش از تألیف کتاب درسی اهمیت دارد.

برای ایجاد مهارت در انشا و جذابیت در این درس چه کارهایی انجام شده است؟ نوع نگاه ما به نوشتن مهم است. یک ویژگی در برنامه‌ی ما مورد تأکید است و آن این است که ما نوشتن را یک مهارت میان‌رشته‌ای می‌دانیم؛ یعنی نباید فقط

قدم‌های رسیدن به انشا را از همان پایه‌ی اول دبستان بنیان می‌گذاریم.

اگر نگارش را یک زنجیره حساب کنیم، در برنامه‌ی آموزشی یک نگاه پیوستاری زنجیره‌ای هست. مهارت نوشتن از اول دبستان تا پیش‌دانشگاهی وجود دارد. ما به آن «مهارت‌های نوشتاری» می‌گوییم. مهارت‌های نوشتاری در اول دبستان به صورت نقاشی، خط‌خطی کردن و شناخت جهت‌ها آموزش داده می‌شود. در پیش‌دانشگاهی به شکل انشا خود را نشان می‌دهد. هر دو، یعنی همان نقاشی اول دبستان با نوشته‌ی آفرینشگری پیش‌دانشگاهی از نظر مهارت‌های زبانی یکی هستند منتها نوع ارائه‌شان متفاوت است. انشا را قبلاً به عنوان ماده‌ی درسی از پایه‌ی سوم دبستان تا پایه‌ی سوم راهنمایی داشتیم اما الان ماده‌ی درسی انشا را در پایه‌های

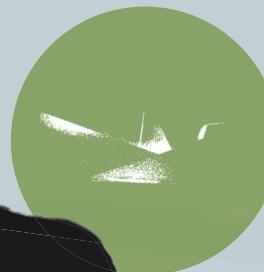
سوم تا نهم داریم. در این هفت پایه عنوان ماده‌ی درسی انشاست منتها نحوه‌ی ارائه و سازمان‌دهی محتوایی آن متفاوت است و چون دانش‌آموزان با املا، زبان‌شناسی و دستور زبان به مرور آشنا خواهند شد، نیاز

از معلم زبان و ادبیات فارسی انتظار داشت برای پرورش مهارت نوشتن در دانش‌آموزان و رساندن آن‌ها به صحنه‌ی انشانویسی و یافتن مهارت نوشتن تلاش کند. باید نوشتن را به‌عنوان یک مهارت در زندگی تلقی کنیم و دانش‌آموز بتواند هر آموخته و مسئله‌ی اجتماعی را در زندگی‌اش به‌صورت نوشته درآورد.

البته نگاه ما در آموزش کاربردی است؛ یعنی متن‌هایی را انتخاب کرده‌ایم که به کمک آن‌ها ساختار یک نوشته را هم می‌توانیم آموزش دهیم و این یعنی آموزش از راه نمونه‌ها. مثلاً گفته‌ایم که این یک موضوع است، این موضوع این مقدمه را دارد، این مقدمه به این بدنه و تنه‌ی نوشته می‌رسد و این تنه در پایان نوشته به این نتیجه می‌رسد و فرایندی کاملاً منطقی دارد و این سیر را طی می‌کند. همه‌ی این‌ها به معنی داشتن نگرش میان‌رشته‌ای به انشا و نوشتن است؛ یعنی معلم ریاضی هم در ساعت ریاضی برای چگونگی رسیدن به پاسخ مسئله این را به‌عنوان یک فرایند ذهنی پرورش دهد و در نوشتن، آن را از دانش‌آموزان بخواهد. معلم علوم هم راه‌های کشف و مکاشفه و اکتشاف و حتی چگونگی مشاهده را باید به‌عنوان یک مهارت زبانی از بچه‌ها درخواست کند.

این‌ها در دو امر باید نمود پیدا کنند؛ هم توضیح‌گفتاری که زبان‌گشایی شود و زبان‌آموز بتواند فرایندی که پیموده شده است را توضیح دهد و هم این توضیحات به نمادهای نوشتاری تبدیل شوند. این باعث می‌شود زبان علمی دانش‌آموزان (کودکان ما) پرورش پیدا کند و کاملاً کاربردی باشد. این‌ها انشا نیست. تأکید می‌کنم ما به دنبال تربیت مهارت نوشتاری هستیم نه انشا.

شاید اگر عنوان «مهارت‌های نوشتن» در مدرسه جا بیفتد بخشی از مشکل حل شود. آموزگار هم می‌تواند برای ترغیب دانش‌آموزان به نوشتن از یک تصویر استفاده کند تا بچه‌ها درباره‌ی آن بنویسند یا جمله‌ای بگویند



دیدن از چشم گاو

منصوره دهقانیان آرانی

آموزگار دبستان حضرت معصومه (س)، آران و بیدگل

سال گذشته که اولین سال تدریس و تجربه‌ی آموزشی اینجانب در مدرسه چندپایه‌ی معاد (در یکی از روستاهای شهرستان آران و بیدگل) بود، افتخار تدریس در پایه‌های سوم و پنجم را داشتیم. درس علوم تجربی پایه‌ی پنجم، در مورد اجزای چشم بود. با توجه به کمبود شدید امکانات از قبیل نبودن مولاژ، دیتاشو و رایانه نمی‌دانستم چگونه این بحث را برای دانش‌آموزانم بیان کنم. ناگهان فکری به ذهنم خطور کرد و از یکی از دانش‌آموزان که پدرش قصاب بود درخواست کردم یک عدد «چشم گاو» برای تشریح به مدرسه بیاورد.

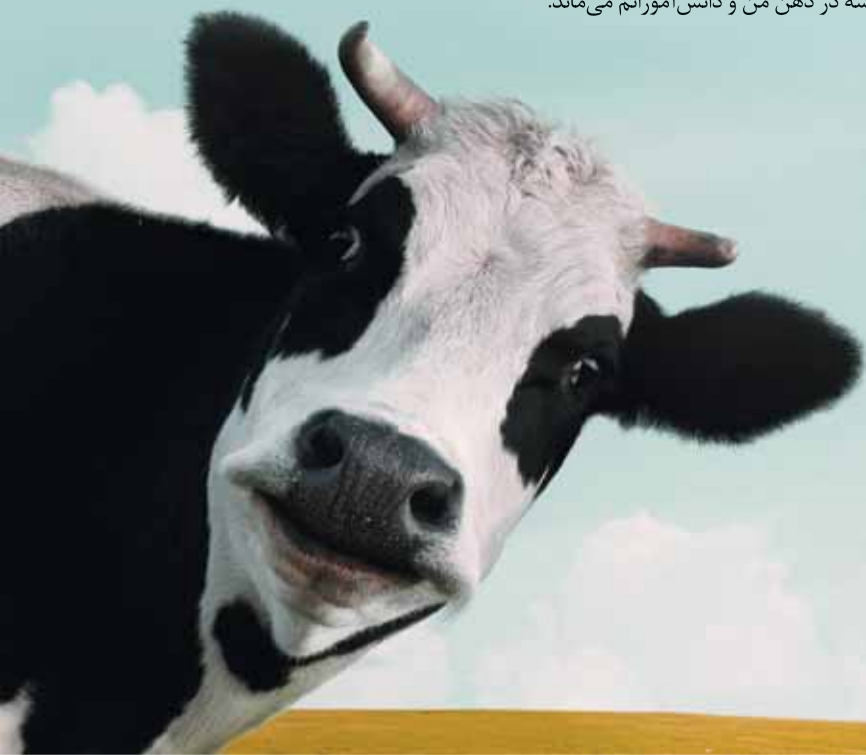
صبح روز بعد در کلاس مشغول تدریس بودم که صدای در را شنیدیم. در کلاس را باز کردم. پدر شاگردم با پاکتی که حاوی دو عدد چشم گاو بود به کلاس آمد و با تعجب پرسید: «خانم معلم! ببخشید چشم گاو به چه کارتان می‌آید؟» من هم گفتم اگر اندکی صبر کنید خودتان متوجه خواهید شد! چشم‌ها را گرفتم و در یک قابلمه‌ی پر از آب و نمک روی اجاق جوشاندم (برای راحت باز کردن چشم). ساعت دوم به کمک بچه‌ها یک میز را به حیاط بردم و از تمام دانش‌آموزان مدرسه (حدود ۴۰ نفر) خواستم برای مشاهده به حیاط بیایند. پدر دانش‌آموزم با تعجب نظاره‌گر کار ما بود! چشم‌ها را روی میز قرار دادم و با دقت هر چه تمام‌تر و با توجه به مطالعاتم در این خصوص، اجزای چشم را از هم جدا کردم و به تشریح و توضیح هر قسمت پرداختم. بچه‌ها با ذوق خاصی نگاه می‌کردند و من اثر یادگیری را در چهره‌ی آنان می‌دیدم. جالب‌ترین چهره مربوط به پدر دانش‌آموزم بود که پس از اتمام کار گفت: «فکر نمی‌کردم هیچ‌گاه شغلم بتواند به آموزش فرزندم در مدرسه کمکی کند!» آن روز همیشه در ذهن من و دانش‌آموزانم می‌ماند.

و بخواهد که دانش‌آموزان آن را ادامه دهند.

از این‌ها به‌عنوان شکردهایی برای پرورش نویسندگی استفاده می‌کنیم، ما الان از مهندسی نوشتن یاد می‌کنیم؛ یعنی معتقدیم نوشتن هم بافت و ساختاری کاملاً سنجیده دارد و عناصر سازنده‌ی آن باید به‌دقت طراحی شوند. اگر نوشتن را با این دید نظام‌مند ببینیم، با نگرشی مهندسی به نویسندگی و آموزش نوشتن توجه کنیم و رویکرد مهارتی و نگاه بین‌رشته‌ای را به آن اضافه کنیم، کار به‌خوبی پیش خواهد رفت. در زنگ جغرافی باید به دانش‌آموز، شیوه‌ی بیان علم جغرافی را هم آموزش بدهیم تا دانش‌آموزان شیوه‌ی تبدیل این علم به نوشتن را هم فرا گیرند.

اولین پرسش مهر ریاست محترم جمهوری در مورد انشا بود. موضوع این بود که بچه‌های ما باید نوشتن را یاد بگیرند تا وقتی وارد جامعه شدند، بتوانند مطالبات خود را به‌طور مکتوب ارائه کنند. خیلی‌ها شاید بتوانند مطالب را شفاهی بیان کنند اما چون مکتوب نیست امکان پی‌گیری آن هم ضعیف می‌شود. چرا رئیس‌جمهور به بحث انشا اهمیت داده‌اند؟

به گمان من آقای دکتر روحانی پس از رای‌زنی‌های بسیار به این دیدگاه رسیده‌اند که یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های پرورش فکر در جامعه درس انشاست؛ یعنی درس نوشتن، به سبب اینکه مستقیماً با دنیای اندیشه و تفکر انسان سروکار دارد. واقعاً اگر انشا یا مهارت نوشتن بتواند چنین مجالی را فراهم کند، کودکان ما از همین سنین، نقد، تفکر، هم‌اندیشی و گفت‌وگو را تجربه می‌کنند. یعنی قادر خواهند بود دور میز بنشینند و با هم در مورد یک موضوع فکر کنند. این هم‌فکری یعنی هم‌زیستی و هم‌زیستی یعنی پرورش جامعه‌ی سالم. به همین دلیل، انشا یا نوشتن نقطه‌ی فرجامین همه‌ی آموزش‌های ماست. همه‌ی علوم باید خودشان را نمایان کنند. به نظر من، آقای رئیس‌جمهور در حقیقت به اصلی‌ترین و حساس‌ترین زمینه‌ی رشد و شکوفایی عقلانیت و تفکر در جامعه اشاره کرده‌اند. ما نیز این‌ها را در برنامه دیده‌ایم و بر همین اساس، در کتاب بخشی به‌عنوان گفت‌وگو و بخشی به‌عنوان کتاب‌خوانی گنجانده‌ایم.



مطالعات اجتماعی

به جای تعلیمات اجتماعی

در دوره‌ی ابتدایی



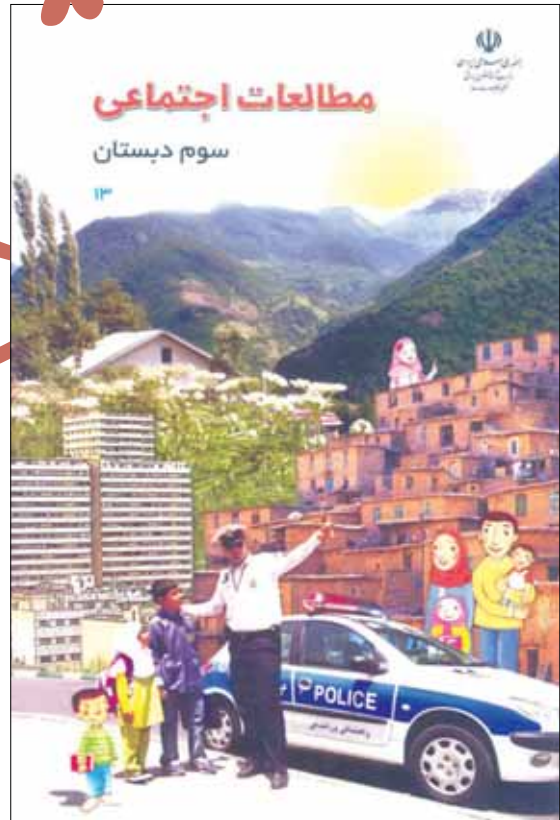
منصور ملک عباسی

اخیر، گروه مطالعات اجتماعی دفتر برنامه‌ریزی تألیف کتاب‌های درسی با ارائه‌ی برنامه‌ی جدید و تألیف کتاب‌های مطالعات اجتماعی، برای پایه‌ی سوم ابتدایی و نیز سال ششم، رویکرد جدیدی را در پیش گرفته است. در سال جاری تحصیلی هم کتاب جدیدالتألیف مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم ابتدایی به مدارس راه یافت. به هر حال شکل، محتوا و رویکرد این کتاب‌ها در دوره‌ی ابتدایی و نیز کتاب‌های جدیدالتألیف مطالعات اجتماعی سال‌های بالاتر با نگاه تلفیقی (نه به صورت کتاب‌های مجزای تاریخ، جغرافیا و مدنی) طراحی و ارائه شده‌اند که با آشنایی با رویکرد این برنامه می‌توان امر یاددهی - یادگیری را بهتر به اجرا گذاشت.

در این برنامه و در کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی سوم خود دانش آموز، تولد و دوران کودکی، رشد و تغییرات جسمی و توانی او مطرح می‌گردد و سپس محیط‌های خانواده و مدرسه شناخته می‌شود. توجه به گذشته‌ی دانش آموز (تاریخ)، توجه به روابط اجتماعی و مسئولیت‌ها در خانه و خانواده و مدرسه (مباحث اجتماعی) و شکل و فرم خانه‌ها در مناطق مختلف کشور (مباحث جغرافیایی) به صورت در هم تنیده و تلفیقی ارائه می‌گردد. نکته‌ی مهم دیگر

بسیاری از ما آموزگاران هنوز تعلیمات اجتماعی پایه‌ی سوم ابتدایی و داستان خانواده‌ی آقای هاشمی را به یاد داریم. سفرهای او به شمال، مشهد و گم شدن مریم را در خاطره‌ها نگه داشته‌ایم. کتابی بود در قالب داستان که موضوعات اجتماعی، جغرافیایی و بعضاً تاریخی را با رویکرد و نگاه تلفیقی مطرح می‌کرد. این کتاب‌ها در پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی هم در دل خود به سه بخش جغرافیا، تاریخ و مدنی تقسیم می‌شد ولی در دوره‌ی راهنمایی سه کتاب مجزا و مستقل جغرافیا، تاریخ و اجتماعی را ارائه می‌کردند که سه امتحان مجزا از هم نیز داشت. در سال‌های





انجام بازدیدهای علمی در محله و شهر، دانش‌آموزان به یادگیرنده فعال بدل شده و آنان را به مرحله‌ی فهم مطالب و کسب مهارت نزدیک می‌کند.

در برنامه‌های درسی تعلیمات اجتماعی گذشته پیشتر انتظار بود که دانش‌آموزان مطالب درسی را سر کلاس گوش کنند و آن‌ها را به خاطر سپرده و در امتحان به سؤالات «نام ببرید»، «جای خالی را پر کنید» و مانند این‌ها پاسخ دهند. برنامه‌ی جدید مطالعات اجتماعی انتظار دارد که مباحث مفهومی و مطالبات مهارتی کتاب قبلاً توسط معلم محترم به دقت مطالعه شود با دیدن تصاویر، فعالیت‌ها و کاربرگ‌ها هدف‌های درس یا همان انتظارات از دانش‌آموزان معلوم گردد سپس برای اجرای تدریس، معلم طرح‌هایی را با خود به کلاس بیاورد که مثلاً برای فهماندن و یا کسب مهارت این موضوع بهتر است با این سؤالات کار را شروع کنم، این فعالیت را انجام دهم و دانش‌آموزان در مقابل پاسخ دهند، اظهار نظر کنند، کار گروهی را با طرح یک موضوع در کلاس پیگیری کنند و با قبول مسئولیت‌های کوچک و بزرگ، هدف‌های درس یک‌یک تحقق یابد و دانش‌آموزان به مرحله‌ی فهم و یادگیری و انجام مهارتی نزدیک شوند. انجام بازدیدهای علمی، برداشت ذهنی از عکس‌های کتاب، قبول مسئولیت برای انجام کاری در خانه در راستای هدف‌های درسی کتاب، انجام و حل کاربرگ‌ها به صورت فردی و گروهی در کلاس، سبب توانمندی، فهم و یادگیری ماندگار در دانش‌آموز می‌شود و یک معلم هوشمند از بازخوردهایی که در حین تدریس و انجام فعالیت‌ها طی چند جلسه از دانش‌آموزان می‌گیرد قادر است که با ثبت فعالیت‌های آنان در چک‌لیست مشاهده، آنان را به خوبی ارزش‌یابی کند (ارزش‌یابی مستمر). بدیهی است برخورد فعال با کتاب درسی و انتظار صحیح از دانش‌آموز به تدوین کارنامه‌ی توصیفی در پایان سال منجر می‌شود، چرا که دقت در رفتار دانش‌آموزان ما را قادر به ارزیابی صحیح از توانمندی و یا نقطه ضعف آنان خواهد نمود.

در تغییر رویکرد این کتاب، فعال ساختن دانش‌آموزان است که متون درس، فعالیت‌ها و کاربرگ‌ها به گونه‌ای است که توجه دانش‌آموزان را به خود، دوران کودکی خود، فضای خانه خود و نیز موضوعاتی که در مدرسه‌اش می‌گذرد جلب می‌نماید و انتظار دارد که اظهار نظر کند. مسئولیت قبول کند و به هر حال در لابه‌لای درس، خود را و زندگی خویش را مطرح سازد. در بازدیدی که از چند مدرسه و دانش‌آموزان پایه‌ی سوم در برخی نقاط کشور داشتیم، متوجه شدم که دانش‌آموزان خیلی خوب توانسته‌اند با مطالب کتاب ارتباط برقرار کنند، چرا که خود و زندگی خود را در کتاب می‌دیدند و با بیان خاطره‌ها به صورت فعال و بانشاط در کلاس حاضر می‌شدند. کتاب مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم نیز با این رویکرد ادامه پیدا کرده و با موضوعاتی هم‌چون محله‌ی ما (محل زندگی دانش‌آموز) خرید در محله، نقشه‌ی محله و... آغاز می‌شود و با شناخت زندگی در شهر و روستا و... ادامه پیدا می‌کند. بله رویکرد کتاب، دانش‌آموز محور است و او را نسبت به محیط زندگی، روابط اجتماعی و قبول مسئولیت و انجام کار حساس می‌کند روش تدریس هم در این کتاب طبیعی است که متفاوت با گذشته باشد. آموزگار دیگر متکلم وحده نیست و دانش‌آموزان شنونده‌ی ساکت، بلکه با پاسخ به سؤالات طرح‌شده‌ی معلم در کلاس، اظهار نظر کردن، شرکت در بحث‌های کلاس، کار گروهی، انجام برخی فعالیت‌ها در منزل و خارج از کلاس و ارائه در کلاس،

به کسی جز خودمان اهمیت دهیم فرهنگ صلح

زری آقاجانی

قسمت سوم و پایانی



کسب اطلاع از نظرات عملی دانش‌آموزان مفید است.

۱۶. روزنامه‌نگاری / واکنش شخصی: در پایان جلسه، از دانش‌آموزان بخواهید که فکر کنند و به یک یا دو سؤال در مورد موضوع جواب دهند/واکنش نشان دهند.

۱۷. دور گشتن / دست به دست شدن: کاربرد آن زمانی است که نظر هر دانش‌آموز به‌طور خلاصه پرسیده می‌شود.

۱۸. لحظات آموزشی: فرصتی است که به‌وسیله‌ی آموزگاران برای گفت‌وگو درباره‌ی موضوع داغ روز استفاده می‌شود. ممکن است موضوع مربوط به داخل کلاس باشد (برای مثال، یک تعارض موجود در کلاس).

۱۹. مصاحبه / پژوهش: دانش‌آموزان فرصت گردآوری مطالب از منابع مختلف را به دست می‌آورند. برای مثال، از آنان بخواهید که با حامیان صلح مصاحبه کنند و یا پژوهش کنند تا بدانند که آیا از تلاش‌های دیگران برای ایجاد فرهنگ صلح قدردانی می‌شود؟

۲۰. منابع تخصصی: یادگیرندگان از نظرات حامیان صلح مطلع می‌شوند. استفاده از نفر سوم برای عناوین بحث‌برانگیز بسیار مفید خواهد بود.

۲۱. آموزش متقابل: دانش‌آموزان به نوبت تسهیل‌گری می‌کنند «آنچه را می‌شنویم، معمولاً فراموش می‌کنیم، آنچه را می‌بینیم معمولاً به‌خاطر می‌آوریم؛ اما کاری را که باید انجام بدهیم، لازم است بفهمیم». وقتی فرصتی برای آموزش داده می‌شود، دانش‌آموزان مجال پیدا می‌کنند که مفاهیم، ارزش‌ها و مهارت‌ها را بهتر درک کنند.

۲۲. هم‌زمان: دانش‌آموزان ممکن است

کاربرد دارد. بدین ترتیب، سه وضعیت وجود دارد: موافق، دو دل، مخالف.

۹. فعالیت‌های تشویقی: هر زمان که مناسب بود از شرکت‌کنندگان بخواهید راه‌حلهایی را برای فعالیت‌های مشخص، به‌عنوان شکلی از یادگیری بیان کنند.

۱۰. خواندن یا نوشتن سؤال‌ها: خواندن نقل‌قولی درباره‌ی صلح، در ابتدا یا انتهای جلسه، باعث تشویق یادگیرنده به تفکر یا درک بهتر از مطالب آموخته شده می‌شود.

۱۱. نمودار شبکه‌ای: واژه‌ی «جنگ» یا «صلح» را در شروع کلاس روی تخته بنویسید و از دانش‌آموزان بخواهید که واژه‌های مشابه و مرتبط با آن را بنویسند یا ترسیم کنند.

۱۲. استفاده از فیلم و عکس: نمایش فیلم یا عکس، به خلق تصاویر جالب در ذهن دانش‌آموزان کمک می‌کند.

۱۳. قصه‌گویی، شامل قصه‌های شخصی: گاهی یادگیرندگان مفاهیمی را به خاطر می‌آورند که می‌توانند از طریق طنز یا داستان آن را برای دیگران تعریف کنند. در میان گذاشتن تجربیات شخصی مرتبط با موضوع باعث درک بهتر مطلب می‌شود.

۱۴. تحلیل شعر و آهنگ: بسیاری از اشعار حاوی پیام‌های مرتبط با صلح‌اند. به دانش‌آموزان فرصت بدهید که آن‌ها را بخوانند و قسمت‌های مورد علاقه‌شان را مشخص و تفسیر کنند. از آنان بخواهید که پیام‌ها را با حالتی خلاقانه بیان کنند.

۱۵. تکمیل جمله: دانش‌آموزان را تشویق کنید که جمله‌های ناقص را کامل کنند تا بدین ترتیب از افکار و احساساتشان در مورد موضوعی خاص مطلع شوید. این راهبرد برای

اشاره

در قسمت اول این مقاله با اشاره به تأکید آموزه‌های دینی اسلام بر صلح، گفتیم که دفاع از صلح و روحیه‌ی تفاهم ابتدا در ذهن‌ها شکل می‌گیرد. رویکردهای یاددهی - یادگیری در آموزش صلح و ویژگی‌های کلاس‌های صلح‌طلب نیز از سایر مواردی بود که ذکر شد. هم‌چنین تعدادی از راهبردهای آموزشی هماهنگ با رویکردهای آموزش صلح نیز گفته شد. در ادامه به مواردی دیگر از آن اشاره می‌شود. آموزگاران گرامی برای اثرگذارتر شدن این بخش‌ها می‌توانند نمونه طرح درس‌هایی را نیز در این مقاله ببینند و با کاربردی آن دانش‌آموزان را با اهمیت همیاری و کنترل تعارض‌ها آشنا سازند.

کلیدواژه‌ها: آموزش صلح، همیاری،

ایجاد هماهنگی

راهبردهای آموزشی

در شماره‌ی قبل ۷ راهبرد آموزشی هماهنگ با رویکردهای آموزش صلح را برای اجرا در کلاس ذکر کردیم. در ادامه به دیگر موارد توجه فرمایید.

۸. ملاحظه‌ی شرایط / نظرسنجی:

این فعالیت برای درک شرایط متفاوت شرکت‌کنندگان در یک وضعیت بحث‌انگیز مانند «چه ما دوست داشته باشیم چه نداشته باشیم، جنگ‌ها در آینده اتفاق می‌افتند»



برای گفت‌وگو درباره‌ی عناوین وابسته به صلح، هم‌صحبت (شریک) خود را به‌وسیله‌ی پست الکترونیکی یا پست عادی از منطقه‌ی دیگری انتخاب کنند.

۲۳. گفت‌وگو: به دانش‌آموزان فرصت داده می‌شود که درباره‌ی مسائل با یکدیگر مذاکره و یا مخالفت کنند. اغلب در مجادلات هدف این است که افراد یکدیگر را محکوم کنند. گفت‌وگوها و به‌عبارت دیگر تبادل نظر، فرصت‌هایی برای رسیدن به زمینه‌های مشترک هستند.

۲۴. استفاده از نقشه و کره‌ی جغرافیایی: نمایش دائمی این ابزار به یادگیرندگان یادآوری می‌کند که مردم کشورهای دیگر نیز، به کسی جز خودشان اهمیت می‌دهند.

۲۵. بارش مغزی: این روش به افراد اجازه می‌دهد که بدون توجه به توصیه‌های دیگران خلاقانه فکر کنند. این راهبرد در ایجاد راه‌حل‌ها یا گزینش‌های متفاوت مفید است. ارزش‌یابی از دیدگاه‌ها نیز، پس از بارش مغزی انجام می‌شود.

۲۶. خواندن نقل قول: فعالان صلح، روحانیون و رهبران جوامع محلی، جملاتی درباره‌ی عقل و ذهن گفته‌اند که مرتبط با صلح است. اجازه بدهید که دانش‌آموزان درباره‌ی این نقل‌قول‌ها فکر کنند و از تأثیرات آن‌ها حرف بزنند.

۲۷. استفاده از نمودارها و منحنی‌ها: آمار و ارقام درباره‌ی بی‌عدالتی شاید بر دانش‌آموزان تأثیرگذار نباشند اما به یادگیرندگان کمک می‌کنند که درباره‌ی میزان مشکلات جامعه و افزایش آن‌ها نکاتی را ارائه دهند. گزارش سالیانه‌ی منابع انسانی سازمان ملل، منبع معتبری برای اخذ حقایق و اعداد و ارقام است.

۲۸. مطالعات موردی: این راهبرد فرصت درک خشونت و بی‌عدالتی را در شرایط زندگی واقعی به دانش‌آموزان می‌دهد. مطالعات موردی موضوعاتی هستند که نیاز به تحلیل و ارائه‌ی راه‌حل دارند.

۲۹. ساخت کولاژ: کولاژ شامل عکس‌های جمع‌آوری شده از منابع گوناگون است که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. هنگامی که از دانش‌آموزان خواسته می‌شود کولاژ مربوط به موضوعی را درست کنند، آن‌ها مطلب را بهتر یاد می‌گیرند.

۳۰. نمایش و نقل کردن: این راهبرد به دانش‌آموز فرصت می‌دهد که مفهومی را با استفاده از ابزار بصری به هم‌کلاسی‌هایش

توضیح دهد و بر این عقیده استوار است که اگر کسی بتواند مفهومی را به دیگری توضیح دهد، بدون شک خودش آن را درک کرده است. این رویکردها و راهبردها ابزار مهمی در جهت رشد استعدادها، نگرش‌ها و روحیه‌ی دانش‌آموزان هستند و باعث ترغیب آن‌ها به انجام دادن فعالیت‌های صلح‌آمیز می‌شوند. با توجه به رویکرد یا راهبردی که استفاده می‌شود، اهداف درس یا جلسه را نیز باید در نظر گرفت تا مشخص شود که کدام راهبرد در جلسه‌ی بعد مؤثرتر و مناسب‌تر خواهد بود.

نمونه‌ی طرح درس پیشنهادی آموزش صلح

عنوان: ایجاد هماهنگی به‌وسیله‌ی کنترل تعارض

اهداف: در پایان این درس، دانش‌آموزان باید بتوانند:

۱. اهمیت همیاری و نگرش برد-برد را در حل مناسب تعارض‌ها درک کنند.

۲. با توجه به کنترل تعارض‌هایشان، رفتارها و نگرش‌هایشان را ارزیابی کنند.

ارزش‌های مرتبط: هماهنگی، همیاری/همکاری، ارتباط مؤثر، حس‌سازش

مراحل: ۱. این درس می‌تواند به دو قسمت تقسیم شود. جلسه‌ی اول شامل بازی است.

از دو یا پنج داوطلب بخواهید که به جلوی کلاس بیایند. بقیه‌ی کلاس هم مشاهده‌گر خواهند بود. داوطلبان بخواهید که اطراف کلاس را ببینند و در ذهن خود نقطه‌ای را در نظر بگیرند. آن‌ها نباید بگذارند که کسی آن را بفهمد. بعد از اینکه نقطه‌های مورد نظرشان را مشخص کردند، دست خود را بالا ببرند.

۲. وقتی همه دست‌های خود

را بالا بردند، از آنان بخواهید

درحالی‌که پشت

به پشت

ایستاده‌اند دایره‌ای تشکیل بدهند. سپس بازوان خود را به یکدیگر زنجیر کنند و دایره‌ی بسته‌تری را تشکیل دهند و تحت هیچ شرایطی دست‌های یکدیگر را رها نکنند. چنانچه دایره باز شود، بازی متوقف می‌شود.

۳. به آن‌ها بگویید که با علامت «برو» بدون اینکه با هم حرف بزنند به طرف نقطه‌ای که انتخاب کرده‌اند، حرکت کنند. ناظران (هم‌کلاسی‌ها) باید به دقت تماشا کنند تا نقاط موردنظر بازیکنان را کشف کنند.

۴. بعد از مرحله‌ی اول، نظر مشاهده‌کنندگان را بپرسید. چنانچه گروه اول بر ضد یکدیگر رفتار کردند، از گروه دیگری که ادعا می‌کنند بدون کشمکش می‌توانند بازی کنند، بخواهید که داوطلب شوند. کسی نباید در حین بازی آسیب ببیند.

۵. این روند را تا آنجا که همه‌ی گروه بدون کشمکش و رقابت با یکدیگر برای رسیدن به نقطه موردنظرشان رفتار کنند، ادامه دهید.

۶. بعد از هر مرحله، اظهارنظرهای ناظران را جویا شوید. وقتی بین دو گروه

از دانش‌آموزان که رقابت می‌کرده‌اند (با محوریت باخت-باخت) و گروهی که باهم

همکاری می‌کرده‌اند (با محوریت برد-برد) تمایز به‌وجود آمد، نظر آن‌ها را درباره‌ی آنچه کمک به کنترل تعارض و خشونت در

زمینه‌ی یاد گرفته و تجربه کرده‌اند، بپرسید.

۷. مفهوم همکاری و موقعیت برد-برد را در حل تعارض بیان کنید. در جلسه‌ی

دوم، از دانش‌آموزان بخواهید که تجربیات



ترغیب خلاقیت در مسازاخت

سیدعلی عبداللهی حسینی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ساری

در اکثر کشورهای پیشرو در آموزش و پرورش مثلاً در مدارس ایسلند از حدود ۲۰ سال قبل این موضوع با هدف تشویق و ترغیب خلاقیت‌های فردی و کاربرد آن در زندگی روزمره در سرفصل دروس گنجانده شده و موضوع اساسی آن آموزش و جانداختن شیوهی تفکر است. باید این پیش فرض را پذیرفت که همه خلاق اند. مهم این نیست که ایده‌های دانش آموزان ایده‌های موفق باشد، مهم این است که ایده ارزش نظری خود را دارد.

هرچند اغلب دانش آموزان ما نمی‌توانند نویسندگان، دانشمندان، موسیقی دانان یا هنرمندان مشهوری شوند، ولی هر کدام می‌توانند خلاقیت خود را از طریق تمرین دقیق در کلاس درس افزایش دهند (خرازی، ۱۳۸۵: ۲۳۵). لذا باید شرایط عملی آن را فراهم نمود. تأکید بر کنجکاوی بچه‌ها و تحریک ایجاد سؤال و پرداختن به جواب برای آن است که به سمت خلق دانش جدید سوق پیدا کنیم.

آموزش نوآوری در رشد و بلوغ فکری دانش آموزان تأثیر بسیار زیادی دارد؛ زیرا آنان را نسبت به جامعه و محیط پیرامونشان کنجکاو تر می‌کند. آموزش خلاق نسل خلاق را پرورش می‌دهد. عنصری‌ترین و محوری‌ترین عامل تحول در آموزش و پرورش معلم است و این نگاه نیز در سند تحول بنیادین در راهبرد کلان چهار و راهکار ۱۷/۳ مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود خلاقیت در سرفصل دروس گنجانده شود تا بدین ترتیب استعدادهای بچه‌ها کشف و شکوفا گردد.

مهم‌ترین عوامل مؤثر در کیفیت یادگیری دانش آموزان ساختار کلاس درس است و یادگیری خلاق مستلزم کلاسی فعال، پویا و برانگیزاننده است (حسینی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). «خلاقیت یک موهبت الهی است که ظهور آن مستلزم پرورش آن است. موضوعات خلاق و موضوع‌های هنری راهی برای ورود به دنیای خلاقیت است. در این قلمرو هیچ مرزی وجود ندارد و هر کسی می‌تواند از میان مرزها عبور کند. لذا مدرسه می‌تواند عاملی مؤثر در رشد توانایی‌های خلاق دانش آموزان باشد» (همان: ۱۲). در این بین، نقش بی‌بدیل معلم بسیار تأثیر گذار است؛ زیرا معلمان آگاه می‌توانند محتوای آموزشی حافظه‌مدار را نیز به صورتی خلاقیت‌برانگیز ارائه دهند. با این مقدمه‌ی کوتاه وارد

شخصی خود را از تعارض و شیوهی کنترل آن منعکس کنند. این کار را می‌توان از طریق پرسش‌نامه انجام داد. بدین ترتیب که به هر دانش آموز هفت تکه کاغذ بدهید. هر سؤال را با صدای بلند بخوانید، از آن‌ها بخواهید که جواب هر سؤال را به صورت یک عبارت روی تکه‌های کاغذ بنویسند. زمان کافی برای جواب دادن بدهید و این کار را تا آخرین سؤال تکرار کنید. سؤال‌ها عبارت‌اند از:

الف. در زندگی با چه کسانی دچار تعارض هستید؟
ب. چه موضوعاتی برای شما تعارض‌زا هستند؟
پ. هر وقت با کسی دچار تعارض می‌شوید، چه احساسی دارید؟ آیا شما همیشه با یک وضعیت ثابت دچار تعارض می‌شوید: ترس، آزدگی، خشم، آشفتگی، ناراحتی؟
ت. معمولاً تعارض‌های خود را چگونه کنترل می‌کنید؟ از طریق دعوا با دعوا، یا اصلاً قبول نمی‌کنید آن‌ها را حل کنید؟ آیا تعارض‌های خود را همیشه با یک شیوه برطرف می‌کنید؟
ث. چه دلیلی برای احساس یا رفتار تعارض‌زا دارید؟ چه عاملی روی پاسخ شما اثر دارد؟
ج. تاکنون چه نتیجه‌ای از شیوهی حل تعارض‌های خود گرفته‌اید؟
چ. چه راه‌حلی را برای کنترل موقعیت‌های تعارض‌زا مؤثرتر می‌دانید؟

۸. به دانش آموزان فرصت پاسخ‌دهی بدهید. سپس پیشنهاد کنید که جواب‌هایشان را با یکدیگر عوض کنند.
۹. اعضای گروه می‌توانند دیدگاه‌ها و یافته‌های خود را از این فعالیت با یکدیگر تبادل کنند. برای گفت‌وگوها جملاتی از این قبیل می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند:
الف. در این فعالیت من تحت تأثیر... قرار گرفتم.
ب. آگاهی زیادی از... پیدا کردم.
پ. من کاملاً متوجه شدم که...
ت. از اینکه دیدم... ناراحت/خوشحال شدم.
۱۰. یافته‌های خود را با گفت‌وگویی مختصر درباره‌ی تعارض جمع‌بندی کنید. سپس آن‌ها را برای انجام یک اقدام ویژه ثبت کنید: در نتیجه، من به‌طور جدی فهمیدم که...

ارزش‌یابی: ۱. مرور تکالیف نوشتاری دانش آموزان
۲. نظارت بر بحث‌ها و فعالیت‌های دانش آموزان

منابع

۱. پوشنه، کامبیز و اسماعیل صدیقی؛ راهنمای آموزش صلح، سیمای فرهنگ، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.
۲. فتحی و اجارگاه، کوروش و معصومه اسلامی. «بررسی میزان توجه به آموزش صلح در برنامه درسی دوره ابتدایی از دیدگاه متخصصان تعلیم و تربیت کارشناسان برنامه‌ریزی درسی و معلمان دوره ابتدایی شهر تهران». فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، شماره‌ی ۲۵، ۱۳۷۸.
۳. سایت موزه‌ی صلح تهران
www.tehranpeacemuseum.org
4. Nvareo, Loreta-Castro, Nairo, Jasmin-Galac(2010). Peace Education by peace education center.
5. Bangkok: UNESCO PROAP, 1998, Learning to Live Together in Peace and Harmony
6. www.Unesco.org



در آموزش ابتدایی نسل خلاق

علی لطفی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، آمل



کلاسی می‌شویم که آموزگار محترم آن با استفاده از الگوی رشد خلاقیت - که دارای ابعاد پنج‌گانه‌ی محیطی، اجتماعی، عاطفی - شناختی، فکری، آموزشی و فیزیکی است - به آموزش درس موردنظر می‌پردازد.

کتاب: ریاضی پایه: دوم

موضوع: تقارن

صفحه: ۴۶ شیوه‌ی اجرا: تلفیق درس ریاضی با هنر آموزگار پس از اجرای فعالیت‌های مقدماتی تدریس از فراگیرندگان می‌خواهد وسایلی را که همراه آورده‌اند مانند کاغذ شطرنجی، کاغذ A4 سفید و مداد شمعی رنده شده روی میز بگذارند (در صورت عدم دسترسی به مداد شمعی رنده شده می‌توان مقداری جوهر و یک عدد قطره‌چکان تهیه نمود). آموزگار نیز همراه خود یک دستگاه اتوی برقی به کلاس آورده است (بُعد فیزیکی برای استفاده از ابزار و وسایل مختلف و بهره‌گیری از محرک‌های بصری).

به یقین دانش‌آموزان تحریک می‌شوند و به احتمال زیاد از معلم کلاس خواهند پرسید: «این وسایل برای چیست؟ با این وسایل، امروز چه کاری را می‌خواهند انجام دهند؟» (بُعد عاطفی - شناختی برای ایجاد ابهام، حساسیت و کنجکاوی).

آموزگار این فرصت را در کمال آرامش و امنیت به فراگیرندگان می‌دهد که حدسیات خود را بیان کنند (بُعد محیطی - اجتماعی برای ایجاد ساختار اجتماعی کلاس در قالب امنیت). آن‌گاه از فراگیرندگان می‌خواهد که ورق A4 سفید را طوری تا کنند که دو قسمت کاملاً روی هم قرار گیرد. سپس به کمک مداد و خط‌کش تای کاغذ را پررنگ کنند. در ادامه می‌پرسد: «خطی که بر اثر تای کاغذ کشیدید چه نام دارد؟» دانش‌آموزان با اندک راهنمایی یا بدون راهنمایی (زیرا فعالیت شماره‌ی یک و دو صفحه‌ی ۴۶ را انجام داده‌اند) پاسخ خواهند داد: «خط تقارن». یادآوری: آموزگار در حین انجام این فعالیت اتو را به برق متصل و آماده می‌کند.

آموزگار از فراگیرندگان می‌خواهد تا مقداری از رنده‌های مداد شمعی را با کمک انگشتان دست خود در یک طرف تای

کاغذ به دلخواه پخش کنند و طرف دیگر کاغذ را روی آن بگذارند. سپس، با احتیاط اتوی داغ را یک تا دو بار روی کاغذ تا شده می‌کشد (این کار را برای تک‌تک فراگیرندگان و یا به صورت گروهی می‌توان انجام داد).

توجه: در صورت دسترسی نداشتن به مدادشمعی رنده شده می‌توان با کمک جوهر و یک عدد قطره‌چکان این کار را به شرح زیر انجام داد. آموزگار از فراگیرندگان می‌خواهد تا یک قطره جوهر را با کمک قطره‌چکان در یک طرف تای کاغذ به دلخواه بچکانند و طرف دیگر کاغذ را روی آن بگذارند. سپس با دست خود یک تا دو بار بر روی کاغذ تا شده بکشند.

پس از این مرحله، آموزگار از یکایک دانش‌آموزان یا گروه‌ها می‌خواهد تای کاغذ را باز کنند و به شکلی که در اثر ذوب شدن رنده‌های مدادشمعی یا لکه‌ی جوهر پدید آمده است، با دقت نگاه کنند و به آن هر طرحی که در ذهن خود تجسم می‌کنند، بدهند و در صورت تمایل آن را کامل نمایند (بُعد فکری به همراه بُعد عاطفی - شناختی به جهت توجه به تفکر واگرا و پرورش ایده‌های غیرعادی). فراگیرندگان با ذوق و شوق فراوان به ادامه‌ی فعالیت در قالب بازی به ارائه‌ی طرح‌های ابتکاری می‌پردازند (بُعد محیطی - اجتماعی).

در ادامه، معلم از فراگیرندگان می‌خواهد که در کاغذ شطرنجی طرح‌های مختلف بکشند و نیمه‌ی دیگر آن را کامل کنند و در پایان فعالیت شماره‌ی سه را در کتاب انجام دهند.

منابع

۱. حسینی، افضل‌السادات؛ یادگیری خلاق، کلاس خلاق، انتشارات مدرسه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
۲. گلاور، جان. ای.، پرونینگ، راجر. اچ؛ روان‌شناسی تربیتی: اصول و کاربرد آن، ترجمه‌ی علینقی خرازی. مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۵.



منطق عملی زندگی دوری از تجملات سبک زندگی

عبدالرحیم اصلی
قسمت دوم

مرگ پیامبر و آتش قرار ده». برای زندگی سالم بهترین دستورالعمل‌ها در دین، قرآن کریم و سنت و سیره‌ی پیامبر عظیم‌الشأن است. در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی باید آموزه‌های قرآن و سیره‌ی رسول‌الله سرمشق و الگو قرار گیرند. رسول خدا (ص) و بزرگان دین با اینکه در زمان‌هایی خیلی پیش از ما زندگی می‌کردند ولی الگوی ما قرار می‌گیرند؛ چون آن‌ها در زندگی اصولی را رعایت می‌کردند که آن اصول ثابت و لایتغیرند و در همه‌ی زمان‌ها می‌توانند الگو و اسوه‌ی دیگران باشند. برای مثال، به اصل ساده‌زیستی، تعاون و کمک به هم‌نوع، خیرخواهی در حق دیگران، محبت و دوست داشتن همه‌ی انسان‌ها و مواردی از این قبیل، می‌توان اشاره کرد.

در این دوره فرهنگ غربی و مصرف‌گرایی بر زندگی‌ها حاکم شده است و بسیاری از انسان‌ها زندگی خود را براساس معیارهای آن فرهنگ سامان می‌دهند، ولی آیا این زندگی مطلوب و مقبول اسلام است؟ در جهان‌بینی دینی زندگی رنگ و شکل خاصی دارد و ما به آن زندگی سالم می‌گوییم. اینک به معیارهایی از زندگی دینی که در سند تحولی آموزش و پرورش از آن به «حیات طیبه» تعبیر شده است، اشاره می‌شود.

عبادت

عبودیت از شاخص‌ترین معیارهای زندگی دینی است. عبودیت یعنی در مسیر هستی و هماهنگی با آفرینش بودن. عبادت خداوند به این معنا نیست که انسان رابطه‌ی خود را با جامعه و انسان‌های دیگر قطع کند و در غاری یا گوشه‌ای به دور از انسان‌های دیگر به زندگی عابدانه‌ی خود ادامه دهد. عبادت یعنی تسلیم خداوند و اجرای قواعد دینی، و این امر هیچ منافاتی با زندگی اجتماعی ندارد. در روایتی

اشاره

سبک زندگی و رفتارهایی که در زندگی انسان مشاهده می‌شود ناشی از امری درونی و اعتقادی و عبارت است از «جهان‌بینی» که اعتقادات ما را تشکیل می‌دهد. یعنی سبک زندگی در یک نگاه کلی دو حالت دارد. ۱. سبک دینی ۲. سبک غیر دینی. کسانی که جهان‌بینی الهی دارند سبک زندگی‌شان دینی خواهد بود که با استفاده از آموزه‌های دین و الگوگیری از انبیا و ائمه - علیهم‌السلام - زندگی خود را شکل می‌دهند. در مقابل، گروهی هستند که با الهام‌گیری از فرهنگ غیر دینی زندگی خود را شکل می‌دهند. در این نوشتار براساس آموزه‌های دینی گوشه‌ای از سبک زندگی دینی را به تصویر می‌کشیم.

سبک زندگی دینی

زندگی دینی پُر از ایده‌های مثبت، ارزشمند و شاد است، چون در این زندگی خداوند حضور دارد و انسان با اطاعت از خداوند و پیروی از قوانین آسمانی تعالی پیدا می‌کند و به هدف آفرینش نائل می‌گردد. زندگی دینی یعنی انسان به رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی خود رنگ خدایی بدهد و در قرآن کریم خداوند این رنگ را بهترین رنگ‌ها می‌داند: «صیغة الله و من احسن من الله صبغه» (سوره‌ی بقره/۱۳۸) یعنی رنگ خداست (که به ما رنگ ایمان و سیرت توحید بخشیده) و چه رنگی بهتر از رنگ (ایمان به) خدا».

در دعاها نیز از خداوند درخواست می‌کنیم که زندگی و مرگ ما را همانند زندگی و مرگ محمد و آل محمد قرار دهد: «اللهم اجعل محیاي محیا محمد و آل محمد و مماتی ممات محمد و آل محمد. یعنی خدایا، زندگی ما را زندگی پیامبر و آتش قرار ده و مرگ ما را



می‌کند: «خداوند که گناهان گذشته و آینده‌ی تو را بخشیده است، چرا دیگر این قدر عبادت می‌کنی؟» حضرت در جواب می‌فرماید: «آیا نباید بنده‌ی سپاسگزار باشم؟»

ساده‌زیستی

یکی از اصول حاکم بر زندگی پیشوایان دینی اصل «ساده‌زیستی» است. ساده‌زیستی به معنای محروم کردن خود از نعمت‌های الهی نیست بلکه به نحو صحیح و شایسته از نعمت‌های الهی استفاده کردن است. ساده‌زیستی در برابر اشرافیت و اشرافی‌گری است که نعمت‌های خداوند را ناچیز و کم می‌گیرند. ساده‌زیستی مورد نظر اسلام عبارت است از عدم دل‌بستگی به مظاهر دنیا و رهایی از تجملات و تشریفات زاید زندگی و بی‌پیرایه بودن که مقابل آن، تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی است. ساده‌زیستی در اسلام، تحمل محرومیت بی‌منطق نیست بلکه باید براساس حکم عقل و نقل صورت گیرد. ساده‌زیستی در مسکن، خوراک، پوشاک و در تمامی ابعاد زندگی ممکن است جریان داشته باشد. انسان می‌تواند در عین سادگی از همه‌ی نعمت‌های خدا استفاده کند و بهترین زندگی را داشته باشد. برای مثال، پیامبر خدا در عین سادگی و دور از تشریفات و تجملات، پاک، پاکیزه، خوش‌بو و معطر بود. او در عین حال که حاکم و رهبر مسلمانان بود، ساده‌زیستی می‌کرد. زندگی او شاهانه و تجملاتی نبود. «منطق عملی پیامبر چنین بود: ساده، بی‌پیرایه، مردمی، مانند مردم ضعیف و به دور از تجملات و اسراف‌ها و رفت‌وآمدهای ظاهری و تشریفات. ساده‌زیستی چنان بر زندگی رسول خدا حاکم بود که سیره‌نویسان درباره‌اش نوشته‌اند: و کان رسول الله (ص) خفیف‌المؤنه. یعنی پیامبر در زندگی کم‌خرج بود» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۰۸).

اینک برخی از جلوه‌های ساده‌زیستی رسول خدا را بیان می‌کنیم تا با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان ما نیز در این اصل به آن بزرگوار تاسی کرده باشیم.

- خود لباسش را وصله می‌زد.
- خرید آذوقه و ملزومات زندگی را از بازار خود به عهده داشت.
- با فقیر و غنی یکسان دست می‌داد و قبل از اینکه دیگری دستش را بکشد، ایشان دستش را نمی‌کشید.
- در سلام کردن به همه پیش‌گام بود.
- اگر به‌جایی دعوت می‌شد، آن را کوچک نمی‌شمرد؛ حتی اگر برای خوردن خرمایی دعوت می‌شد.
- خوش‌معاشرت و خوش‌رو بود.
- می‌بخشید ولی اسراف نمی‌کرد.

از حضرت صادق - علیه‌السلام - نقل شده است که فرمود: «العارف شخصه مع الخلق و قلبه مع الله (مصباح‌الشریعه، ص ۴۳۳) عارف از لحاظ تشخص ظاهری و بدن با مردم است و در میان آن‌ها حضور دارد ولی قلب او همیشه با خداست».

عبادت مفهومی عام دارد و هر نوع کار و حرکتی را که برای خداوند انجام گیرد، از برداشتن پوست خربزه از راه مردم تا سروسامان دادن زندگی یک انسان شامل می‌شود. البته اگر این کارها برای خاطر خداوند انجام شود عبادت تلقی می‌شود. در جهان بینی توحیدی کل زندگی انسان از نشستن، خوابیدن، خوردن، کار کردن، غذا خوردن و مطالعه‌ی درس اگر به قصد قربت به خداوند انجام گیرد عبادت محسوب می‌شود. اما عبادت یک معنای خاص هم دارد و آن عبارت است از خلوت با خدا، نماز، دعا و واجبات دیگر که در دین تشریح شده است. مردم در انجام دادن عبادت انگیزه‌های گوناگون دارند. ابن‌سینا در کتاب «الاشارات» عبادت‌کنندگان را به سه قسم تقسیم می‌کند. ۱. عابد، ۲. زاهد، ۳. عارف، و به‌طور مفصل درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کند. عابد و زاهد عبادت سوداگرانه دارند یعنی به‌وسیله‌ی عبادت با خداوند معامله می‌کنند. زاهد از خوشی‌های موقت این دنیا می‌گذرد تا به خوشی‌های نامتناهی جهان آخرت نائل شود. عابد هم خداوند را عبادت می‌کند تا از جهنم در امان باشد اما عارف در عبادت فقط خداوند را در نظر می‌گیرد و به غیر خداوند نظر ندارد. در نهج‌البلاغه حکمت ۲۳۷ از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که آن حضرت عبادت‌کنندگان را به سه دسته تقسیم کرده است. گروه اول تجار تپیشگان هستند که به خاطر اشتیاق به بهشت خدا را عبادت می‌کنند، طوری که اگر بهشت نبود یا اگر بدون عبادت می‌توانستند به بهشت وارد شوند خداوند را عبادت نمی‌کردند. این‌ها عبادت‌شان سوداگرانه است، مانند تاجران که به قصد سود بردن تجارت می‌کنند. گروه دوم کسانی هستند که از ترس جهنم خدا را عبادت می‌کنند؛ به‌توحی که اگر عبادت نکردن موجب جهنمی شدن نمی‌شد عبادت نمی‌کردند. عبادت این‌ها عبادت بردگان است؛ چون همانند برده‌هایی هستند که از ترس اربابشان کار می‌کنند. گروه سوم کسانی هستند که نه از ترس جهنم خدا را عبادت می‌کنند و نه به طمع بهشت بلکه از این‌رو که به خدا علاقه‌مندند و او را شایسته‌ی عبادت می‌دانند، وی را می‌پرستند. این عبادت، عبادت آزادگان است.

زاهد ز بهشت خان و مان می‌سازد
عابد به عمل بدان جهان می‌نازد
عارف به معارف درون می‌نازد
عاشق ز برای دوست جان می‌بازد
(رساله‌ی سه اصل ملاصدرا)

و باز عارفی عاشق در مناجات با خداوند می‌گوید:
الهی زاهد از تو حور می‌خواهد قصورش بین
به جنت می‌گریزد از درت، یارب شعورش بین

انبیای الهی و بزرگان دین، خدا را برای شکرگزاری و عاشقی عبادت می‌کنند. یکی از همسران رسول خدا وقتی دید پیامبر بیش از همه خدا را عبادت می‌کند به حدی که پاهایش ورم کرده است. به او عرض

منابع
۱. نهج‌البلاغه، سیدرضی
۲. ابوعلی سینا؛ الاشارات و التنبیها، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۳ هجری.
۳. طباطبایی، محمدحسین؛ سنن‌النبی، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۴.
۴. رساله‌ی سه اصل ملاصدرا، انتشارات مولی، ۱۳۶۰.
۵. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیره‌ی عملی رسول خدا(ص)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۲.
۶. مصباح‌الشریعه، امام صادق علیه‌السلام، ترجمه‌ی علامه حسن مصطفوی، انتشارات قلم، ۱۳۶۳.

راهکارهای عملی تربیت فرهنگی در مدرسه

زهره اولیایی



اشاره

به دنبال انتشار پیام مقام معظم رهبری درباره‌ی تقویت رابطه‌ی اقتصاد و فرهنگ و نگاه ملی در سایه‌ی مدیریت تلاش گر، سال ۱۳۹۳ سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» نامیده شد. می‌بینیم که در این عبارات مهم‌ترین دغدغه‌های آموزگاران و دیگر اقشار مردم گنجانده شده است. از همین رو عبارت یادشده به بررسی و تبیین نیاز دارد. به همین دلیل در این فرصت به بیان راهکارهای عملی تربیت فرهنگی در کلاس و مدرسه با عنایت به پیام بالا پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت فرهنگی، فرهنگ، هنجار فرهنگی، عرف

فرهنگ

فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه‌ی خاص تعریف کرد و هنجارهای فرهنگی معیارهای تثبیت‌شده‌ی یک گروه هستند که از نظر فکری و رفتاری از اعضایش انتظار دارد. (کوئن، ۱۳۸۵: ۳۹). «فرهنگ» هویت و شخصیت یک ملت را تعیین می‌کند و هر نسلی اندوخته‌های فرهنگی و تجارب زندگی خویش را با شیوه‌های گوناگون به نسل بعدی منتقل می‌سازد؛ نسل بعد نیز اندوخته‌های خود را بر آن می‌افزاید و آن را به نسل پس از خویش انتقال می‌دهد. «فرهنگ» چگونه زندگی کردن را به افراد می‌آموزد و آثار آن به صورت‌های گوناگون در تمام صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی حضور دارد و ارکان هر جامعه‌ای بر فرهنگ آن جامعه استوار است (یاسمی، ۱۳۸۹: ۱۴).

تربیت فرهنگی

«تربیت اسلامی تربیتی است پویا که از نازل‌ترین درجه تا بی‌نهایت، حرکت و امتداد می‌یابد و پویایی کمی و کیفی دارد» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۰). در متون اسلامی هدف‌های تربیتی مورد نظر اسلام همراه با توجیه و تبیین معینی عرضه شده است. هدف‌های فرهنگی یکی از این اهداف است که موارد زیر را شامل می‌شود. ۱. شناخت، پرورش و هدایت ذوق و استعداد‌های هنری و

زیبایی‌شناسی به مثابه وجهی از وجوه فطرت انسان ۲. شناخت زیبایی‌های جهان آفرینش به مثابه مظاهر و تجلیات جمال حق ۳. شناخت هنر اسلامی، ملی و جهانی و

پرورش روحیه‌ی حفظ میراث‌های هنری، تاریخی و فرهنگی ۴. شناخت تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران، اسلام و کشورهای دیگر برای ارج نهادن به آن‌ها و ترویج سنین پسندیده و دفع فرهنگ‌های منحط و خرافی (همان: ۲۴۴).

هنجارهای فرهنگی کلاس و مدرسه

هنجارهای فرهنگی به صورت ارزش‌ها، آداب و رسوم و عرف بیان می‌شوند. ارزش‌ها احساسات ریشه‌داری هستند که اعضای یک جامعه در آن‌ها سهیم‌اند و اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می‌کنند (کوئن، ۱۳۸۵: ۴۱).

«و نه تنها توصیف‌گر فرهنگ جامعه بلکه معرف مدرسه و افراد آن هستند» (علاقه‌بند، ۱۳۸۲: ۲۵۵). بلکه برای فرهنگ‌پذیری، آموزگاران می‌توانند با آوردن مثال‌های زیر بچه‌ها را با هنجارهای فرهنگی مدرسه آشنا کنند.

ارزش‌ها

بچه‌هایی که می‌خواهند از نظر سطح فرهنگی در مدرسه بالاتر باشند:

- ✓ به دوستان، معلمان، مسئولان و کارکنان مدرسه احترام می‌گذارند؛
- ✓ حقوق دیگران را رعایت می‌کنند؛
- ✓ با اجازه صحبت می‌کنند و وسط حرف دیگران نمی‌پزند؛
- ✓ دوستان خود را مسخره نمی‌کنند؛
- ✓ امانت‌دار هستند؛



در مدرسه جزو عناصر فرهنگی هستند.

فرهنگ پذیری در مدرسه

گاهی یک فرهنگ از فرهنگی دیگر عناصری را می‌پذیرد. این فرایند را فرهنگ‌پذیری می‌گویند. هرگاه چنین وضعی پیش آید، هر دو فرهنگ که در تماس با یکدیگر قرار می‌گیرند، معمولاً دگرگون می‌شوند؛ گرچه ممکن است این دگرگونی برای یکی بسیار مهم‌تر از دیگری باشد (کوئن، ۱۳۸۵: ۴۲).

به دانش آموزان بیاموزیم

نوع پوشش دانش آموزان از دانش آموزان بخواهیم قبل از خرید لباس به متناسب بودن آن با فرهنگ کشور و معنی نوشته‌های روی لباس توجه کنند و لباسی را برگزینند که شخصیت آن‌ها را زیر سؤال نبرد و مروج فرهنگ برهنگی نباشد.

استفاده از دفتر و نوشت افزار و کیف با طرح و نقش شخصیت‌های کار تونی داخل کشور؛ از آن‌ها بخواهیم از لوازم تحریر با طرح و نقش شخصیت‌های کار تونی کشور خودمان استفاده کنند.

نوع آرایش موها

دانش آموزان را آگاه سازیم که آرایش موها به هر شکل و مد جدیدی پسندیده نیست.

حفظ ارزش‌های فرهنگی در دبستان، چگونه...؟

آموزش سرودهای ملی و انقلابی و اجرای مسابقه در سطح مدرسه

- ✓ تشویق دانش آموزان به خواندن و یادگیری قرآن
- ✓ ترتیب دادن مسابقات کلاسی حفظ قرآن و داستان‌های قرآنی
- ✓ ترویج فرهنگ قرآنی و نماز
- ✓ آشناسازی دانش آموزان با ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه اسلامی
- ✓ آشنا کردن دانش آموزان با زندگی امامان و پیامبران.

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی؛ فلسفه‌ی تربیت، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۷.
۲. علاقه‌بند، علی؛ اصول مدیریت آموزشی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۲.
۳. کوئن، بروس؛ جامعه‌شناسی، مترجم: محسن فلاحتی، انتشارات توتیا، تهران، ۱۳۸۵.
۴. ولایتی، علی‌اکبر؛ فرهنگ و تمدن اسلامی، انتشارات معارف، تهران، ۱۳۸۸.
۵. یاسمن، طاهره؛ سیره‌ی فرهنگی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۹.

✓ چابلوسی نمی‌کنند؛

✓ با بزرگ‌ترها (معلم و مسئولان مدرسه) مشورت می‌کنند؛

✓ با دوستان خود تعاون و همکاری دارند.

آداب و رسوم

- ✓ هنگام ورود به مدرسه به دوستان، معلمان و مسئولان مدرسه سلام می‌کنند؛
- ✓ هنگام خروج از مدرسه از دوستان، معلمان و مسئولان مدرسه خداحافظی می‌کنند؛
- ✓ در جشن‌ها و مراسم صبحگاه مدرسه شرکت می‌کنند.

عرف‌ها

قوانین در واقع همان عرف‌هایی هستند که اهمیت ویژه‌ای دارند. آموزگاران می‌توانند در کلاس‌های خود و با استفاده از محتوای درس‌های فارسی، دینی یا مطالعات اجتماعی و قرآن با همکاری دانش‌آموزان اجرای این قوانین را در کلاس به نمایش درآورند. بچه‌هایی که می‌خواهند از نظر سطح فرهنگی در مدرسه بالاتر باشند:

- ✓ نوبت را در صف رعایت می‌کنند؛
- ✓ بدون اجازه به سراغ وسایل دیگران نمی‌روند؛
- ✓ با لیوان شخصی خود آب می‌خورند؛
- ✓ به موقع در مدرسه و سر کلاس حاضر می‌شوند؛
- ✓ بی‌اجازه از کلاس و مدرسه خارج نمی‌شوند؛
- ✓ به وسایل کلاس و مدرسه آسیب نمی‌رسانند؛
- ✓ روی میز و نیمکت‌ها و دیوارهای کلاس و مدرسه چیزی نمی‌نویسند؛
- ✓ کتاب‌های امانت گرفته شده را به موقع به کتابخانه تحویل می‌دهند؛
- ✓ نظم و ترتیب را رعایت می‌کنند.

عناصر و مجموعه‌ی فرهنگی در مدرسه

عناصر فرهنگی به کوچک‌ترین واحد یک فرهنگ اطلاق می‌شود که می‌تواند یک شیء، یک ادا یا یک نما باشد. به مجموعه‌ای از عناصر مرتبط فرهنگی مجموعه‌ی فرهنگی گفته می‌شود. اگر فرهنگی کارکرد

درستی داشته باشد و نیازهای جامعه را برآورده سازد، عناصر گوناگونش باید به درستی با یکدیگر همکاری داشته باشند (کوئن، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۳).

لوازم التحریر، کیف و کفش، نوع ارتباطات (کلامی و غیر کلامی)، نوع آرایش موها و ظاهر دانش‌آموز



مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان یاد بدهیم

اعظم فاضلی

آموزش روش‌های مؤثر کنار آمدن با مسخره شدن و طرد شدن

کودکان در سنین یازده- دوازده سالگی بیش از پیش درگیر رابطه با هم‌سالان می‌شوند و این افزایش درگیری ترس از طرد شدن و تمسخر را به دنبال دارد. لازم است به بچه‌ها بفهمانیم که بچه‌های دیگر هم، چنین ترس‌هایی دارند و به آن‌ها کمک کنیم تا بتوانند راه‌هایی برای کنار آمدن با احساساتشان بیابند. بچه‌ها بر اثر کنار گذاشته شدن، مسخره و تحقیر شدن به هم می‌ریزند؛ چون در این مقطع هنوز تا حد زیادی عینی‌نگرند و نمی‌توانند در چنین شرایطی، افکار و احساسات و رفتارهای دیگری را دنبال کنند. ما به‌عنوان معلم، پدر و مادر و متخصصان سلامت روان باید از همه‌ی امکانات و منابع خود استفاده کنیم تا فرزندمان را از تحقیر کردن خود و دیگران، تفکر نامعقول، هیجانات عاجزکننده و رفتارهای

ناکام‌کننده مصون نگه‌داریم. باید در آنان احساس امنیت ایجاد کنیم تا در برخورد با فشارهای روانی و چالش‌های زندگی انعطاف به خرج دهند، با دیگران به شکلی مسئولانه رابطه برقرار کرده و آمال خود را تعقیب کنند. باید به بچه‌ها یاد بدهیم که هر مرحله از رشد را چطور سپری کنند و در برابر این مراحل تسلیم نشوند. بعضاً در کلاس‌های درس دیده می‌شود که برخی از دانش‌آموزان مدام از اینکه مورد تمسخر دیگران قرار می‌گیرند شکایت می‌کنند و این وقتی به‌طور مداوم انجام می‌شود ممکن است از عزت‌نفس فرد بکاهد و باعث شود که او در خود احساس عدم کفایت کند. این در حالی است که آگاهی از روش برخورد عاقلانه و منطقی با این مسئله می‌تواند از بروز مشکلات بعدی جلوگیری کند. بنابراین، اجرای راهکارهای پیشنهادی زیر به‌وسیله‌ی آموزگاران می‌تواند برای دانش‌آموزان مفید واقع شود.

۱. از بچه‌ها بخواهید اگر در وضعیت‌های زیر قرار گرفته‌اند، دستشان را بالا ببرند.

اشاره

داشتن یک زندگی سالم، هدفمند و انعطاف‌پذیر برای روبه‌رو شدن با مشکلات و فرازونشیب‌ها، خواسته‌ی هر انسان خردمندی است. اما اینکه چرا دست‌یابی به این هدف ارزشمند دست‌کم برای بسیاری از ما میسر نیست، سوالی است که با طرح موضوعی عمیق به نام «مهارت‌های زندگی» می‌توان به آن پاسخ گفت. مدرسه، تنها محل نوشتن، خواندن و حساب کردن نیست بلکه جایی است که کودکان و نوجوانان در آن مهارت‌های زیادی از جمله مهارت‌های زندگی برای ورود به جامعه‌ی فردا را می‌آموزند. مهارت‌های زندگی شامل مهارت‌های شخصی و اجتماعی هستند که کودکان و نوجوانان باید آن‌ها را یاد بگیرند تا بتوانند در مورد خود و دیگران به‌طور مؤثر و شایسته عمل کنند. یکی از اهداف اصلی برنامه‌ی مهارت‌های زندگی ارتقای بهداشت روانی کودکان و نوجوانان است. اجرای این برنامه در مدارس به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با مسائل و مشکلات زندگی و نحوه‌ی مقابله با این مشکلات آشنا شوند.

نقش آموزگاران در اجرای طرح‌های آموزشی مربوط به مهارت‌های زندگی انکارناپذیر است. معلمان و مربیان هنگام آموزش این مهارت‌ها، علاوه بر دادن اطلاعات لازم، باید این مهارت‌ها را به‌صورت عملی با دانش‌آموزان تمرین کنند. لازم است معلمان در آموزش این مهارت‌ها، به‌طور هدفمند، دانش‌آموزان را هدایت کنند و خود به‌عنوان الگو توانایی عملی لازم را در این مهارت‌ها داشته باشند. اگر والدین و اولیای مدرسه، هم‌زمان با تغییر در زندگی افراد، شیوه‌های مختلفی را برای آموزش مهارت‌های زندگی به‌کار برند، دانش‌آموزان این مهارت‌ها را به‌خوبی یاد می‌گیرند. در ادامه به یکی از روش‌های مهارتی در برخورد با موضوع طرد شدن اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های زندگی، سلامت روان، طرد شدن، عزت‌نفس

✓ یک نفر قیافه‌ی شما را مسخره کرده است.

✓ یک نفر طرز راه رفتن، دویدن، پرتاب کردن یا گرفتن شما را مسخره کرده است.

✓ یک نفر به شما گفته است اصلاً نمی‌خواهد با شما دوست شود.

۲. این حقیقت را با بچه‌ها در میان بگذارید که بسیاری از بچه‌ها مورد تمسخر دیگران قرار می‌گیرند و طرد می‌شوند. از دانش‌آموزان بخواهید احساسشان را در این مورد بیان کنند.

۳. داستان زیر درباره‌ی چند دوست و مطرود شدن است. آن را برای بچه‌ها بخوانید یا از خودشان بخواهید این داستان را بخوانند. هم‌چنین بعد از خواندن داستان سوالات مطرح شده را به بحث بگذارید.



داستان

سعید، دانش‌آموز کلاس پنجم در حال ناهار خوردن با علی، دانش‌آموز کلاس چهارم بود. نزدیک تمام شدن ناهار، رضا به میز آن‌ها نزدیک شد و گفت: «سعید، چرا با این بچه غذا می‌خوری؟ نمی‌دانی دروغ‌گوست؟ چرا کنار او می‌نشینی؟ در حالی که می‌توانی دوستان بهتری داشته باشی؟ در ضمن او کلاس چهارمی است. چرا با این بچه‌ها می‌پری؟» سعید از طرز صحبت کردن رضا تعجب کرد. نگاهی به علی انداخت و دید اشک در چشمانش حلقه زده است. سعید نمی‌دانست چه بگوید و چه کار کند، ولی تا آن موقع ندیده بود علی دروغ بگوید و کلک بزند. دلیلی نداشت که فکر کند علی آدم دروغ‌گویی است. از طرفی نمی‌دانست چرا رضا در مورد علی چنین حرف‌هایی می‌زند.

سعید می‌دانست علی چه احساسی دارد. سال گذشته چنین اتفاقی برای خودش افتاده بود. در آن زمان به‌نظر خودش کار اشتباهی نکرده بود ولی هم‌کلاسی‌هایش یک دفعه او را به باد ناسزا

گرفتند و گفتند نمی‌تواند زنگ تفریح با جمع آن‌ها بازی کند. وقتی سعید موضوع را با مادرش در میان گذاشت، مادر گفت: «این اتفاقات گاهی برای افراد می‌افتد. چون هیچ کس این را در نظر نمی‌گیرد که حرف‌هایش چه احساسی در دیگران ایجاد می‌کند.» مادرش گفت: «بچه‌ها در این سن گاهی به یکدیگر حسادت می‌کنند. معنای حسادت آن‌ها نیز این است که می‌ترسند یک نفر از آن‌ها محبوب‌تر، خوش‌لباس‌تر یا باهوش‌تر باشد. آن‌ها برای اینکه احساس بهتری در خود ایجاد کنند، با طرد یا مسخره کردن آن آدم، درصدد آزردن او برمی‌آیند.» مادر سعید به او گفت: «البته اینکه کسی تو را مسخره یا طرد کرده است، دلیل نمی‌شود که کار او را تلافی و رابطات را با او قطع کنی.» سعید منظور مادرش را فهمید ولی هنوز ناراحت بود. او کار بدی انجام ن داده بود و نمی‌فهمید چرا با او چنین رفتاری می‌کنند. خیلی گیج شده بود و برای همین نزد مشاور مدرسه رفت. مشاور به حرف‌های سعید گوش داد و از او خواست خصوصیات دوست‌داشتنی خودش یا آن دسته از خصوصیاتش را که مورد علاقه‌ی دیگران است، با انگشتان بشمرد. وقتی سعید پنج خصوصیت را نام برد و پنجاه‌اش را مشت کرد، مشاور مشت او را گرفت و آن را مقابل چشمان سعید نگاه داشت. او برای سعید توضیح داد که این موارد جزو خصوصیات خوب او هستند و هیچ کس نمی‌تواند این خصوصیات خوب را از او بگیرد. مشاور به سعید توصیه کرد دفعه‌ی بعد که بچه‌ها او یا فرد دیگری را مسخره یا طرد کردند، به یاد این فهرست و مشت خود بیفتد و فراموش نکند که حتی اگر دیگران قبول نداشته باشند، او خصایص خوبی دارد. مشاور از سعید خواست بگوید چه کار می‌تواند انجام بدهد تا خودش را کمتر ناراحت کند. سعید گفت: «می‌توانم به جای فکر کردن به آدم‌های بد، به آدم‌های شبیه خودم و حرف‌های خوب آن‌ها درباره‌ی خودم فکر کنم.»

سعید اتفاق پارسال و گفت‌وگوی خودش با مشاور مدرسه را به یاد آورد. او صحبت‌های مشاور را به علی گفت؛ چون تصور می‌کرد به علی کمک خواهد کرد. سعید به علی گفت: «هر چه بیشتر به رفتار رضا فکر کنی بیشتر ناراحت خواهی شد. بنابراین، به علی پیشنهاد کرد به زنگ تفریح فکر کنند و کاری انجام بدهند.»

۱. چه کسی در این داستان احساس مسخره و طرد شدن کرد؟
۲. وقتی با سعید آن‌طور رفتار شد، چه چیزی به او کمک کرد؟
۳. چرا رضا این چیزها را به علی گفت؟
۴. نظر تان در مورد طرز برخورد سعید با علی چیست؟ در مورد طرز برخورد رضا با علی چطور؟
۵. آیا تا به حال مسخره و طرد شده‌اید؟ با احساسات چطور کنار آمدید؟
۶. اگر روزی مسخره یا طرد شدید، چه کار دیگری می‌توانید انجام دهید؟

در پایان از بچه‌ها بخواهید نظرشان را درباره‌ی کنار آمدن با مسخره و طرد شدن بنویسند؛ با این فرض که قرار است نظرات آن‌ها در یک روزنامه‌ی محلی چاپ شود.

دانش آموزان محیط بان

متولی حفاظت محیط زیست و شغل های مرتبط با آن



صفورازواران حسینی
کارشناس آموزش انجمن یوزپلنگ ایرانی

علاقه مندی هستند که رشته تخصصی و کارشان متفاوت با محیط زیست است، اما بنابر علاقه خود به صورت شخصی یا در سمن ها^۱ و مؤسسات غیرانتفاعی فعالیت زیست محیطی می کنند. دسته ی دوم کسانی هستند که در رشته های مرتبط مانند مهندسی منابع طبیعی، گرایش محیط زیست در مقطع کارشناسی و رشته های مهندسی منابع طبیعی، محیط زیست گرایش آلودگی های محیط زیست یا گرایش تنوع زیستی و زیستگاه ها یا گرایش های دیگر تحصیل می کنند و سپس در سازمان های مرتبط مشغول به کار می شوند. سازمان هایی مانند سازمان حفاظت محیط زیست، ادارات جهاد کشاورزی - منابع طبیعی، شهرداری و فرمانداری، هواشناسی، جنگل بانی، آموزش و پرورش، راه و ترابری،

حفاظت از محیط زیست در ایران، اصل پنجاهم قانون اساسی است: «حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفه ی عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» در کنار نهاد حفاظتی که نامش را هنوز نگفته ایم، سازمان ها و افراد دیگری نیز در حفاظت از محیط زیست کشورمان نقش دارند که انواع و هم چنین کارکرد و نقش آن ها در شکل زیر^۱ مشخص شده است.

آموزگاران گرامی در حفاظت از محیط زیست ایران چه نقشی را برای دانش آموزان در نظر می گیرید؟ افرادی که در زمینه ی محیط زیست کار می کنند دو دسته اند: گروه اول اشخاص

اشاره

این سرفصل مجله به یکی از موضوعات مهم در زندگی امروز انسان ها، یعنی توجه به طبیعت و محیط زیست می پردازد. آشنایی با طبیعت و نگهداری از آن مهم است و البته نیاز به آگاهی هایی دارد. آموزگاران می توانند با دقت در موضوعات درسی و اشاره شده در کتاب های درسی، دانش آموزان خود را از راه های گوناگون به حفظ محیط زیست و صیانت از این ثروت طبیعی برانگیزند.



دانستنی های آموزگاران

● آیا می دانید حفاظت از محیط زیست و حیات وحش ایران بر عهده ی چه نهاد یا سازمانی است؟ این نهاد یا سازمان، زیر نظر نهاد ریاست جمهوری است و جایگاه نظارتی دارد. اما در وهله ی نخست مرجع قانونی



● فهرست محیطبانان شهید یا جانباز
محیطبانان شهید
/doe.ir/portal/home/?141757

محیطبانان وبلاگ نویس:

- صادق پورسالم، استان بوشهر
mohetban.persianblog.ir
- امید عزت پور، استان قزوین
mohitban.blogfa.com
- محمد پاپری زارعی، استان بوشهر
mohitbaniran.blogfa.com
- علی رستمی و علیرضا خلیلی، استان
مازندران
behshahrparkmeli.mihanblog.
com
- امین اله بزومی، استان خراسان رضوی
khafi-mohitban.blogfa.com
- زکریا میرزائی، استان بوشهر
manammohitban.blogfa.com

خود تماس بگیرید و یکی از محیطبانان منطقه‌ی حفاظت شده‌ی نزدیک محل زندگی خود را به کلاس دعوت کنید. پیش از آن با دانش‌آموزانتان درباره‌ی حفاظت از محیطزیست، اهمیت آن و شغل محیطبانی گفت‌وگو کنید. می‌توانید از دانش‌آموزان بخواهید پیش از این دیدار، فهرستی از سؤالاتی که دوست دارند از مهمان خود بپرسند تهیه کنند؛ سؤالاتی درباره‌ی نوع کار محیطبانان، وسایل و ملزومات کارشان، بهترین و بدترین خاطراتشان و سؤالات دیگر.

هم‌چنین می‌توانید با هماهنگی با اداره‌ی حفاظت محیطزیست شهرستان خود بازدید را از یک منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی نزدیک به محل زندگی خود ترتیب دهید و با محل کار و شیوه‌ی کار محیطبانان از نزدیک آشنا شوید.

● آیا موزه‌ای را می‌شناسید که در این زمینه به شما اطلاعات بدهد؟
معرفی فیلم مرتبط

می‌توانید قسمت یازدهم سریال پایتخت نوروز ۹۳، بخشی که بهبود فریبا، محیطبان سریال درباره‌ی شغل خود و مشکلات آن صحبت می‌کند با دانش‌آموزانتان ببینید.^۵

مسکن و شهرسازی، فضای سبز، شرکت نفت، شرکت لوله‌سازی، شرکت فولاد، شرکت ملی حفاری، اداره و آزمایشگاه‌های آب و فاضلاب، کارخانه‌های صنایع غذایی، شرکت‌های خصوصی ارزیابی محیطزیست و غیره.^۶ حال که فهمیدید حفاظت از محیطزیست ایران وظیفه‌ی چه سازمانی است، به ادامه‌ی مطلب می‌پردازیم.

حفاظت محیطزیست یک علم است

از آنجا که علم محیطزیست ماهیتی بین‌رشته‌ای دارد و کارشناسان این حوزه لازم است از علوم مختلف آگاهی داشته باشند، زمینه‌های کاری متنوعی نیز برای آنان وجود دارد. شغل‌هایی مانند بوم‌شناسی، برنامه‌ریز حفاظت، محیطبان، پژوهشگر حیات وحش، مشاور محیطزیست واحدهای صنعتی، راهنمای تورهای طبیعت‌گردی، آموزشگر محیطزیست، تکنیسین کیفیت هوا، متخصص سنسچس از راه دور (GIS)، کارشناس هواشناسی، مشاور ساختمان‌سازی سبز، مهندس مواد زائد جامد، تست‌کننده و حفاظت‌کننده خاک، اپراتور تصفیه‌خانه فاضلاب و بسیاری مشاغل دیگر.

محیطبانی یکی از شغل‌های مهم و در عین حال ناشناخته‌ی مرتبط با حفاظت محیطزیست است. محیطبانان حافظان عرصه‌های طبیعی در محدوده‌ی مناطق تحت حفاظت سازمان حفاظت محیطزیست هستند. در گذشته به محیطبانان شکاربان گفته می‌شد اما پس از آنکه نگاه به حفاظت از محیطزیست از نگاه حفاظت از گونه‌های قابل شکار به نگاه (زیست بومی) اکوسیستمی تغییر کرد، نام حافظان مناطق تحت حفاظت نیز به محیطبان تغییر یافت.

محیطبان گاهی با جنگل‌بان اشتباه گرفته می‌شود. صاحبان هر دو این مشاغل در جهت حفاظت از عرصه‌های طبیعی فعالیت می‌کنند اما سازمان متبوع آنان متفاوت است و می‌توان گفت حوزه‌ی کاری محیطبانان از جنگل‌بانان وسیع‌تر و متنوع‌تر است. محیطبانان با سرکشی مداوم به مناطق تحت حفاظت خود، با عاملان تخریب محیطزیست و شکارچیان غیرمجاز مقابله می‌کنند. هم‌چنین به سرشماری وحوش می‌پردازند و با پایش وضعیت گونه‌های جانوری منطقه به بقای آنان کمک می‌کنند.

بنابراین، همکاران عزیز آموزگار بدانید که شرایط کاری محیطبانان از سویی بسیار دشوار است؛ چون سرما و گرما و خستگی در کار آن‌ها جایی ندارد و از سویی دیگر، شغل آن‌ها به دلیل نزدیکی با طبیعت لذت‌بخش است.

فعالیت آموزشی پیشنهادی

با اداره‌ی حفاظت محیطزیست شهرستان



پی‌نوشت

۱. طرح درس مفاهیم پایه‌ی محیطزیست، بخش آموزش و ظرفیت‌سازی، انجمن یوزبلنگ ایرانی، ۱۳۹۲
۲. برای آشنایی بیشتر با اهداف و وظایف سازمان حفاظت محیطزیست و هم‌چنین تاریخچه‌ی تشکیل آن می‌توانید به سایت این سازمان، www.doe.ir مراجعه کنید.
۳. مخفف عبارت سازمان‌های مردم‌نهاد
4. basicsciences.iaun.ac.ir
5. www.youtube.com/watch?v=nvA-65pX8KFA

مرتبط با:

کتاب علوم تجربی، پایه‌ی ششم
درس ۱۲، صفحه‌ی ۸۷

معرفی وبگاه‌های مرتبط

- معصومه ابتکار (رئیس سازمان حفاظت محیطزیست وقت)
ebtekarm.persianblog.ir

بهترین معماری دنیا

ورود به فضاهای آموزشی سبز و توسعه‌ی پایدار محیط‌زیست



هدی هدایتی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی

اشاره

با تأمل در بحث حفظ محیط‌زیست، به حیاتی بودن نقش آموزش و به دنبال آن نقش مدرسه‌ها در آن بیشتر پی می‌بریم. اگر مدرسه‌ها، فضاهای آموزشی و سیاست‌گذاران برنامه‌ی درسی وارد این عرصه شوند، می‌توانیم بگوییم مدرسه‌ی ما، مدرسه‌ای «سبز» و بهترین جا برای تحصیل است. با این مقدمه وارد بحثی کوتاه در این صفحه با عنوان «مدارس و معماری پایدار» می‌شویم و در پی گشودن صفحه‌ی محیط‌زیست در شماره‌های قبل به لزوم و مزایای ساخت مدارس سبز می‌پردازیم که اینجا با نام «مدارس پایدار» معرفی می‌شوند.

مدارس و معماری پایدار

معماری پایدار ناشی از نیاز امروز انسان در مقابل پیامدهای نامناسب جهان صنعتی و مصرفی عصر حاضر است. حفظ و حراست از منابع طبیعی جهان، کاهش آلودگی هوا و سایر آلودگی‌های محیطی، حفاظت از لایه ازن، بهداشت جسمی و روانی، آینده بشریت و... از موضوعاتی است که مطرح بوده و ضرورت آن روز به روز آشکارتر می‌شود. ساختمان‌های پایدار می‌توانند در کنترل مصرف انرژی و حفظ منابع طبیعی راهگشا باشند. از آنجا که یکی از مهمترین بناها در شهرها، فضاهای آموزشی از جمله مدارس هستند. رویکرد معماری پایدار در طراحی مدرسه می‌تواند علاوه بر صرفه‌جویی در انرژی و کاهش اثرات زیست‌محیطی باعث آموزش مؤثر در دانش‌آموزان شود (ملک‌محمودی، ۱۳۹۰).

مزایای ساخت مدارس سبز بسیار روشن است. دانش‌آموزان در

مدارس پایدار، سلامت بیشتری دارند و فعال‌ترند، چون امکان استفاده مناسب از نور آفتاب را دارند. هم‌چنین تهویه‌ی مناسب و طبیعی باعث می‌شود شیوع بیماری‌های ویروسی و آلودگی، به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کند. طراحی و رنگ‌آمیزی فضاهای داخلی، در این مدارس به گونه‌ای است که موجب یادگیری و یادسپاری بهتر مطالب می‌شود (فورد، ۲۰۰۷).

یکی از اصول معماری پایدار که می‌تواند در ساختمان مدارس به کار گرفته شده و بسیار راهگشا باشد، اصل صرفه‌جویی در منابع است. این اصل از یک سو به بهره‌برداری مناسب از منابع و انرژی‌های تجدیدناپذیر مانند سوخت‌های فسیلی، در جهت کاهش مصرف می‌پردازد و از سوی دیگر به کنترل و به کارگیری هر چه بهتر منابع طبیعی به‌عنوان ذخایری تجدیدپذیر و ماندگار توجه جدی دارد. به‌عنوان مثال، یکی از منابع سرشار و نامیرا، انرژی حاصل از نور خورشید است که امروزه توسط تکنولوژی فتوولتاییک برای فراهم کردن آب گرم و برق مصرفی در ساختمان، از آن استفاده می‌شود. علاوه بر این ساختمان مدارس می‌تواند طوری طراحی شود که حتی فضاهای بسته مانند کلاس‌ها و آزمایشگاه‌ها در طول روز احتیاجی به نور مصنوعی نداشته باشد و با استفاده از نور ورودی خورشید، کاملاً روشن شود.

استفاده از فضاهای آموزشی خارجی نیز علاوه بر استفاده از منبع نورانی خورشید، در فصول مناسب، باعث استفاده کمتر از وسایل تهویه گرماده و سرماده شده و موجب صرفه‌جویی در مصرف منابع خواهد شد.

در یکی از شماره‌های آینده و با دانستن اهمیت حفظ محیط‌زیست به رویکرد ساختار مدرسه در جریان توسعه‌ی پایدار محیط‌زیست خواهیم پرداخت.

بنشین و پاشو، بنویس

تلفیق ورزش و املا برای شناخت بهتر حروف

مرضیه لباف

آموزگار دبستان دخترانه‌ی ملک، اصفهان

و کلمات باعث می‌شود گروه حذف شود و گروه‌های دیگر کلاس به رقابت ادامه می‌دهند. گروه برنده با گرفتن کارت امتیاز برنده اعلام می‌شود و یا به روش‌های دیگر مورد تشویق قرار می‌گیرد.

آن حرف در کلمه توسط خواننده‌ی گروه، همه‌ی افراد گروه باید بایستند و بنشینند و خواندن متن را ادامه دهند. وقتی دوباره به حرف موردنظر رسیدند بچه‌های گروه باید بایستند و بنشینند. تأخیر در برخاستن و نشستن و یا جا به جا تشخیص دادن حروف

برای علاقه‌مندسازی دانش‌آموزان به املا و افزایش دقت آنان در شناخت حروف به‌ویژه آن‌هایی که از لحاظ صدا به هم شبیه هستند طرح «بنشین و پاشو، املا تمرین کن» را با بچه‌های کلاس انجام دادم.

۱

مزایای این طرح

- ایجاد شور و نشاط و تحرک گروهی در کلاس
- ایجاد رقابت مثبت و آموزنده میان فراگیرندگان
- تشخیص صحیح و دقیق کاربرد کلمات و حروفی مثل «ص و س»، «ظ، ز، ذ و ض» که تشابه آوایی دارند.

۲



نشستن اعضای گروه بعد از کلمه‌ی خوانده شده و ادامه‌ی روخوانی



اعضای گروه هنگام خواندن متن و رسیدن به حرف «ز» در کلمه‌ی خوانده شده و برخاستن

چگونگی اجرای طرح

در ساعت درس فارسی، درسی که قرار است جلسه‌ی آینده از آن املا گرفته شود روخوانی می‌شود. روش کار به این صورت است که دانش‌آموزان از قبل در گروه‌های چهار، پنج یا شش نفره گروه‌بندی شده‌اند. درس جدید قسمت‌بندی شده و به شکل تصادفی یک قسمت برای خواندن از روی متن به گروه مثلاً شماره‌ی یک داده می‌شود و حرفی از حروف الفبا برای این گروه انتخاب می‌شود که به محض تلفظ

طول و عرض جغرافیایی با میوه‌ها

مختصات جغرافیایی را بشناسیم

دکتر مهدی چوبینه



طول و عرض جغرافیایی با چشیدن مزه‌ی اون تو ذهنشون موندگار بشه. البته می‌دونم که تو اینا را بلدی و به اصل تداعی در یادگیری هم اعتقاد داری.

فقط یه عیبی در این کار من بود و اون اینکه قاچ‌های پرتقال کم بود و برای اینکه به همه برسه، باید چند تا پرتقال با خودم سر کلاس می‌بردم. نکته‌ی جالب هم این بود که بچه‌های میزهای جلوتر، که همون پرتقال اصلی رو خورده بودن، بهتر از بقیه‌ی بچه‌هایی که پرتقال‌های دیگه را خورده بودن، مطلب رو به خاطر می‌آوردن اما امروز که هندونه‌ها را با خط‌های روی پوستشون دیدم، فکری به خاطرم رسید. اون هم اینکه به جای پرتقال از هندونه برای درس طول و عرض جغرافیایی استفاده کنم. فقط نمی‌دونم طول و عرض جغرافیایی با طعم پرتقال بهتر فهمیده می‌شه یا با مزه‌ی هندونه؟

- خب برای اینکه تمرین کرده باشی، بیا طول و عرض جغرافیایی رو به من درس بده و بعد هم یه قاچ بزرگ هندونه بده بخوریم که بعد از اون غذای خوش مزه خیلی می‌چسبه!

- هندونه می‌چسبه یا طول و عرض جغرافیایی رو خوب بلد نیستی و می‌خواهی از این فرصت بادآورده استفاده کنی؟

- بیا... تا من چیزی می‌گم فوری می‌خوای به من طعنه بزنی.

- باشه بابا... شوخی کردم... اصلاً تو مخترع طول و عرض جغرافیایی هستی. خوبه؟ حالا بیا تا برات بگم، اما برای اینکه بعدها یادت نره، این مطالب رو لفظ قلم می‌گم. تو هم اونارو

شکمت بردار و واسه ترویج علم فداکاری کن. برو همونی رو که گفتم بردار و بیا.

پرویز: دستت درد نکنه! عجب شام خوش مزه‌ای بود. نهم می‌گفت مردایی که دست پختشون خوبه، زناشون خوشبخت‌ترن.

من: لابد برای اینکه دیگه زحمت آشپزی ندارند. می‌دونی یکی از دلایل اینکه مردها ازدواج می‌کنن اینه که غذا پختن بلد نیستن؟

- خوب، حالا استاد از عرش تشریف بیارین روی فرش... این هندونه رو از یخچال بیارم یا همچنان می‌خواهی مشکلات کل جامعه و جهان رو با نظریه‌های فیلسوفانه حل کنی؟

- آهان... یادم افتاد. برو بیا. تا تو سینی و کارد را بیاری، من قضیه‌ی امروز رو برات تعریف می‌کنم. بین همه‌ی این سال‌هایی که معلم بودم، هر وقت می‌رسیدم به درس طول و عرض جغرافیایی، با خودم یه پرتقال می‌بردم سر کلاس و ضمن توضیح درس، پوست اونو می‌کندم و قاچ‌هاشو به بچه‌ها نشون می‌دادم و می‌گفتم این‌ها مثل طول جغرافیایی هستن و بعد هم توضیح می‌دادم که اگر خطوطی را عمود بر این قاچ‌ها فرض کنیم، به اون می‌گیم «عرض جغرافیایی». بعد تفاوت طول و عرض جغرافیایی رو توضیح می‌دادم. مثلاً می‌گفتم طول‌های جغرافیایی همه دایره‌های یک اندازه‌ی هستن ولی عرض‌های جغرافیایی هر چه از سمت خط استوا به سمت قطب بریم محیط دایره‌هاشون کمتر می‌شه. بعد از اینکه مطمئن می‌شدم بچه‌ها موضوع رو فهمیدن، اون وقت پرتقال رو بین اونا تقسیم می‌کردم تا خاطره‌ی درس

این داستانی است از روزهایی که تازه معلم شده بودم و با هم‌اتاقی‌ام در مورد کارهای معلمی بحث می‌کردیم. اسم هم‌اتاقی‌ام پرویز بود. می‌گویم بود یعنی هنوزم هست اما دیگه معلم نیست. گاهی وقت‌ها می‌بینمش. مهم‌ترین خصوصیتی که او را از بقیه متمایز می‌کند، صفات اخلاقی اوست که برای من همیشه الگو بوده و البته دست به نیش زندنش هم بد نیست!

پرویز: چرا زل زدی به این هندونه‌ها؟

- دارم فکر می‌کنم.

- فکر هم می‌کنی؟ من که گمون کنم بیشتر خیالاتی هستی تا اهل فکر.

- حالا تو هی تیکه بنداز! بابا من امسال معلم کلاسی هستم که بچه‌هاش از بچه‌های سال‌های قبل ضعیف‌تر به نظر می‌رسن. بنابراین، باید راه جدیدی برای درس دادن به اونا پیدا کنم.

- مثلاً چه راهی؟ نکنه می‌خواهی ورقه‌های کتاب‌هاشون رو جوشانی و جوشونده‌اش رو روزی سه قاشق به خوردشون بدی؟

- خوش به حال تو که این قدر بی‌خیالی.

- خوب با این هندونه‌ها چه کار داشتی که

رفته بودی به عالم هپروت؟

- فعلاً بیا یکی شو واسه امشب بخوریم تا بعد برات بگم. برو اونو رو که پوست راه‌راه داره و گرد هم هست، بردار بیا تا بکشیم.

- چرا از این سبزی ساده‌ها که درازتر هم هستن نخوریم؟ ببین یکی رو قاچ کرده و گذاشتن اینجا. هم قرمز هم پوستش نازکه.

- حالا یه دفعه هم که شده، دست از

یادداشت کن.

مختصات جغرافیایی و اهمیت آن

همان‌طور که پیدا کردن یک مکان جدید بدون داشتن نشانی آن مکان ممکن نیست، انجام دادن هر فعالیت جغرافیایی نیز بدون داشتن نشانی دقیق میسر نخواهد بود. مختصات جغرافیایی، قراردادی است که براساس آن هر نقطه از سطح کره‌ی زمین دارای نشانی دقیق است. به عبارت دیگر، با قبول قرارداد مختصات جغرافیایی هیچ دو نقطه‌ای را در سطح کره‌ی زمین نمی‌توان یافت که به لحاظ نشانی مشابه یکدیگر باشند. قبل از پرداختن به جزئیات مربوط به مختصات جغرافیایی یا موقعیت ریاضی مکان‌ها، لازم است کلیاتی را که به درک بهتر مسئله کمک می‌کنند، بدانیم. برای اینکه بتوانیم هر مکان را بر سطح زمین دقیقاً پیدا کنیم از دو عامل جغرافیایی به نام طول و عرض جغرافیایی استفاده می‌کنیم.

طول و عرض جغرافیایی چیست؟

براساس قرارداد، سطح کره‌ی زمین را با خطوطی فرضی در نظر آورید. بنابراین، دایره‌های متعددی بر سطح کره‌ی زمین قابل تصور خواهند بود که اولاً تعداد آن‌ها آن قدر می‌تواند زیاد باشد که تمام سطح کره‌ی زمین را بپوشانند و ثانیاً این دایره‌ها فقط به شکل عمود بر هم قابل تصور باشند. این دایره‌ها طول و عرض جغرافیایی نامیده می‌شوند.

عرض جغرافیایی

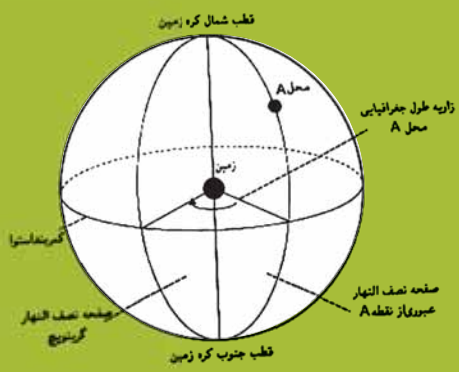


بزرگ‌ترین دایره‌ای را که سطح آن عمود بر محور فرضی (چرخشی) زمین باشد سطح استوا و محیط این دایره را خط استوا می‌نامیم. تنها سطح استواست که از مرکز

زمین می‌گذرد و بقیه‌ی سطوح فرضی در بالا یا پایین نقطه‌ی مرکزی زمین قرار می‌گیرند و طبعاً سطحی کوچک‌تر نسبت به سطح استوا خواهند داشت. کماتی که بین خط استوا و هر یک از دو قطب شمال و جنوب قرار دارد، مبنای درجه‌بندی عرض جغرافیایی هر مکان است. به عبارت دیگر، عرض جغرافیایی هر نقطه از سطح زمین فاصله‌ی زاویه‌ای است که بین آن نقطه و خط استوا ایجاد می‌شود. زاویه‌ای که رأس آن در مرکز زمین قرار دارد. به طوری که اگر از نقطه‌ای بر روی خط استوا و نقطه‌ی مورد نظر دو خط فرضی رسم کنیم که یکدیگر را در مرکز زمین قطع کنند، فاصله‌ی زاویه‌ی بین این دو خط (که برابر خواهد بود با اندازه‌ی کماتی که بر سطح زمین بین این دو نقطه قرار می‌گیرد) عرض جغرافیایی نقطه‌ی مورد نظر خواهد بود. عدد عرض جغرافیایی، به صورت زاویه‌ای میان صفر و مثبت ۹۰ یا منفی ۹۰ درجه بیان می‌شود. بنابراین، عدد عرض جغرافیایی هیچ‌گاه از ۹۰ بیشتر نخواهد شد. معمولاً (نه همیشه) بر پایه‌ی قرارداد، اعداد مثبت نشان‌گر طرف شمال بودن نقطه نشان داده شده است. البته باید توجه داشت که برای دو نیمکره‌ی زمین، به کار بردن عبارت شمالی و یا جنوبی ضروری است؛ زیرا بدون این تفکیک نشانی دقیق نخواهد بود.

طول جغرافیایی

در سال ۱۸۸۴ میلادی در کنفرانس بین‌المللی جغرافی دانان و مهندسان که در واشنگتن دی.سی برگزار شد، مداری که از رصدخانه‌ی سلطنتی انگلستان واقع در گرینویچ، هشت کیلومتری لندن در ساحل جنوبی رود تیمز می‌گذشت به‌عنوان مدار مبدأ برای تعیین زمان بین‌المللی انتخاب شد. این مدار سطح کره‌ی زمین را به دو نیمه‌ی ۱۸۰ درجه‌ای تقسیم می‌کند. یعنی عدد طول جغرافیایی، به صورت زاویه‌ای بین صفر و مثبت ۱۸۰ یا منفی ۱۸۰ درجه بیان می‌شود. معمولاً (نه همیشه) بر پایه‌ی قرارداد، اعداد مثبت نشان‌گر طرف شرق بودن نقطه، نشان داده شده است. پس، عدد طول جغرافیایی هیچ‌گاه از ۱۸۰ بیشتر نخواهد بود. با این قرارداد هر نقطه از سطح



پرویز: بین به قاچ هندونه می‌خوای به آدم بدی، چه‌طور از آدم بیگاری می‌کشی! به کتاب برات نوشتم‌ها....
من: در عوضش برای همیشه طول و عرض جغرافیایی را یاد گرفتی. چون هم گوش کردی و هم نوشتی و موقع نوشتن، مجبور بودی اون رو بخونی که غلط ننوشته باشی. فقط مونده به بار چیزی رو که نوشتی، واسه کسی بگی تا هم گفته باشی، هم شنیده باشی، هم نوشته باشی و هم خونده باشی!
پرویز: امر دیگه‌ای نداری؟ ظرفی، لباسی، چیزی نداری برات بشورم؟ تعارف نکنی‌ها!

چطور
شد؟

چگونه

تفکر
چرا

محیط یادگیری دانش آموز باید به تفکر انتقادی رهنمون شود

عذرا رستمی

اشاره

تفاوت در ماهیت تجارب آموزشی که به نوعی در کلاس‌های درس با آن‌ها مواجهیم، توضیحی برای عملکرد ضعیف دانش آموزان در استدلال و سایر مهارت‌های سطح بالای تفکر می‌باشد. غالب آموزش‌ها به جای پیشرفت و گسترش استدلال، بخش عظیمی از دانش آموزان را به حفظ اطلاعات مجبور می‌کنند و تعجبی ندارد وقتی اغلب دانش آموزان فرایند اکتشاف را در مدرسه نیاموخته‌اند و ندانند چگونه در جست‌وجوی شواهد برای ادعاها یا ارزیابی‌ها باشند. در این مقاله برخی مبانی نظری تفکر انتقادی بررسی شده و روش‌های آموزش این نوع تفکر ذیل چهار عنوان مهارت‌های ذهنی، انواع فعالیت‌های کلاس، آموزش فلسفه به کودکان و آموزش استدلال منطقی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تفکر انتقادی، استدلال منطقی، فلسفه‌ی لیپمن، مهارت‌های ذهنی

تعریف تفکر انتقادی

تفکر انتقادی از کلمه‌ی critical از واژه‌ی یونانی Critic به معنی سؤال کردن، معنی دادن و تحلیل کردن گرفته شده است. لیپمن (۱۹۸۸) نوشته‌های جامعی در مورد معیارهای ارزیابی تفکر انتقادی دارد. او تفکر انتقادی را تفکری می‌داند که دارای معیارهای پذیرفته شده است، خود تصحیح‌گر بوده و به صورت یک ویژگی برای اتخاذ تصمیم‌های صحیح در دستیابی به قضاوت‌ها،

تصمیم‌گیری‌ها، حل مسائل و انجام عملیات به کار می‌رود.

برخی از روان‌شناسان برای تعریف تفکر انتقادی به طبقه‌بندی بلوم اشاره کرده و تفکر انتقادی را در مهارت‌های تفکر بلوم قرار داده‌اند و معتقدند که برخلاف مهارت‌های سطح پایین که به دانش و درک مربوط‌اند، تفکر انتقادی اغلب با سطوح بالا یعنی تحلیل، ترکیب و ارزیابی ارتباط دارد.

نظریه‌های علمی

گروهی از طراحان و مجریان برنامه‌های درسی معتقدند فقر تفکر دانش آموزان نتیجه‌ی حاکمیت روش‌های سنتی در مدارس است. یکی از نظریه‌های حامی و پیشروی تفکر انتقادی نظریه‌ی ساختن‌گرایی است که بر پایه‌ی تفکرات شناختی شکل می‌گیرد. پایه‌های فلسفی این رویکرد بر اصل خطاپذیری معرفت‌شناسی استوار است. در این رویکرد، یادگیری فرایند ادراک حاصل از تجربه می‌باشد. بنابراین، در محیط یادگیری باید موقعیتی فراهم شود که در آن دانش آموزان از طریق مباحثه‌ی استدلالی به تفکر انتقادی بپردازند. تأکید بر فرایند ساختار دانش به جای تولید مجدد آن، پرورش اعمال همراه با تفکر، آموزش یادگیری مشارکتی، توجه به فراشناخت و خودکنترلی دانش آموزان و یادگیری در محیط حل مسئله از مفاهیم مورد تأکید نظریه‌ی ساختن‌گرایی است (شعبانی، ۱۳۸۲: ۴۰-۳۹).

در دیدگاه سازنده‌گرایی اجتماعی، یادگیری توانایی مشارکت در بحث‌ها و اعمال گروهی است و به عنوان یک فرایند موقعیتی، فرهنگی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

آموزش مهارت‌های ذهنی

زمانی توانایی دانش آموزان یا دانشجویان افزایش می‌یابد که معلمان توانایی آن‌ها را با آموزش تفکر انتقادی تقویت کنند. یکی از راه‌های تقویت تفکر انتقادی توجه به مهارت‌های ذهنی است. این مهارت‌ها شامل موارد زیر است.

- تفکر مستقل
- سازمان‌دهی
- استنباط
- پیش‌بینی نتایج
- تکنیک‌های حل مسئله
- بینش و بصیرت

آموزش تفکر انتقادی در چارچوب فعالیت‌های کلاسی

این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: سخنرانی، سؤال کردن، آزمایش، تکالیف درسی، تمرین‌های کمی، آزمون، خواندن منتقدانه، نوشتن و روش‌های تدریس. با گذر از فعالیت‌های سخنرانی، آزمایش، تکالیف و آزمون‌ها و روش‌های تدریس به توضیح موارد بعدی می‌پردازیم:

* سؤال کردن

برای آموزش تفکر انتقادی می‌توان از تکنیک سؤال کردن در سطوح مختلف شناختی استفاده کرد که عبارت‌اند از:

- بررسی میزان فهم و درک دانش آموزان توسط سؤالاتی از نوع مقایسه‌ای، متناقض، نمایشی، توضیح، توصیف و تفسیری. مثال: چگونه مقایسه کرده‌اید؟ - بررسی میزان استفاده از تکنیک‌های یاد

گرفته شده:

مثال: چگونه شما استفاده کرده‌اید؟
در این مورد از چه رویکردی استفاده کرده‌اید؟

آیا می‌توانید مسئله را به شیوه‌ی دیگری حل کنید؟

- تحلیل اطلاعات به دست آمده:

مثال: چه اطلاعاتی نشان می‌دهد که را چگونه طبقه‌بندی می‌کنید؟

چه ارتباطی وجود دارد بین

- حل یک مسئله یا موقعیت توسط ترکیب عناصر به شیوه‌ی جدید یا ارائه‌ی راه‌حل‌های متفاوت:

مثال: چطور حل کرده‌اید؟

چگونه تصمیم گرفتید؟

چگونه آزمون می‌کنید؟

- قضاوت در مورد دلایل و نتایج:

مثال: چطور قضاوت کردید؟

آیا با این عقیده موافق هستید که

برای طراحی سؤالات مناسب در سطوح مختلف شناختی می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

● ارائه‌ی فرصت کافی برای پاسخ‌دهی و تفکر

● تحلیل پاسخ‌های دریافت شده

● لزوم وجود اعتماد به نفس در دانش‌آموزان برای پاسخ‌دهی

● استفاده از رویکرد دانشگاهی (افکار آزاد) بیش از رویکرد مدرسه‌ای (افکار قالبی)

● تشویق فراگیرندگان به ارائه‌ی پاسخ‌های متنوع.

(Teaching – Thinking . com
-2003)

* تمرین‌های کمی

حل مسئله، تفکر نکته‌سنجانه و دقیقی است. بنا بر این، واحدهای درسی مانند ریاضی، شیمی،

فیزیک که نیاز به حل مسائل دارند به‌طور خودکار تفکر نکته‌سنجانه‌ای را فقط با پیروی از برنامه‌های آموزش سنتی آموزش می‌دهند.

* خواندن منتقدانه

خواندن متن کتاب‌ها نقش بسیار مهم و برجسته‌ای در رشد تفکر دارد. دانش‌آموزان در حالی که مطالبی را می‌خوانند، بر عناوین تفکر می‌کنند و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند.

- شیوه‌ی مؤثر برای رشد و توسعه‌ی خواندن منتقدانه استفاده از اخبار در میان لایه‌ی مباحث کلاسی، روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون و رادیو می‌باشد که موجب رشد انگیزه‌ی فراگیرندگان در مهارت خواندن انتقادی و گوش دادن می‌شود.

* نوشتن

در دوره‌های مختلف تحصیلی تأکید بر آموزش تفکر در نوشتن بر اساس استدلال حفظ و نگهداری مطالب و مفاهیم است.

* آموزش فلسفه به کودکان

مطالعات نشان داده است که تفکر انتقادی از طریق آموزش رشد می‌یابد و توانایی تفکر انتقادی در سنین مختلف متفاوت و آموزش آن مستلزم توجه به سطح رشد افراد است. تفکر انتقادی در پی دقیق‌تر ساختن ذهن کودکان است و فلسفه به آن عمق می‌بخشد و آن را گسترش می‌دهد. هدف فلسفه برای کودکان بهبود بخشیدن به یادگیری در همه‌ی موضوعات موجود در برنامه‌ی درسی است. این برنامه

بر اساس رهنمودهای جان دیویی و ویگوتسکی، که بر ضرورت تعلیم و تفکر و نفی آموزش حفظ کردن تأکید می‌کردند، به وجود آمده و برنامه‌ای مبتنی بر زبان و مهارت‌های گفتاری است. پروفیسور متیولپمن بنیان‌گذار این برنامه است. وی مهارت‌های منطقی را از طریق بحث و گفت‌وگو در مورد نظرات استخراجی از داستان‌های کودکان پرورش می‌دهد. این داستان‌ها محتوای برانگیزاننده‌ای دارند و مسائلی را برای بحث در کلاس ایجاد می‌کنند. معلم برای هدایت بحث‌های کلاس این نکات را می‌تواند مورد توجه قرار دهد.

* توجه به دیدگاه‌های دیگران

* توضیح و بازگویی

* مشخص کردن تفاوت‌ها

* کشف مشابهت‌ها

* آوردن و خواستن دلیل و ... (باقری: ۸۵).

* آموزش استدلال منطقی

در این نوع آموزش، ایجاد و گسترش مهارت‌های تفکر انتقادی از طریق آموزش استدلال منطقی به کمک بحث و گفت‌وگو، نمایش و ارائه‌ی مثال تسهیل می‌شود و هدف آن، باری رساندن به دانشجویان برای درک چگونگی کاربرد استدلال در جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و یکپارچه‌سازی اطلاعات به منظور اتخاذ تصمیمات آگاهانه در زندگی روزمره می‌باشد. در روش استدلال علمی و منطقی بر طرح پرسش‌هایی در قالب روابط بین متغیرها، فرمول‌بندی نظریه‌های جایگزین، آزمون این نظریه‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، دست‌یابی به نتایج قطعی و اتخاذ تصمیمات آگاهانه تأکید می‌شود.

● منابع در دفتر مجله موجود است.



کودکان باهوش کلاس من

لذت یادگیری براساس هوش‌های یادگیری

اجرا: فرحناز غضنفری، معاون آموزشی دبستان بهار، محلات
طراحی و تنظیم: لیلی رحیم‌زاده



اشاره

شناسایی و پرورش هوش‌های بشری و ابعاد و توانمندی‌های هوشی دانش‌آموزان اهمیت بسیاری دارد. افراد از نظر هوش و توانایی کاربرد هوش‌های یادگیری تفاوت دارند. این بدان دلیل است که توانایی و ظرفیت ذهنی و هوشی افراد متفاوت است. در این میان، آگاهی آموزگاران از هوش‌های یادگیری و شناخت تفاوت‌های ناشی از این توانمندی‌های ذهنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا موجب می‌شود آموزگاران با مشکلات درسی برخورد خلاق‌تر و مناسب‌تری داشته باشند و شیوه‌های یاددهی - یادگیری را به‌گونه‌ای طراحی و تدوین کنند که تمرکز آن بر انواع هوش‌های یادگیری باشد و جذابیت و تأثیر کلاس درس را افزایش دهند. در شماره‌ی گذشته به ضرورت و جایگاه ویژه‌ی هوش‌های یادگیری در کلاس درس اشاره شد. این شماره به معرفی چند هوش یادگیری و ارائه‌ی نمونه‌های عملی اختصاص دارد.

از خواندن تا درک مسئله

نوشتن از روی متن درس از تکالیف تکراری است که در زمان خود، که به دهه‌های گذشته مربوط می‌شود، رواج زیادی داشت. در این شیوه معلمان با مقصود تکرار و تمرین تلاش می‌کردند تا با اجبار دانش‌آموزان به نوشتن از روی درس، کلمات را به‌خاطر بسپارند. شاید تا اندازه‌ای به سواد خواندن آن‌ها کمک کرده باشند. این شیوه در حال حاضر کاملاً منسوخ شده و در اغلب کلاس‌های درس به فراموشی سپرده شده است.

با این همه، موضوع خواندن و توانایی روان‌خوانی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مهارت‌ها به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی محسوب می‌شود. اگر دانش‌آموز بتواند مهارت خواندن را تقویت کند، نه‌تنها در یادگیری درس‌هایی مانند «بخوانیم» و «بنویسیم» بلکه در دروسی مانند ریاضیات نیز از موفقیت بیشتری برخوردار خواهد شد. برای مثال، او با داشتن توانایی روان‌خوانی بهتر می‌تواند متن مسئله‌ها را بخواند، مفهوم آن را درک کند و

متوجه تفاوت معلوم و مجهول شود. به همین دلیل، توجه آموزگاران به مهارت خواندن در دانش‌آموزان به مراتب باید بیشتر باشد و زمینه و شرایط لازم برای رشد این توانایی را فراهم آورند.

هنگامی که از خواندن سخن به میان می‌آید، تصویری از کلمات و حروف که در کنار یکدیگر معانی و مفاهیم گوناگونی را نشان می‌دهد، در ذهن ایجاد می‌شود. همین کلمات معرف نوعی هوش یادگیری هستند که به آن هوش «زبانی یا کلامی» گفته می‌شود.

مهم‌ترین‌ها در هوش زبانی

هوش کلامی عبارت از توانایی کاربرد مؤثر زبان مادری و یا سایر زبان‌هاست که می‌تواند به‌صورت شفاهی و یا نوشتاری مورد استفاده قرار گیرد. براساس همین نوع توانایی ذهنی است که برخی بیشتر تمایل دارند احساسات خود را بنویسند و یا به کلمات فکر کنند. چنین افرادی، توانایی بالاتری برای شنیدن سخن دیگران دارند و با تکیه بر این توانایی از

خواندن و یا نوشتن لذت می‌برند.

ممکن است همه‌ی افراد میزان بالایی از این توانایی ذهنی را نداشته باشند و بهره‌ی هر یک از ما، با دیگری متفاوت باشد. آنچه اهمیت دارد این است که همه‌ی افراد نیازمند این توانایی هستند تا بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و نیز از عهده‌ی انجام مسئولیت یادگیری خود برآیند. به‌همین دلیل، لازم است دانش‌آموزان در این زمینه تقویت شوند و زمینه به‌شکلی فراهم شود که آن‌ها بتوانند از حداکثر ظرفیت خود برای بهره‌برداری از هوش کلامی استفاده کنند.

به این ترتیب، شاید بتوان از این توانایی به‌عنوان مهم‌ترین توانایی ذهنی نام برد. مهارتی که می‌تواند مبنا و پایه‌ی یادگیری باشد و زمینه‌ی سهولت ارتباط بین افراد و اثرگذاری آن را فراهم کند. به همین دلیل است که انتظار می‌رود مدارس برنامه‌ها و فعالیت‌های متنوع و جامعی را برای توسعه‌ی سواد خواندن دانش‌آموزان تدارک ببینند و از این طریق به رشد هوش کلامی آنان کمک کنند.

مانور توانایی کلامی

هنگامی که پای توانایی کلامی به میان می‌آید، شیوه‌ها و نمونه‌های ساده و در عین حال پرکاربرد از فعالیت‌های یاددهی - یادگیری به ذهن می‌رسد که ویژگی مشترک همه‌ی آن‌ها دخالت و حضور کلمات است. نمونه‌های زیر از این جمله‌اند.

- معلم، مقصود و مطالب مورد نظر خود را از روی تخته‌ی کلاس می‌نویسد و یا از دانش‌آموزان می‌خواهد که این کار را انجام دهند. معمولاً برای انجام این مقصود، هر

یک از دانش‌آموزان در میز خود یک تخته‌ی کوچک برای نوشتن دارند یا اینکه به مقابل کلاس دعوت می‌شوند تا روی تخته‌ی کلاس بنویسند.

- معلم موضوعی را به بحث می‌گذارد و از دانش‌آموزان می‌خواهد در مورد آن اظهار نظر کنند و یا انجام بحث و گفت‌وگو با افراد خانواده یا فرد معینی در رابطه با موضوع خاصی را به‌عنوان تکلیف در منزل یا خارج از کلاس تعیین می‌کند.

- معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا خاطرات و تجربیات خود را درباره‌ی موضوع معینی تعریف کنند و یا خود اقدام به این کار می‌کند. دانش‌آموزان برای یک متن، موضوع و یا حتی یک مسئله به نوشتن و یا طرح یک داستان تشویق می‌شوند؛ داستانی که لازم است آن را برای دیگران بازگو کنند.

- بازی با کلمات، یافتن هم‌خانواده‌ها و یا هم‌آغازها و هم‌پایان‌ها به‌عنوان تکلیف معین می‌شود.

- دانش‌آموزان به انجام مشاعره تشویق می‌شوند.

- معلم کلاس را با عبارات و کلمات خاص آغاز می‌کند، شعر می‌خواند، ضرب‌المثل می‌گوید، خاطره یا داستان تعریف می‌کند و از کلمات در کلاس خود استفاده می‌نماید.

- دانش‌آموزان می‌توانند تکالیفی را بنویسند و یا روخوانی کنند و صدای خود را ضبط کنند.

- دانش‌آموزان نقشه‌خوانی می‌کنند و تصاویر را تفسیر می‌کنند.

- دانش‌آموزان به نوشتن مفهوم و معنای نمودارها ترغیب می‌شوند.

- خاطره‌نویسی، سفرنامه‌نویسی و ثبت تجربه‌ها از جمله فعالیت‌های تکلیفی دانش‌آموزان در مواقع مختلف است.

به فهرست فعالیت‌های ذکر شده می‌توان ده‌ها مورد دیگر افزود که به نوعی با تقویت و به‌کارگیری مهارت کلامی رابطه‌ی مستقیم دارند. در ادامه، تجربه‌ی موفق از دبستان بهار واقع در شهر محلات را می‌خوانید.

بهار خواندن در دبستان بهار

در دبستان بهار طرحی اجرا می‌شود که نوآموزان پیش‌دستانی تا دانش‌آموزان کلاس ششم را دربرمی‌گیرد.

در این طرح، که توجه آن به هوش کلامی و زبانی و تقویت آن است، دانش‌آموزان به گونه‌های متفاوتی با خواندن مواجه و درگیر

می‌شوند تا بتوانند مهارت خواندن را در خود تقویت کنند و با کلمات خوب‌گیرند. برای مثال، نوآموز در دوره‌ی پیش از دبستان، داستانی را از زبان مربی خود می‌شنود. او مسئول است تا آن داستان را برای خانواده‌ی خود تعریف کند و سپس تصویری از آن بکشد و به کلاس بیاورد. با جمع‌آوری تصاویر، کتابی از تصویرهای آن کتاب مهیا می‌شود که نوآموزان براساس آن می‌توانند به بازتعریف داستان مشغول شوند. این فعالیت موجب می‌شود که آن‌ها بتوانند با میزان دقت و توجه خود در مقایسه با سایرین، با جزئیات و اتفاقات داستان آشنا شوند و به‌تدریج در جهت تقویت این مهارت خود تلاش کنند. نوآموزان در طول انجام این کار از واژه‌های بیشتری استفاده می‌کنند و توانایی زبانی خود را گسترش می‌دهند.

دانش‌آموزان کلاس‌های اول و دوم بیشتر به روان‌خوانی تشویق می‌شوند. آن‌ها باید بتوانند خودشان از روی کتاب بخوانند، سپس خلاصه‌ی داستان را در دفتری با عنوان «بهار مهربان» بنویسند و برای هر قسمت از داستان که مایل‌اند، تصویر بکشند. آن‌ها در خانه از روی دفتر «بهار مهربان» خود دوباره داستان را برای خانواده‌شان می‌خوانند.

هر قدر خلاصه‌ای که نوشته‌اند، کامل‌تر باشد به همان اندازه، سایرین از شنیدن داستان آن‌ها و دیدن تصاویری که کشیده‌اند، لذت

خواهند برد. در این فعالیت، کودکان در معرض تشویق‌های اطرافیان قرار می‌گیرند و با تکیه بر این احساس و تجربه، هوش زبانی‌شان تقویت می‌شود.

اما در پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم انشانویسی و ساخت مسئله به‌عنوان راهی برای توسعه‌ی خواندن و تقویت هوش زبانی مورد نظر قرار دارد. دانش‌آموزان در این پایه‌ها به روش‌های

گوناگون، تشویق به نوشتن و خلق اثر می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که همه‌ی عوامل اجرایی مدرسه اعم از آموزگاران، معاون و مدیر مدرسه و نیز والدین در جریان موضوع قرار می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا تجربه‌های بیشتری برای

آن‌ها فراهم آورند و فعالیت‌هایی را طراحی کنند که دانش‌آموزان به واسطه‌ی آن‌ها بتوانند آثار متنوع و عمیقی را به رشته‌ی کلام درآورند و ابداع کنند. از جمله یکی از این موضوعات کسب روزی حلال است که در آن دانش‌آموزان با کمک مدرسه و خانواده‌ها با شیوه‌های کسب روزی حلال و ویژگی‌های آن آشنا می‌شوند. در یک روز نمایشگاهی از تولیدات خانگی، که دانش‌آموزان نیز در تهیه‌ی آن‌ها نقش داشته‌اند، برگزار می‌شود. آن‌ها در این فضا با مفهوم گران‌فروشی، کم‌فروشی، انصاف و عدالت آشنا و برخی پایه‌ها با توجه به اینکه در کدام مبحث ریاضی هستند، تشویق به ساختن مسئله براساس شواهد و شرایط موجود می‌شوند. از آنجا که مسئله‌ها کاملاً برای دانش‌آموز ملموس است، درک و فهم آن‌ها ساده‌تر است. این امر به جمع‌آوری بانکی از سؤالات ساخته‌ی دانش‌آموزان منجر می‌شود که حل آن‌ها نیز برایشان ساده است. در پایان و پس از آنکه دانش‌آموزان توانستند مطابق توافق اولیه، بیست درصد سود و درآمد خود را به خیریه اختصاص دهند، نوبت به انشانویسی می‌رسد. آن‌ها می‌توانند موضوع کسب روزی حلال را از نگاه و تجربه‌ی خود به بحث بگذارند و انشای خود را به آن اختصاص دهند.

چنانچه می‌بینید این تجربه‌ی موفق کاملاً



مبتنی بر هوش و توانایی زبانی دانش‌آموزان است و علاوه بر دریافت و حصول اهداف دیگر، مانند تلفیق دروس و توجه به مهارت‌های زندگی و تقویت مهارت همدلی، به‌طور معین به توسعه‌ی سواد خواندن کمک می‌کند.

تیر و کمان رستم در آسمان

نسیم لطفی احمدی
باخرز تربت جام

بچه‌هایی که هرگز قدم از زادگاه خود فرا نگذاشته بودند. روزی از روزهای قشنگ خدا طبق روال هر روز برای تدریس سر کلاس رفتیم و با این عنوان شروع کردم: «خب عزیزان دلم، روزهای بارانی را دوست دارید؟ در جواب همه گفتند: «بله، خانم معلم». گفتم: وقتی باران و رعد و برق تمام می‌شود و ابرها از آسمان کنار می‌روند. اگر گفتید چه چیزی پیدا می‌شود؟ بچه‌ها که معصومانه به حرف‌های من گوش می‌دادند، یک صدا گفتند: «سماروغ» (سماروغ: در لهجه‌ی صالح‌آبادی به معنای قارچ است). کمی خنده‌ام گرفت اما ادامه دادم: «بچه‌ها، سماروغ و یا قارچ، نه، منظورم این نبود. خوب فکر کنید».

سکوت فضای کلاس را دربرگرفت. بعد دوباره یک صدا گفتند: «سیل. خانم، آخر هر موقع خیلی باران بیاید بلافاصله سیل می‌آید و ما خیلی می‌ترسیم». مجدداً تأکید کردم: «نه بیشتر فکر کنید. در آسمان پیدا می‌شود و بسیار هم زیباست». با قدری مکث باز جواب دادند: «چغوک». گفتم: «بچه‌های خوبم، گنجشک هم نه» و ادامه دادم: «از چند رنگ زیبا درست شده است و از این طرف آسمان تا آن سر آسمان ادامه دارد! آیا تا به حال ندیده‌اید؟» بچه‌ها گفتند: «چرا خانم». معلوم بود که نامش را نمی‌دانستند. به ناچار عکسی را که همراه داشتم نشانشان دادم که یک دفعه همه‌های در کلاس به‌پا شد و یکی از دانش‌آموزان در حالی که برق شادی در چشمانش نمایان شده بود با هیجان همراه با اضطراب گفت: «خانم، اینکه تیرکمون رستم» و دیگران هم تصدیق کردند. لحظه‌ای محو تماشا شدم. با خودم گفتم: «خدایا، در عصر تمدن و پیشرفت علم که در هر ثانیه اختراعی جدید زاده می‌شود آخر این تیر و کمان رستم از کجا آمد؟» از این همه سادگی و یکرنگی اشک در چشمانم جلوه‌گر شد و با شوقی فراوان گفتم: «حال می‌دانید اسم کتابی‌اش چیست؟ این رنگین‌کمان است. پس بیایید با هم به حیاط مدرسه برویم و یک رنگین‌کمان بسازیم». آن روز همراه بچه‌ها با آینه و ظرفی آب با تابش طلایی‌رنگ خورشید رنگین‌کمان ساختیم و آن لحظه‌ای که دانش‌آموزان با اشتیاق فراوان یاد می‌گرفتند، هرگز از ذهنم پاک نخواهد شد.

سال اول خدمتم ابلاغ پایه‌ی اول روستای حاجی‌آباد در بخش صالح‌آباد را گرفتم. دانش‌آموزان روستا قبل از دبستان هیچ آموزشی حتی پیش‌دستانی و مهدکودک را ندیده بودند و روح پاک آنان پذیرای فراگیری هرگونه مطلبی در محیط آموزشی بود. دشواری‌های راه از لحاظ رفت‌وآمد بسیار بود، به طوری که من در شرایط عادی ساعت ۲:۴۵ دقیقه به منزل می‌رسیدم. حال آنکه اگر برف می‌بارید امکان نداشت از ساعت ۴:۳۰ دقیقه بعدازظهر زودتر برسم. سخن کوتاه کنم که سال گذشته در این روستا سیل ویرانگری آمده بود و بچه‌ها هنوز در هیجان این ماجرا به سر می‌بردند؛



کتاب‌های درسی در نگاه آموزگاران

آنچه هست و آنچه نیست

به کوشش اکرم علیا، معاون آموزشی دبستان شهید هاشمی نژاد، منطقه‌ی پنج، تهران
عکس: مریم فرحی

بعضی از درس‌ها کم شود. برای مثال، الگویابی، چین‌ها، جداول شگفت‌انگیز کمتر شوند و مطالب کتاب پیوسته‌تر و با حجم کمتر تنظیم گردد.»

از دیگر آموزگاران پایه‌ی اول به کتاب علوم نقد دارد. معصومه میربهرسی می‌گوید: «این کتاب دارای حجم بالایی از محتوا و مباحث درسی است.»

اعظم صادقی و کاظمی پیشنهاد یکی کردن کتاب فارسی و قرآن را مطرح می‌کنند؛ به شکلی که در هر درس از فارسی، به مباحث قرآنی مربوط به همان کتاب اشاره شود.

این موضوع **خانگی** را ترغیب به ارائه‌ی پیشنهاد کامل‌تری می‌کند و می‌گوید: «اگر این تجمیع در همه‌ی کتاب‌های درسی پایه‌ی اول باشد، اتفاق خوبی است؛ چون موجب می‌شود یادگیری دانش آموز کلاس اول، یکپارچه و منظم‌تر شود. البته هم‌چنان بر چاپ کتاب به‌صورت بخش‌بندی تأکید دارم تا حمل و نقل کتاب درسی بچه‌ها آسان‌تر شود.»

نظر آموزگاران گرامی در زمینه‌ی تجمیع همه‌ی دروس در یک کتاب اما به‌صورت مجله‌های جداگانه چیست؟

در کلاس دوم مطالب بالاتر از سطح متوسط دانش آموزان
فاطمه صادقی می‌گوید: «در برخی از

اشاره

تغییرات کتاب‌های درسی از جمله اتفاقاتی است که در جریان تغییر برنامه‌ی درسی صورت می‌گیرد و مشابه با هر دگرگونی دیگری دارای نظراتی موافق و مخالف است. گاهی این نظرات تنها برخاسته از احساسات ناشی از خو گرفتن و مأنوس شدن به کتاب-های گذشته است و در برخی موارد، بررسی‌های مبتنی بر ملاک‌های علمی و یا تجربیات چندساله به نظرات و انتقاداتی منجر می‌شود. آگاهی یافتن از این نظرات می‌تواند از یک سو به تدوین راهنمای عمل برنامه‌ریزان کمک کند تا از این موارد در تدوین‌های بعدی خود بهره‌گیرند. از سوی دیگر موجب می‌شود تا معلمان با تکیه بر نظرات همکاران خود بتوانند شیوه‌های آموزشی‌ای را به کار گیرند که نقصان‌های احتمالی محتوای آموزشی را پوشش می‌دهند و فرایند یاددهی-یادگیری را تکمیل می‌کنند.

یکی از روزها در مدرسه‌ی شهید هاشمی نژاد منطقه‌ی پنج آموزش و پرورش شهر تهران، در جمع آموزگاران، موضوع نقد کتاب‌های درسی، گرمای بیشتری به مدرسه داد. صحبت بر سر این بود که کتاب‌های درسی در حال حاضر دارای چه ویژگی‌هایی هستند که می‌توانند بر این اساس تغییر کنند و کامل‌تر شوند. در جلسه، همکاران همپایه کنار هم نشستند و بنا بر توافق قبلی، نظراتشان را از سوی گروه درسی پایه‌ی خود بیان می‌کنند. در ادامه، نظرات هر گروه درسی به تفکیک پایه‌ی تحصیلی آمده است.

کلاس اولی‌ها

کیف‌ها را سبک کنید

منور خانگی به نمایندگی از معلمان پایه‌ی اول می‌گوید: «خوب است کتاب «بخوانیم و بنویسیم» در یک کتاب ادغام شود. در این صورت، دانش‌آموزان این پایه که کوچکاند و تازه تحصیل رسمی را آغاز کرده‌اند با آرامش و سهولت بیشتری به تقویت زبان فارسی مشغول می‌شوند و درگیر کتاب‌های متعدد نمی‌شوند.»

از محتوای کتاب «بنویسیم» کمتر شود تا حجم کتاب حاصله به اندازه‌ای باشد که انتظار می‌رود یک دانش‌آموز در پایه‌ی اول ابتدایی آن را مطالعه کند و انجام دهد. بر این اساس، خوب است کتاب در دو بخش جداگانه چاپ شود و هر کدام برای یک نیم‌سال تحصیلی اختصاص داشته باشد تا به این ترتیب بچه‌ها در هر نیم‌سال، همان بخش از کتاب را حمل کنند و کیفشان هم سبک‌تر شود.»

رقیه کلانتری، آموزگار پایه‌ی اول، نیز در رابطه با محتوای کتاب ریاضی می‌گوید: «لازم است در برخی از درس‌ها توضیح بیشتری بیاید و به جای آن، از تکرار و تمرین

نسرین کاظمی دیگر آموزگار همین پایه، ضمن تأیید نظر همکارش ادامه می‌دهد: «اگر این پیشنهاد اجرایی شود، لازم است مقداری

دروس ریاضی، چند موضوع در یک صفحه گنجانده شده در حالی که تمرین مربوط به آن‌ها کم پیش‌بینی شده است. به همین دلیل، لازم است معلم هم زمان بیشتری به این صفحات اختصاص دهد و هم تمرین‌های بیشتری را خودش تدوین کند».

فیروزه شعبانی، با صادقی موافق است و اشاره‌ای کوتاه مبحث زوج و فرد در کتاب ریاضی را مثال می‌زند. در حالی که به نظر او موضوع ساعت در این کتاب زیاد پرداخته شده است. سپس نقدش را با کتاب هدیه‌های آسمانی دنبال می‌کند و می‌گوید: «اگر در این کتاب متنی باشد که دانش‌آموزان مطابق آن بتوانند با اسامی دوازده امام آشنا شوند خوب است و بعد راحت‌تر می‌توانند با زندگی آنان آشنا شوند».

مریم فلسفی، بخش‌های «خلاق باش» در کتاب ریاضی را برای دانش‌آموزان سنگین می‌داند و می‌گوید این بخش‌ها را اغلب والدین انجام می‌دهند.

اشاره‌ای **شعبانی** به اسامی دوازده امام معصوم، موجب می‌شود تا **فرح ابراهیمی** به نمونه‌های اشاره کند که نظر وی را تأیید می‌کند: «در کتاب هدیه‌های آسمان، اسامی سه امام آمده است و در آخر کتاب جشن نیمه‌ی شعبان گذاشته شده و وقتی از بچه‌ها پرسیده می‌شود امام مهدی (عج)، چندمین امام ماست؟ آن‌ها پاسخ می‌دهند امام چهارم است! این مطلبی است که معلم باید به اصلاح آن در بیان و روش تدریسش توجه داشته باشد اما خوب است این تغییر در کتاب درسی انجام شود. همچنین در درس ریاضی، به «کیلوگرم» اشاره نشده و وزن را خواسته و یا سکه‌هایی که معرفی شده‌اند برای بچه‌ها آشنا نیستند».

کلاس سومی‌ها وقت نداریم!

رقیه علیزاده، معتقد است تجمیع و تلفیق دروس هدیه‌های آسمانی و قرآن، موجب پدیدآوری کتابی می‌شود که بسیار مؤثرتر خواهد بود.

تعدد مطالب و حجم بالای کتاب درسی علوم اجتماعی مشکل مورد نظر **مهین صبوری حامد** است. او می‌گوید: «زمان لازم برای تدریس مناسب این درس با توجه به محتوای آن در برنامه پیش‌بینی نشده است».

فاطمه نوری هم با **صبوری** موافق است. او این مشکل را به کتاب علوم تجربی هم تعمیم می‌دهد و معتقد است که پراکنده‌گویی از دیگر نقاط ضعف این کتاب است؛ مانند آنچه در بخش گیاهان روی داده است.

فریبا رضی پور، درباره‌ی کتاب فارسی می‌گوید: «این کتاب از نظر نوشتاری مشکل دارد. ریز و درهم‌رفته نوشته شده و همچنین درس‌های روان‌خوانی آن با توجه به زمان کلاس‌ها، بسیار طولانی است».

آیا شما مخاطبان گرامی هم با کمبود زمان برای انجام تمام فعالیت‌های مورد انتظار در کتاب‌های درسی مواجه هستید؟

در کلاس چهارم

از فعالیت‌های عملی تا پژوهش

بحث در این پایه‌ها از کتاب ریاضی آغاز می‌شود. **آذر معصومی شورابی** به نامناسب بودن فعالیت‌های ارائه شده در کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید: «بهتر است فعالیت‌های ساختنی داده شود تا درک آن برای دانش‌آموزان آسان‌تر باشد».

مائده صداقت تلگرد، موضوع ضرب را

اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «به نظر من انجام عمل ضرب از راه گسترده باعث خستگی و سردرگمی دانش‌آموز می‌شود و بهتر است از ابتدا به صورت ستونی کار شود».

نظر کلی همکاران این پایه در درس علوم تجربی این است که محتوای این کتاب موجب ترغیب دانش‌آموزان به تحقیق و پژوهش شود. بر این اساس و برای مثال خوب است حدود سه درس آزاد در کتاب قرار داده شود.

شما بین فعالیت عملی در کتاب درسی و مهارت‌های پژوهشی چه فاصله‌ای احساس می‌کنید؟

با کلاس پنجمی‌ها ارتباط بین دروس

زهرا احدی، موضوع صحبت را به کتاب فارسی می‌کشاند و می‌گوید: ادغام بخش روان‌خوانی کتاب «بخوانسیم» در کتاب‌های دیگر باعث جذاب‌تر و اثربخش‌تر شدن درس‌ها می‌شود».

فروغ شاه‌میرزایی بلوچ، در ادامه‌ی نظرات در خصوص فارسی معتقد است: «تمرینات ارائه شده در کتاب «بنویسیم» کافی و مناسب نیستند. از سوی دیگر، باید کتاب «بخوانیم» و «بنویسیم» به گونه‌ای طراحی شوند که ارتباط بیشتری با هم داشته باشند».

سخن از ارتباط موجب می‌شود تا **آزاده مجدالدین،** به ضرورت ارتباط بین همه‌ی کتاب‌های درسی اشاره کند و توضیح می‌دهد: «یکی از موارد ضروری برای ایجاد درک مفاهیم و ماندگاری یادگیری این است که بین دروس گوناگون تا حد امکان رابطه‌ی افقی وجود داشته باشد که این نکته در محتوای کتاب‌های فعلی این پایه چندان مشهود نیست. برای مثال، خوب است در درس ریاضی از مسائلی استفاده شود که دانش‌آموز برای





ماشین لباس شویی جدید ظرف می شوید!

شهین صادقی



کلاس سوم بود و زنگ علوم و بحث درباره‌ی سبک زندگی گذشته و امروز داغ. همه‌همه، سرورسدا، گفت‌وگو در گروه و بیان دیدگاه‌ها، محور گفته‌های فراگیرندگان بازگویی خاطرات والدین از زمان کودکی (خصوصاً دفاع مقدس)، انواع اسباب‌بازی‌ها، مشق نوشتن، امتحانات، نمره، مقایسه‌ی داشته‌ها و نداشته‌هایشان با سبک زندگی امروز بود. پس از جمع‌بندی، به آرامی بحث را به شیوه‌ی زندگی صنعتی و سنتی هدایت کردم و این بار از خاطرات و رفتار پدربزرگ و مادر بزرگ در سبک زندگی سخن به‌میان آمد. تهیه‌ی ترشی، مربا، خیارشور و ... که امروزه توسط مادر بزرگ‌ها ادامه دارد. دهان بچه‌ها را آب انداخت. تصور زندگی بدون تلفن، نداشتن رایانه، یخچال، تلویزیون و لباس شویی باعث شده بود چشم‌ها از حلقه بیرون بزنند. قیافه‌ها متعجب و دیدنی بود. لبخند بر لب‌ها محو نمی‌شد؛ خصوصاً زمانی که قصه‌ای از دوران کودکی گفتم. برای مدیریت زمان، نیم‌نگاهی به ساعت کلاس انداختم. گفته‌ها جمع‌وجور شد. زینب مرتب اجازه می‌گرفت: «خانم اجازه! ... خانم اجازه ... چیزی بگم تا یادم نرفته؟» از بس تکرار کرد، انگشت اشاره‌اش را گرفتم و جواب دادم بگو! بچه‌ها گوش کنید. با اعتمادبه‌نفس ادامه داد: «خانم اجازه! چند روز پیش با پدر و مادرم به مغازه‌ی یکی از دوستان پدرم رفتیم. ماشین لباس شویی جدیدی آورده بود که در آن می‌شد ظرف شست!» سکوت بر کلاس حکمفرما شد. من حیران! زینب متعجب به دیگران نگاه می‌کرد. حدیث گفت: «چی؟» مرضیه لبخند بر لب: «چی؟!» دیگران هم ... چی؟! چی؟! زینب سر تکان داد و ادامه داد: بچه‌ها باور کنید خودم دیدم! ماشین لباس شویی بود که ... خندیدم و جواب دادم: «زینب جان! آنچه شما دیدی ماشین ظرف شویی بوده نه ماشین لباس شویی». زینب هم خنده‌اش گرفت و ... ناگهان بمب خنده در کلاس منفجر شد.

زنگ به صدا درآمد و بچه‌ها خندان دور زینب حلقه زدند.

حل آن‌ها ناچار به یادآوری درس جغرافی و یا سایر دروس شود.»

در پایان، معصومه یوسف‌زاده نگاهی به کتاب ریاضی می‌اندازد و با ذکر نمونه‌هایی اشاره می‌کند: «مسائل مطرح شده و اعداد و ارقام موجود در کتاب ریاضیات غیرواقعی و قدیمی است که لازم است به‌روز شوند.»

از نظر شما تا چه اندازه بین محتوای کتاب‌های درسی ارتباط وجود دارد؟ آیا در این رابطه می‌توانید به نمونه‌هایی اشاره کنید؟ به نظر شما، آیا معلم می‌تواند خود نقش پیوند دهنده‌ای بین محتوای کتاب‌های درسی را در یادگیری دانش‌آموزان دنبال کند؟

کلاس ششمی‌ها جای خالی اخلاق

ام‌کلثوم سعادت، از جذابیت پایین کاربرگ‌ها در کتاب اجتماعی سخن می‌گوید و ادامه می‌دهد: «مطالب این کتاب زیاد و زمان مختص به آن کم است.»

محتوای زیاد و تعدد اهداف مورد نظر در کتاب ریاضی، مورد تأکید آمنه خاتون جاهد است. او معتقد است باید بخشی از محتوای این کتاب به کتاب پایه‌ی دیگری منتقل شود.

معصومه رادمهر در یک نقد کلی به مواردی در کتاب‌های درسی این پایه اشاره می‌کند که برای عملیاتی شدن آن‌ها نیاز به تجهیزات هوشمند از جمله تخته‌ی هوشمند است که این امر در تمام مدارس ممکن نیست. او به‌همین دلیل معتقد است که باید لوح‌های فشرده‌ی لازم در اختیار آموزگاران قرار بگیرد تا بتوانند در شرایط متفاوت فیلم و عکس را در معرض دید دانش‌آموزان قرار دهند.

طاهره سادات جعفری، از جمله افرادی است که به مفید بودن کتاب تفکر و پژوهش اعتقاد دارد و می‌گوید: «خوب است داستان‌ها و شعرهای کتاب فارسی نیز تا حد امکان در قالب‌های پژوهشی بررسی و معرفی شوند.»

اما در بین نظرات موافق و مخالف در نقد کتاب‌های درسی، مهناز مقتدر جای درسی با عنوان «اخلاقیات و آداب اجتماعی» را با در نظر گرفتن شرایط سنی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم خالی می‌داند.



هیچ یک از سبک‌ها بر دیگری برتری ندارد

نکته‌هایی در آموزش ریاضیات ابتدایی

بهبود قبایلو

زمینه و سبک‌های نابسته به زمینه است. افراد تابع به سبک وابسته به زمینه کلی نگرند و افراد نابسته به زمینه تحلیلی نگر هستند. نوع دیگری از تقسیم‌بندی سبک‌های شناختی که آموزگاران در سال‌های اخیر شنیده‌اند سبک کلامی، تصویری و دست‌ورزی است. در ادامه به خصوصیات دانش‌آموزان در این سبک‌ها می‌پردازیم.

ویژگی‌های دانش‌آموزان با سبک کلامی

۱. دانش‌آموزان سبک کلامی دوست دارند به جای چشم، یک گوش و یک دهان اضافی داشته باشند تا بتوانند همیشه بشنوند و صحبت کنند.
۲. هنگام انجام تکلیف و کار زیر لب زمزمه می‌کنند.
۳. با شنیدن یک کلمه‌ی اعتراض‌آمیز، سریع واکنش نشان می‌دهند.
۴. ترجیح به شنیدن صدای آموزگار دارند تا دیدن او.
۵. به بازخوانی یادداشت‌ها و نت‌برداری‌های کلاسی عادت دارند.
۶. بلندخواندن مطالب کتاب و بازخوانی آن برای خود.
۷. از روی کلام و صحبت‌های معلم بخش‌های مهم مطلب را می‌گیرند.
۸. از محیط پر سر و صدا لذت می‌برند.
۹. موضوعات درسی مانند علوم اجتماعی که با افراد سروکار دارد را دوست دارند.
۱۰. هدف‌هایشان را خود تعیین می‌کنند و برای سازماندهی کار و پروژه علاقه‌ی بیشتری دارند.
۱۱. می‌توانند افکار خود را مستقیماً روی کاغذ بیاورند.
۱۲. استدلال ریاضی را مرحله به مرحله و جزء به جزء درک می‌کنند.
۱۳. از جزء به کل حرکت می‌کنند.
۱۴. در تحلیل‌ها بیشتر به جزئیات اهمیت می‌دهند.
۱۵. دارای انگیزه‌های بیرونی هستند و از آن‌ها بیشتر تأثیر می‌گیرند.

اشاره

لزوم درس ریاضی و دانستن سبک‌های یادگیری و یادگیری در آن برای دوره‌ی ابتدایی تحصیلی از اهمیت فراوانی برخوردار است. در دو شماره‌ی قبل به کاربرد و جایگاه صفر و جمع و تفریق‌های فرابندی پرداختیم. در این شماره به سبک‌های کلامی، تصویری و دست‌ورزی اشاره خواهیم کرد.

سبک‌های یادگیری در ریاضیات ابتدایی

همان‌طور که می‌دانیم افراد به روش‌های یکسان یاد نمی‌گیرند بلکه روش‌های مختلفی را برای یادگیری ترجیح می‌دهند. سبک‌های یادگیری دارای ویژگی‌های ثابتی نیستند و افراد به صورت‌های مختلف سبک‌ها را در یادگیری به کار می‌برند، برخی افراد یک یا دو سبک خاص را ترجیح می‌دهند و بعضی از روان‌شناسان نیز اصطلاح ترجیح یادگیری را معادل سبک‌های یادگیری می‌دانند. تقسیمات مختلفی در این مورد وجود دارد که از سبک‌های بی‌شمار آن‌ها، گلچین شده‌اند. با این حال سه دسته از سبک‌ها را می‌توان نام برد. سبک عاطفی، سبک فیزیولوژیک و سبک شناختی: سبک عاطفی دربرگیرنده‌ی ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی یادگیرنده مانند پشتکار، تنها کار کردن و پذیرش یا رد تقویت‌کننده‌های بیرونی است. سبک فیزیولوژیک جنبه‌ی زیست‌شناختی دارد و دربرگیرنده‌ی واکنش فرد به محیط فیزیکی مؤثر بر یادگیری او است. مانند ترجیح دادن مطالعه در شب یا روز یا محیط‌های وابسته به آن. در سبک‌شناختی به روش‌هایی که شخص موضوع‌ها را ادراک و اطلاعات را به خاطر سپرده و درباره‌ی موضوعات می‌اندیشد و مسائل را حل می‌کند، می‌پردازد. با این حال کتاب‌های جدید ریاضیات ابتدایی با پیروی بیشتر از نظریات ساخت‌گرایی و سازنده‌گرایی، تدوین شده است و از همین رو سبک‌های شناختی اهمیت بیشتری پیدا کرده و به بررسی آن پرداخته شده است. یک نوع از دسته‌بندی‌ها، سبک‌های وابسته به



۱۶. به مطالب پاسخ یافته به وسیله‌ی دیگران بهتر پاسخ می‌دهند.
۱۷. عدد را در مفهوم طول می‌بینند و به صورت استدلالی با کمک مفهوم «بین» ارتباط برقرار می‌کنند.
۱۸. با عدد به عنوان جواب معادله به خوبی ارتباط برقرار می‌کنند.
۱۹. عدد به صورت کلامی و غیرمستقیم درک می‌شود.
۲۰. عدد به عنوان کار دینالیته و ناوردا مفهومی متناسب در سبک یادگیری کلامی است.
۲۱. در هندسه تصویر را از جزء به کل می‌بینند.
۲۲. اشکال را دو بعدی می‌بینند تا سه بعدی.
۲۳. پس از معرفی عناصر اشکال هندسی (مانند طول، ضلع، گوشه) خود شکل معرفی می‌شود.
۲۴. توصیف درک مفهوم دایره بسیار مشکل است.
۲۵. بیان تفاوت و مقایسه‌ی اشکال از طریق کلام صورت می‌گیرد.
۲۶. شمارش برای آن‌ها ساده است.
۲۷. در شمارش روی محور اعداد، اعداد را پشت سر هم می‌شمارد تا بین اعداد را.
۲۸. مراحل محاسبات را جزء به جزء درک و حفظ می‌کند.
۲۹. تمایل به مرحله مرحله کردن و جزء جزء کردن مسائل دارند.
۳۰. در محاسبات ذهنی و سطح دانشی مفاهیم توانمندند.
۳۱. درک الگوی عددی برای آن‌ها بسیار آسان است.
۳۲. در حفظ فرمول توانایی خاصی دارند.
۳۳. در تبدیل واحدها به صورت ذهنی مشکلی ندارند اما در نوشتن ضعیف هستند.

۱۶. راهبردهای مطالعه را خودشان تعریف می‌کنند.
۱۷. یادگیریشان را خودشان سازمان می‌دهند.
۱۸. به هدایت و راهنمایی معلم بیشتر نیاز دارند.
۱۹. از لحاظ ادراک و عقاید شدیداً تحت تأثیر دیگران قرار دارند.
۲۰. در ایجاد شهود و تصویرسازی مفاهیم در ذهن، خیلی خوب عمل می‌کنند.
۲۱. از به کلام در آوردن تفکراتشان سخت عاجزند.
۲۲. تفکر شهودی و تجربه از نقاط قوت آن‌هاست.
۲۳. عدد بیشتر به عنوان طول مطرح می‌شود.
۲۴. درک محور اعداد بسیار خوب و پراهمیت است.
۲۵. محاسبات عددی از روی محور اعداد برای آن‌ها آسان تر است.
۲۶. تصاویر دو بعدی را بهتر از سه بعدی می‌فهمند با این تفاوت که کلامی‌ها از جزء به کل و تصویرها از کل به جزء حرکت می‌کنند.
۲۷. اول اشکال هندسی مانند مربع و مستطیل و لوزی را می‌فهمند سپس اجزای آن‌ها.
۲۸. تشخیص تمایز بین اشکال هندسی برایشان راحت تر است اما در توصیف کلامی شکل دارند.
۲۹. مساحت‌ها و محیط‌ها را زود یاد می‌گیرند.
۳۰. شکل‌های دایره‌ای را خیلی دوست دارند.
۳۱. درک تفاوت‌ها و محورهای تقارن برایشان ساده است.
۳۲. محاسبات فرآیندی را که از کل به جز صورت می‌گیرند

سبک تصویری

۱. مادامی که تصویر کلی و روشن از موضوع درس در ذهن نداشته باشند نمی‌توانند موضوع را درک کنند.
۲. از جزئیات نامرتبط بیزارند.
۳. عاشق نمودار و تصاویر هستند.
۴. دنبال نسخه‌های چاپی و مرغوب کتاب هستند.
۵. دفاتر و کتاب‌های این افراد پر از نقاشی و کاریکاتور است.
۶. از علامت‌ها و شکل‌ها در نوشتن استفاده می‌کنند.
۷. در استفاده از خودکار چندرنگ مهارت زیاد دارند.
۸. تصاویر و چهره‌ها را بهتر از اسامی به خاطر می‌سپارند.
۹. دارای یک چشم سوم بسیار قوی هستند.
۱۰. استاد خلاصه‌نویسی هستند.
۱۱. اطراف خود را پُر می‌کنند از یادداشت‌های یادآوری و مرور موضوعات.
۱۲. کلی‌نگر هستند و از کل به جزء حرکت و فکر می‌کنند.
۱۳. ترجیح می‌دهند در گروه کار کنند.
۱۴. تعامل بیشتری با آموزگار دارند.
۱۵. به تکالیف سازمان یافته بیشتر علاقه‌مندند.

من برچسب تو را خواهم کند!

مر ضیه معین

در تقسیم‌بندی دانش‌آموزان سهم هر آموزگار مدرسه یک دانش‌آموز است با نیازهای ویژه‌ی آموزشی و سهم من هم شد بابک.

اوایل من هم به دستوری که به من داده شده بود، گردن می‌نهادم و با زبان بی‌زبانی هر لحظه و هر آن به بابک می‌گفتم: «بابک، تو دیرآموزی!» به زبان نمی‌آوردم ولی هر نگاهم به بابک با معنای دیرآموز بودن شروع می‌شد و به دیرآموز بودن تمام. هر وقت او را می‌دیدم نگاهی خاص به او می‌کردم. یک نگاه با عینکی به نام دیرآموزی!

مدتی از اولین ملاقات من و مادر بابک می‌گذرد. مادری نگران، مغموم و سرخورده انگار کسی خبر از بیماری لاعلاج به او داده باشد. خانم، بابک جگر گوشه‌ی شما یک دانش‌آموز دیرآموز است.

مادر زیاد به این امر معتقد نیست. فقط می‌گوید: «خانم معلم، بابک تا ۱۰ بلد است بشمارد. بعضی کلمات را اشتباه می‌گوید و کمی بازبگوش است. هر کاری بگوئید برای آموزش بهتر او انجام می‌دهم.» اما من پزشک نیستم که در دو دقیقه بیماری مریضم را تشخیص بدهم و قرص و شربت بدهم و بگویم بعدی. من آموزگارم! اول باید ببینم، بشنوم، لمس کنم تا بعد قضاوت کنم.

یک ماهی می‌گذرد؛ بابک اضطراب دارد. می‌ترسد. می‌لرزد. وقتی با او شوخی می‌کنم، به گریه می‌افتد. از کنار دوست صمیمی‌اش تکان نمی‌خورد. پلک‌هایش را محکم به هم می‌زند. بابک روبه‌روی من می‌لرزد و من ساکت مانده‌ام.

ملاقات دوم من و مادر بابک، آخر یک جلسه‌ی طولانی دیدار با اولیا بود. وقتی اولیا رفتند؛ من ماندم و مادر بابک. و اشک‌هایی که یکی بعد از دیگری آمدند و ریختند پایین.

مادر می‌گوید: «بابک خوب می‌فهمد. تمام درس‌هایی را که شما در یک ماه اخیر داده‌اید، خیلی خوب بلد است. او در سنجش تابستان پاسخ سوالات را عمداً نداده است تا برای اول دبستان ثبت‌نامش

دوست دارند و یاد می‌گیرند.

۳۳. درک و حل کردن الگوهای هندسی برای آن‌ها آسان‌تر است.

۳۴. راهبرد رسم شکل، نمادین‌سازی را بهتر حل می‌کنند.

سبک دست‌ورزی

۱. دوست دارند خودشان وارد عمل شوند و از طریق کار، موضوع تکلیف یا پروژه را تجربه کنند.

۲. مطالب را می‌خوانند و بازنویسی می‌کنند، تا در این جریان بهتر یاد بگیرند.

۳. شدیداً احساسی و عاطفی هستند.

۴. ترجیح می‌دهند به‌صورت مستقیم با موضوع درس درگیر شوند و آن‌ها را لمس کنند.

۵. با دروس کارگاهی و آزمایشگاهی ارتباط راحتی برقرار می‌کنند.

۶. علاقه دارند مطالب درسی را مرور کنند.

۷. معمولاً نزدیک‌ترین صندلی را به استاد انتخاب می‌کنند تا کم‌ترین فاصله را داشته باشند.

۸. بیشتر ساختارگرا هستند.

۹. بازسازی ساختارها را توسط دست و فکر به‌صورت همزمان انجام می‌دهند.

۱۰. از طریق به کار بردن ابزارها؛ مفاهیم را یاد می‌گیرند.

۱۱. دوست دارند در جای ساکت و خلوت مبادرت به یادگیری کنند.

۱۲. تا خودشان مفاهیم را بازسازی نکنند خوب یاد نمی‌گیرند.

۱۳. بیشتر صنعت‌گر و مخترع می‌شوند.

۱۴. احتمالاً در بیان دچار مشکل هستند.

۱۵. عدد هم به‌صورت کاردینالیتی و هم به‌عنوان طول دیده می‌شود به شرطی که با اشیاء صورت گیرد.

۱۶. ابزارهای آموزشی مانند چینه‌های دستشان در یادگیری است.

۱۷. فرایند یادگیری از ملموس و عینی به سمت مجرد است.

۱۸. تفکر و یادگیری مفاهیم ریاضی برای آن‌ها به‌طور دائم از جزء به کل و کل به جزء در حال رفت و آمد است.

۱۹. درک اشیاء سه بعدی مقدم بر دو بعدی است.

۲۰. از طریق اشیاء و ابزارهای آموزشی، اشکال هندسی، مفاهیم ریاضی و مفاهیم عددی را به‌راحتی قابل فهم و تفسیر می‌کنند.

۲۱. تفکر آن‌ها از الگوی عددی و هندسی دائماً در حال رفت و آمد است.

۲۲. بسیاری از مفاهیم با درک و استعانت از تجربه ممکن است.

۲۳. چیچی، خط‌کش، چینه، شابلون، پرگار و اشکال از مهم‌ترین ابزار آموزشی آن‌ها محسوب می‌شود.



نکنند. بابک روزهای آخر شهریور را به گریه کردن گذرانده است. من نام و آوازی شما را شنیده بودم و امیدوار بودم شما بتوانید بابک را درک کنید. باور کنید بابک دیرفهم نیست. او خیلی اضطراب دارد و از شما، از مدرسه و از هر چیزی که به مدرسه ربط داشته باشد می‌ترسد».

مادر بابک می‌رود. من به بابک فکر می‌کنم. به برچسبی که مادر او از نیک‌نامی به من زده، و از برچسبی که من در طول یک ماه به بابک زده‌ام. به خیال خودم کارم عالی بوده است؛ بابک را برای درس صدا نمی‌زدم تا جلوی دیگران خرد نشود و از طرفی فرصت ابراز دانسته‌هایش را از او گرفته‌ام. من بی‌دلیل در انجام تکالیف به بابک کمک کردم تا اعتمادبه‌نفسش را از دست بدهد و نتواند به

صدا می‌زنید!»

به قول جوانان امروزی خیلی تابلو شده‌ام. حتی یک طفل هفت‌ساله هم متوجه تغییر حالت من شده است. ولی بابک قبول نمی‌کند که سرگروه باشد. چون احتمالاً او هم دست من را خوانده است. باید رویه‌ام را عوض کنم.

بابک را نمی‌ترسانم. اصلاً به او نیم‌نگاهی هم نمی‌کنم. تکالیفش را می‌بینم و می‌گذرم، ولی در همین حین چند تذکر کوتاه درسی هم به او می‌دهم. بابک به آرامی می‌گوید: «خانم معلم، الان می‌روم این‌ها را پاک می‌کنم و دوباره می‌آورم».

بابک دوباره برمی‌گردد.

چقدر جالب! من تا امروز نمی‌دانستم که بابک تا این حد لهجه دارد! بابک کارش را بهتر انجام داده است. برای امروزش بس است. دستی به صورتش می‌کشم و می‌خواهم که بنشینند. فردا بابک را دوباره می‌بینم. از صبح با خودم پیمان بسته‌ام که زیاد تابلو نباشم. زنگ اول با بابک کاری ندارم. زنگ دوم درس دیروز را از او می‌پرسم او خیلی آرام جواب می‌دهد و بچه‌ها همه شاک می‌شوند ولی این شکایت زیاد دوام نمی‌آورد، چون روخوانی بابک سریع تمام می‌شود. پس بابک می‌تواند بخواند!

از او می‌خواهم که کلمه‌ای بنویسد. او با کمی مکث کلمه را می‌نویسد و پیروزمندانه به من نگاه می‌کند. در نگاه کودکانه‌اش و در پلک‌زدن‌های پر از اضطرابش نوعی التماس نهفته است. التماسی که با صدای بلند فریاد می‌زند: خانم معلم! یک بچه‌ی معمولی هستم. فقط و فقط یک بچه‌ی معمولی.

من یک جنگ را آغاز کرده‌ام. جنگی میان من، بابک و برچسب. برچسبی که به پیشانی بابک زده‌ام. الحق که بابک بیشتر از من دوست دارد این برچسب کنده شود. نمی‌گذارم هیچ چیز را نداند و ندانسته از هیچ چیز رد شود. او هم تمام توانش را به کار گرفته است. من و بابک یک پیمان نانوشته داریم. ما تا پایان سال تحصیلی این برچسب را خواهیم کند.

خود تکیه کند. وسایلیش را زنگ آخر برایش جمع کردم تا در هفت سالگی مثل یک بچه‌ی سه‌ساله به من وابسته باشد.

حوصله نداشتم کتاب بخوانم تا تمام نویسندگان عالم من را به‌خاطر کارهایی که در طول یک ماه کرده بودم، محکوم کنند. خودم را توجیه می‌کنم. زمان زیادی برای جبران کارهایم باقی مانده است. می‌توانم از نو شروع کنم. آن شب هزار بار به خودم گفتم: «بابک عمداً جواب سوالات سنجش آمادگی تحصیلی را نداده است تا به مدرسه نیاید».

از فردا بابک و من روزهای بهتری را آغاز کردیم. صبح اول وقت از بابک خواستم تخته را پاک کند. او با ترس و لرز جلوی تخته آمد. بابک به آرامی آمد اما هنوز می‌ترسید. تخته را پاک کرد و نشست. درس جدید را که می‌دهم، نمی‌توانم چشم از بابک بردارم. او آرام است و به درس گوش می‌دهد ولی هنوز از طرز پلک زدنش می‌فهمم که اضطراب تخته پاک کردن را دارد. وقتی نفر اول و دوم درس را می‌خوانند، تصمیم می‌گیرم اقدام جسورانه‌ای انجام بدهم. اقدامی که در آن خودم بیشتر از بابک اضطراب دارم. از او می‌خواهم تا درس را بخواند. خودم بالای سرش می‌ایستم تا اگر جایی کم آورد کمکش کنم. اما بابک به‌شدت می‌لرزد. نمی‌دانم ترس او از خواندن است یا ترس او از حضور کسی است به نام «معلم»؟

بابک به آرامی درس را می‌خواند. با صدایی بسیار آرام ولی می‌تواند بخواند. خوشحال می‌شوم. با صدای بلند او را تشویق می‌کنم و سخاوتمندانه به او جایزه می‌دهم. بابک ناباورانه من را نگاه می‌کند.

زنگ بعدی ریاضی داریم. ناچارم. نمی‌توانم از بابک چشم بردارم. وقتی درس می‌دهم، از بچه‌ها می‌خواهم کارشان را به‌صورت گروهی انجام بدهند. برای هر گروه یک سرگروه تعیین می‌کنم تا به محض تمام شدن، کتاب‌ها را تحویل بدهند. به این موضوع شک دارم ولی باز هم نیاز به جسارت دارم. بابک ... تو سرگروه‌ی ...

علیرضا شیطنت‌آمیز می‌گوید: «خانم! چقدر امروز بابک را

چگونه پرخاشگری

دانش آموز پایه پنجم را کاهش دادم؟

حامد شاکریان
آموزگار، بجنورد

به تنبیه و حتی عملی کردن آن و در نهایت اخراج موقتی از کلاس و مدرسه نیز از دیگر ابزارهاست که شاید موقتاً پاسخ دهد اما تأثیر آن زودگذر است. از این رو، برای شناخت بهتر چگونگی مواجهه با این رفتارها و تلاش برای کاهش تأثیرات مخرب پرخاشگری و کسب تجربه، پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی رفع معضل پرخاشگری پی گرفته شد.

توصیف وضع موجود

آموزگار مدرسه‌ای هستم متشکل از شش کلاس ابتدایی و دو کلاس در دوره‌ی بالاتر که در مجموع ۱۱۸ دانش آموز دارد.

با توجه به مختلط بودن مدرسه و نیز حضور دانش آموزان دو دوره‌ی متفاوت در مدرسه، و امکان الگوبرداری دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی از رفتار دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی پرخاشگری قابل توجهی که در رفتار یکی از دانش آموزان راهنمایی مشاهده می‌شد و ضرورت برخورد با او اهمیت زیادی می‌یافت.

آموزشگاه ما با وجود این ویژگی خاص، مختلط نیز هست.

«ع.ق» دانش آموزی بود که از همان روز اول نظرم را به خود جلب کرد. اعتمادبه‌نفس بیش از اندازه، اظهار نظرهای گاه و بی‌گاه این دانش آموز پرجنب و جوش نشان می‌داد که روحیه‌ی متفاوت با دیگر هم‌کلاسی‌های خود دارد و هیچ‌گونه اقدام مخالف با نظر خود را نمی‌پذیرد. او از انجام دادن تکالیف به‌طور منظم خودداری می‌کرد و نسبت به بازخواست‌های من نیز بی‌اعتنا بود و به آن‌ها اهمیت چندانی نمی‌داد.

کلیدواژه‌ها: پرخاشگری، دانش آموز، رفتار، کلاس پنجم، بی‌توجهی، هم‌کلاسی

فرایند کوشش برای توصیف شخصیت فردی و تلاش برای رفع رفتارهای ناشایست افراد به‌ویژه کودکان ضرورتی در عرصه‌ی تعلیم و تربیت است، هنگامی که تصمیم می‌گیرید توجه خود را در توصیف یک فرد بر خصوصیات او معطوف سازید، و هنگامی که تصمیم می‌گیرید این خصوصیات را چگونه مشاهده کنید، در واقع کاری را برعهده گرفته‌اید که از اهمیت بالایی برخوردار است (اس کار و دیگران، ۱۳۸۷).

بسیاری از مربیان و مدرسان از دانش‌آموزانی که موجب اذیت و آزار دیگران می‌شوند، رفتارهای ناپسند و نامناسبی دارند و نظم و انضباط مدرسه و کلاس درس را از حالت عادی خارج می‌کنند ناراضی هستند. روان‌شناسان از این‌گونه رفتارها با عنوان «پرخاشگری» یاد می‌کنند و در این تعریف اشاره دارند که فرد با این رفتار خود عامل صدمه زدن به خود و دیگران خواهد شد. برخی از روان‌شناسان معتقدند که پرخاشگری اجتناب‌ناپذیر است و از شکل‌گیری سالم هویت جلوگیری می‌کند.

این مسئله زمانی که خود، آن را تجربه می‌کنیم قابل لمس‌تر است. هر فرد واکنش‌های متفاوتی در مقابل این نوع رفتار دانش‌آموزان از خود نشان می‌دهد و تصمیم‌گیری‌هایش در این زمینه متفاوت است. معمول‌ترین و آشکارترین این تصمیم‌گیری‌ها برای کاهش از بین رفتن بی‌نظمی، گرفتن تعهد کتبی از دانش‌آموزان و در صورت تکرار از والدین آنان است. تهدید

اشاره

پژوهش حاضر با هدف بررسی علل و راهکارهای کاهش پرخاشگری در یکی از دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم دبستان شهدای رثین، از مدارس آموزش و پرورش شهرستان بجنورد صورت گرفته است.

در این پژوهش ضمن بررسی و تحلیل رفتارهای این دانش‌آموز تلاش شد تا اقداماتی صورت گیرد و زمینه‌ی کاهش رفتار نامناسب او فراهم شود.

در این پژوهش از والدین دانش‌آموز، همکاران فرهنگی و نیز برخی از دانش‌آموزان در جهت اصلاح رفتار پرخاشجویانه‌ی دانش‌آموز «ع.ق» کمک گرفته شد. نتیجه‌ی این تلاش‌ها با بروز رفتارهای هنجارگونه چون احترام به دیگران، کاهش پرخاشگری، تلاش برای جلب رضایت دیگران، احترام به نظر افراد، و تلاش برای بهبود تکالیف درسی رضایت‌بخش بود و در پایان پیشنهادهایی مطرح شد. مانند:

- معلم با این‌گونه دانش‌آموزان ارتباط صمیمی برقرار کند.
- با انتخاب راه‌کار مناسب از جمله کار گروهی الفت و دوستی در بین دانش‌آموزان افزایش یابد.
- معلم با واگذاری مسئولیت‌های کلاسی و جنبی به این‌گونه دانش‌آموزان، روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها افزایش دهد.
- مسئولان برای تفکیک مقطع ابتدایی از دیگر مقطع‌ها در آموزشگاه‌ها یا نوبت‌های جداگانه تلاش کنند.

در کلاس درس نیز با بیان مطالب خارج از درس در هنگام تدریس بی‌نظمی فراوانی ایجاد می‌کرد و رشته‌ی کلام را از من می‌گرفت. او با ایجاد تنش در کلاس درس و اعتراض‌های مکرر سبب از میان رفتن نظم و آرامش کلاس می‌شد و در قبال دعوت من به آرامش و سکوت نیز واکنش‌های پر خاش جویانه‌ای از خود نشان می‌داد که به شکل افزایش تنش در رفتارش بروز می‌کرد.

پر خاشگری در رفتار ع.ق برخی روزها به حدی شدت می‌یافت که کیف و کتاب و دفتر خود را در کلاس پرتاب و یا روی میزش پخش می‌کرد و برای به کرسی نشاندن حرف خود گاه به درگیری لفظی و فیزیکی با دانش‌آموزان دیگر می‌پرداخت. با توجه به رفتار این دانش‌آموز، این پژوهش در جهت پاسخ‌گویی به این سؤال صورت گرفته است که چگونه می‌توان پر خاشگری این دانش‌آموز کلاس پنجم را کاهش داد.

گردآوری اطلاعات و ارائه شواهد

نتایج مطالعات حاکی از آن بود که کودک از ۹-۱۱ سالگی به بعد قوانین اخلاقی را به صورت اختیاری و قابل تغییر مدنظر قرار می‌دهد و به عبارتی، قوانین خارجی را به طور مطلق نمی‌پذیرد و نوعی کنش و واکنش متقابل بین او و محیط به وجود می‌آید.

مشاهده‌ی حرکات ع.ق گویای این بود که او هیچ‌گونه نظری خلاف سلیقه و میل خود را نمی‌پذیرد و با دانش‌آموزان دیگر به تندی برخورد می‌کند. او هر نظری را که در کلاس بیان می‌شد، در صورت ناهماهنگی با

خواستهای خود رد می‌کرد و در مقابل آن می‌ایستاد.

بازیگوشی در کلاس درس،

کم‌توجهی به مطالب

درسی و ایستادن

در مقابل آموزگار از

ویژگی‌های دیگر او بود که

گاه موجب می‌شد تدریس

را قطع کنم و به او تذکر

دهم که نظم کلاس را برهم

زنند. برخی از محققان عرصه‌ی علم

روان‌شناسی معتقدند که این ویژگی از آنجا نشئت می‌گیرد که پسران در محیط خانه و مدرسه بیش از دختران از قوانین اخلاقی سرپیچی می‌کنند. شاید بدین دلیل که پسران نسبت به دختران آزادی عمل بیشتری دارند و کمتر از دختران مورد بازخواست قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، پسران به غلط چنین تصور می‌کنند که سرپیچی از قوانین نقش مردانه‌ی آن‌ها را به اثبات می‌رساند.

نوع رفتارهای ع.ق به گونه‌ای بود که والدین برخی از دانش‌آموزان از نشستن فرزند خود در کنار او ابراز ناراضی می‌کردند. او در زنگ ورزش نیز درگیری‌های فراوانی با دانش‌آموزان داشت که گاه به برخورد فیزیکی می‌انجامید.

در ادامه‌ی مشاهده‌ها و جمع‌آوری اطلاعات مشخص شد پدر این دانش‌آموز به دلیل فعالیت اقتصادی دور از خانواده زندگی می‌کند و از این‌رو ع.ق در خانه فضای گسترده‌ای برای تحمیل نظرهای خود دارد؛ زیرا در زمان حضور پدر پر خاشگری او بروز چندانی ندارد. البته نباید از یاد برد که تأثیر رفتار پدر و مادر بر فرزند قوانین مبهم و قاطعی را به عواطف و حساسیت او منتقل می‌کند.

بررسی راه‌حل‌های ممکن و انتخاب راه‌حل جدید

در نشستی که با همکاران برای حل مشکلات رفتاری ع.ق برگزار شد، راه‌حل‌هایی پیشنهاد و در نظر گرفته شد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- از طریق ایجاد روابط

دوستانه و محیط صمیمانه و

گرم تا حدی زیادی

زمینه را برای اصلاح و تعدیل او فراهم کرد. همچنین با ایجاد ملاحظات و رودربایستی‌ها زشتی و کراهت این امر را به او تفهیم کرد.

- توجه بیشتر به دانش‌آموز و اهمیت دادن به

او از طریق اولیای مدرسه و والدین

- ایجاد روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری با دادن

مسئولیت در کلاس درس و فعالیت‌های جنبی

مدرسه

- ایجاد رابطه‌ی صمیمی بین این دانش‌آموز

و سایر دانش‌آموزان و عضویت او در یک گروه

فعال کلاس

- کمک به دانش‌آموز در درس‌ها و ایجاد

انگیزه‌ی یادگیری در او

اجرای راه‌حل جدید و نظارت بر آن

پس از یافتن راه‌حل سعی کردم ارتباط خود با

ع.ق را افزایش دهم. از این رو، پس از گفت‌وگو

با والدین او و اولیای مدرسه به ع.ق حرف زدم

و تأکید کردم که پر خاشگری در کلاس موجب

افزایش تأثیرات منفی رفتار او در نظر من،

اولیای مدرسه و والدینش می‌شود و در نتیجه،

از کلاس درس محروم می‌گردد و همین موجب

افزایش ضعف او در درس خواهد شد. او را از

حضور در زمین ورزش محروم می‌کردم و به او

یادآور می‌شدم تا زمانی که به رفتارهای نادرست

خود ادامه دهد از ورزش کردن محروم است و

باید رفتار خود را اصلاح کند. این کار موجب شد

تا رفتار او در قبال دیگر دانش‌آموزان بهتر شود.

در نتیجه‌ی این اقدامات، ع.ق در صحبت‌های

اولیه نظر موافق خود را برای تغییر رفتار

ابراز کرد اما من احساس می‌کردم او



می‌تواند رفتار بهتری داشته باشد.

اسلام برای رشد و تربیت صحیح و مطلوب کودکان راه حکیمانانه‌ای توصیه می‌فرماید و آن، استفاده از عامل «ترغیب و تشویق» است. در اسلام تربیت بر مبنای تشویق و تکریم افراد قرار دارد. چون دیدم دانش‌آموزم هنوز رفتارهای بدی دارد، او را مورد توجه بیشتر قرار دادم و در جمع دانش‌آموزان کلاس از وی به‌عنوان دوست صمیمی خود یاد کردم. البته طوری که لحن من موجب حسادت سایر دانش‌آموزان نشود.

عق از این برخورد استقبال کرد و از این اقدام من اظهار خشنودی نمود. با توجه به فرصت فراهم شده از او خواستم سعی کند در امتحانات کلاسی و نوبت اول تلاش بیشتری داشته باشد. او نیز به درخواست من پاسخ مثبت داد؛ هر چند کوتاه مدت بود.

این ارتباط نزدیک و صمیمی تا حدودی توانست در رفتار عق تغییر ایجاد کند اما باز هم گاهی به پرتاب اشیائی چون کیف و دفتر خود بر روی میز اقدام می‌کرد تا ناراحتی خویش را نشان دهد. از این رو، با اخراج او از کلاس درس برای یک ساعت از او خواستم که با والدین خود در مدرسه حضور یابد. با توجه به دلبستگی‌ای که به کلاس پیدا کرده بود این بار برخلاف دفعات گذشته از عدم حضور در کلاس ابراز ناراضی می‌کرد و روز بعد با والدین خود در مدرسه حضور یافت. این بار در حضور والدینش از او تعهد گرفتم که در اعمال و رفتار خود تجدید نظر کند. او نیز این را پذیرفت و در زنگ تفریح متنی را نوشت که حاکی از علاقه‌مند شدن او به کلاس درس و ارتباط بیشتر با معلم کلاس و سایر اولیای مدرسه بود. این اقدام و نظر او انگیزه‌ی بیشتری برای پیگیری راه‌حل‌های بیشتر و مناسب‌تر جهت رفع پرخاشگری این دانش‌آموز در من ایجاد کرد. این نوشته‌ی او این بود: «سلام معلم، من از شما خیلی

معذرت می‌خواهم ای معلم عزیزم عمیدوارم (امیدوارم) که من را ببخشید من شما را خیلی دوست دارم من خیلی شما را خیلی دوست دارم. شما خیلی تلاش می‌کنید که ما بچه‌ها درس یاد بگیریم. من دیگر لنگ بازی را دور می‌دارم (کنار می‌گذارم) و به فکر درس خودم می‌روم. من از شما عوز (عذر) خواهی می‌کنم».

در ادامه‌ی این روند برای اینکه او را با ضررهای بی‌نظمی در کلاس آشنا کنم در یکی از ساعات‌های املا‌ی فارسی ضمن بیان متن با پخش صداهای جنبی از طریق دستگاه‌های صوتی نظم کلاس را برهم زدم تا متن املا به خوبی به گوش دانش‌آموزان نرسد. در این بین عق با اعتراض به اینکه نمی‌تواند متن را با دقت بنویسد و حواسش پرت می‌شود، خواستار قطع شدن صداهای جنبی شد. آن لحظه را مغتنم شمردم و به او یادآور شدم که بی‌نظمی چگونه باعث به‌هم خوردن نظم کلاس و از بین رفتن آرامش معلم و دانش‌آموز برای تمرکز در درس می‌شود.

این اقدام باعث شد خود دانش‌آموز به معایب کار خود در برهم زدن آرامش کلاس پی ببرد و ابراز شرمساری کند. پس از این مرحله او را به‌عنوان نماینده‌ی کلاس معرفی کردم و از او خواستم تا در ایجاد سکوت در کلاس با من همکاری کند. هم‌چنین برای برگزاری نماز جماعت همراه برخی از دیگر دانش‌آموزان نمازخانه‌ی مدرسه را آماده و اقدام به پهن کردن سجاده‌های نماز و چین مهرها کند. او نیز با علاقه‌ی وافر این مسئولیت را پذیرفت و از روز بعد از فعال‌ترین دانش‌آموزان در برگزاری نماز جماعت بود؛ به گونه‌ای که در مراسم مذهبی و نماز جماعت مسجد روستا نیز حضور می‌یافت و با شور اشتیاق آن را برای من تعریف می‌کرد.

با ایجاد فرصت خودنمایی برای دانش‌آموز به عنوان نماینده‌ی کلاس و برقراری رابطه‌ی صمیمانه با او میزان رفتارهای پرخاش جویانه‌ی وی کاهش یافت.

ارائه‌ی شواهد ۲

پس از این زمان دانش‌آموز در کلاس به درس بیشتر توجه داشت و سعی می‌کرد

کمتر به بازگوشی بپردازد. در پاسخ‌گویی به سؤالات علاقه‌ی فراوان از خود نشان می‌داد. از پرخاشگری او به میزان قابل توجهی کاسته شده بود و سعی می‌کرد از فریاد زدن، پرتاب اشیاء به روی میز و درگیری با سایر دانش‌آموزان خودداری کند.

او با حضور در فعالیت‌های گروهی نقش خود را به خوبی ایفا می‌کرد و به کار گروهی علاقه‌مند شده بود. حتی زمانی که مطلبی خلاف نظر او مطرح می‌شد، ناراضی‌تی خود را کمتر بروز می‌داد و سعی می‌کرد اصلاح رفتار خویش را نمایان کند. کارهای عملی‌ای را که دانش‌آموزان انجام و ارائه می‌دادند به دقت بررسی می‌کرد و می‌کوشید فعالیت‌های بهتری ارائه کند. ناامیدی در یادگیری را با کمک گرفتن از دوستان خود برطرف می‌کرد. نمره‌هایش هم نسبت به گذشته بهتر شده بودند.

ارزش‌یابی تأثیر اقدام جدید و تعیین اعتبار

در گفت‌وگویی که با والدین دانش‌آموز عق صورت گرفت، آن‌ها از تلاش‌های علمی و عملی او و خودداری‌اش از پرخاشگری‌های مکرر رضایت داشتند و ضمن تقدیر از توجه معلم به فرزند خود با اشاره به اینکه پرخاشگری او کاهش یافته است، بر همراهی خود در ادامه‌ی این روند برای افزایش رابطه‌ی صمیمی با فرزندشان تأکید کردند. دانش‌آموزان نیز نسبت به گذشته از رفتارهای عق کمتر اظهار ناراضی‌تی می‌کردند. روابط بین این دانش‌آموز و سایر دانش‌آموزان بهبود یافته و همین موجب شده بود که خود او نیز در جمع دوستان صمیمیت بیشتری بیابد و به همکاری با آنان علاقه‌مند شود.

منابع

۱. اس کار، چارلز و دیگران؛ نظریه‌های شخصیت، مترجم: احمد رضوانی، شرکت به نشر، چاپ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
۲. احمدی، علی‌صفر؛ «پرخاشگری»، ماهنامه‌ی تربیت، شماره‌ی چهارم، سال هفتم، دی ماه ۱۳۷۰.
۳. بهشتی، ع؛ «بررسی اثر بخشی رفتار درمانی شناختی گروهی بر کاهش پرخاشگری نوجوانان دوره‌ی راهنمایی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشکده‌ی تحصیلات تکمیلی واحد خوراسگان (اصفهان)، ۱۳۷۵.
۴. سیف، سوسن و دیگران؛ روان‌شناسی رشد (۱)، انتشارات سمت، چاپ نوزدهم، تهران، ۱۳۸۷.





فهمیده‌دهقان

نویسنده: علی سعیدی
ناشر: لوح زرین (تهران ۶۶۹۶۱۲۵۷-۰۲۱)
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۱
قیمت: ۲۵۰۰ تومان

به جذابیت روند یادگیری در کودکان منجر شود. کتاب «پرورش خلاقیت در کودکان» یک از این کتاب‌هاست که آموزگار به آسانی

می‌تواند در کنار تدریس از آن بهره‌ی فراوانی ببرد.

بخش‌های مختلف و متنوع این کتاب به گونه‌ای است که می‌تواند در راستای همه‌ی درس‌ها پیش برود و با رویکردی جذاب ریاضی، خواندن، نوشتن، هنر و... را به کودکان بیاموزد.

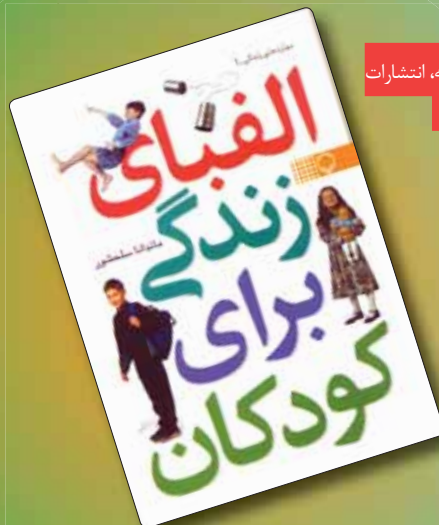
در صورتی که خلاقیت در کودکان شکوفا شود و آن‌ها به توانایی‌های خود اعتماد پیدا کنند، یادگیری آموزش‌های پایه نیز به مراتب برای‌شان آسان‌تر و عمیق‌تر خواهد بود و ممکن است برای حل مسائل روش‌هایی خلق کنند که به کشف‌های جدید نیز بینجامد.

پرورش خلاقیت در کودکان

گفتن از زمانه و نسلی که تغییر کرده، دیگر قدیمی شده است. کودکان امروز آن قدر باهوش هستند که همه می‌دانیم بدون شک کتاب‌های مدرسه به تنهایی نمی‌توانند هم‌پای آن‌ها باشند و اگر قرار باشد که فقط با کتاب‌های درسی قدم بزنند، به‌زودی خسته می‌شوند و راهشان را جدا می‌کنند.

بچه‌ها آن قدر خلاق هستند که بدون کتاب‌های درسی تنها نمی‌مانند و ممکن است راه‌هایی بیابند. اما چگونه می‌شود کتاب‌های درسی که همراهی مفید و پایه برای کودکان هستند را در کنار دیگر نیازهای آن‌ها نگه‌داریم؟

یک آموزگار خلاق به راحتی می‌تواند کودکان را ساعت‌ها در کلاس نگه دارد و آموزش دهد بدون آنکه متوجه گذر زمان شوند. راه‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان از طریق آن دروس را آموزش داد و یا در کنار کتاب‌های درسی از کتاب‌ها و ابزار استفاده کرد که



نویسنده: ماندانا سلحشور
ناشر: مؤسسه‌ی انتشارات فلسفه، انتشارات نقش و نگار (تهران ۶۶۴۹۶۲۴۹-۰۲۱)
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

کتاب «الفبای زندگی برای کودکان» در دوازده فصل تنظیم شده است و هر فصل شامل نکات جالبی است که می‌تواند راهنمای بسیاری از والدین و حتی آموزگاران پایه‌های مختلف باشد.

رعایت بهداشت فردی، مهارت‌های اجتماعی شدن، مدیریت زمان، مهارت‌های ذهنی، هنر و خلاقیت، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های خانه‌داری، فضاسازی، انتخاب و تصمیم‌گیری، شاد بودن، مدیریت مالی و زندگی اجتماعی دوازده عنوان سرفصل‌های کتاب است. این کتاب می‌تواند مشاوره‌ی مفید و ماندگاری به شما برای آموزش مهارت‌های اساسی به کودکان‌تان بدهد.

الفبای زندگی برای کودکان

والدین بسیاری وجود دارند که به دنبال راهنمایی برای تربیت فرزندان خود هستند. آموزش مسائل گوناگون و آماده کردن کودکان برای زندگی و حضور در جامعه مهم‌ترین دغدغه‌ی هر خانواده‌ای است. خانواده‌هایی هستند که هزینه‌های هنگفتی بابت جلسات مشاوره پرداخت می‌کنند. همین هزینه‌ها به شکلی دیگر در مدارس صرف می‌شود تا نسلی که آینده را در دست دارد، عاقل، باهوش و با اعتماد به نفس بار بیاید. اغلب کتاب‌هایی که در این زمینه منتشر شده، راهنمای بخشی از مسائل تربیتی کودکان است اما کتاب «الفبای زندگی برای کودکان» از آن دست کتاب‌هایی است که تقریباً موضوعی را از قلم نینداخته است. نویسنده در این کتاب از ابتدایی‌ترین آموزش‌ها از جمله رعایت نظافت فردی، داشتن تناسب اندام، مهارت‌های مراقبت کردن از خویش و... تا آموزش‌هایی مهم‌تر مانند تمرین مسیریابی، خرید رفتن، آموزش رفت‌وآمد در شهر و... را گنجانده است.

همراهان ما

چه در اثنای سال و چه در فاصله‌ی آماده‌سازی شماره‌های ۲ و ۳، باز نامه و ایمیل بود که از طرف مخاطبان و علاقه‌مندان مجله سر از بر می‌شد. عده‌ای از خوانندگان گرامی نیز از طریق تلفن و نامبر یا مراجعه‌ی حضوری ما را مورد تقدیر قرار می‌دادند. از اسرار لطف قرار می‌دادند. از اسرار لطف همه‌ی دوستان همکارانی را می‌آوریم که آثارشان بررسی شده است. منتظر آثار بعدی شما عزیزان هستیم.

فردوس. با مقاله‌ی «درد دل» و «پیشنهادات».

مهدیه هاشمی، نهبندان، با «بررسی رابطه‌ی هوش هیجانی با خلاقیت».

خراسان رضوی

احمد احمدی یزدی، تربت جام، از خواندن شعرهای شما مشغوف شدیم.

رسول جهان دوست، آموزگار چندپایه، نیشابور، با تشکر از عکس‌های کلاس و مقاله‌ی «فراغت با موبایل و آموزش مفاهیم».

خوزستان

مریم آرمان زاده، آموزگار دبستان روشنک، روستای قلعه مربع، دزفول. با «آموزش بخش پذیری با جعبه و توپ».

مریم بختیاروند، سکینه شاهی، مسعود سرانچه، حسن نوی ریزی، اهواز. با «تأثیر آموزش‌های کانون پژوهش فکری کودکان و نوجوانان بر مهارت خواندن».

شهین صادقی، آموزگار، آبادان، با «پاییزان» و «خواستگار».

اردشیر عباسی، دبستان بهار آزادی، ماهشهر. با «نکته در ریاضی».

سمنان

بتول مونسی، آموزگار دبستان سمیه، آرادان. با «اختلالات یادگیری».

مهری رضوانی، دبستان پژوهش، شاهرود. با «معرفی پنج استراتژی مؤثر در تربیت فرزندان».

سیستان و بلوچستان

گل محمد سرگلزایی، مجتمع سیدالسادین (ع)، هیرمند. با مقاله‌ی «عمده‌ترین عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی».

شهربانو کیخا، آموزگار دبستان حدیث، زاهدان. با «موختن املاز

با مقاله‌ی «سال تحصیلی جدید را با نه مهارت مؤثر و موفق آغاز کنیم».

مرضیه تفرشی مطلق، آموزگار دبستان ۱۳ آبان، کرج. با «عشق و خاطره».

پوران نوری، دبستان تربیت، ناحیه‌ی سه، کرج. با «بررسی سختی شغل معلمی ابتدایی از بعد ارتباطات و...» و «مهندسی ارزش رویکردی متعهدانه...» و «وزارت آموزش و پرورش سرمایه‌دار تربیتی وزارتخانه‌ی ایران».

زهرا حسن زاده، دبستان فتح‌المبین، ناحیه‌ی چهار، کرج. با «تربیت باغبانی است» و «نظارت و خودسنجی».

بوشهر

فاطمه حسین پور، دبستان شهید بهشتی، بوشهر. با «فعالیت‌های فرهنگی».

تهران

اعظم سبحانی دوست سعیدی، دبستان شهید نامجو، منطقه‌ی چهار، «با نشاط‌سازی کلاس درس قرآن» و «قدم پژوهی...».

فاطمه قاسمی، شهری، با «گرمایاب».

صدیقه حاجی حسنی، معاون آموزشی، منطقه‌ی دو، تهران. با «مقایسه‌ی نظام آموزش ابتدایی ایران و سوییس» و «زنگ تفریح».

مهرنوش لطفعلی، دبستان آیت‌الله طالقانی، منطقه‌ی ۱۴ تهران. با «آیا این دختر معصومه است؟»

چهارمحال و بختیاری

مینا محمدی، آموزگار دبستان شاهد شهر کرد. با «مثل مادر بزرگ».

خراسان جنوبی

غلام‌عباس بهمدی ثانی،

آذربایجان شرقی

کریم عباسی اول، مرند. با «پیش درآمدی بر استفاده از فناوری در کلاس» و «چند نکته‌ی آموزشی».

اردبیل

شهناز محمدی گرمی، معاون آموزش، پارس آباد، با «آموزشی برای خدا».

اصفهان

فریبا عطایی کجویی، ؟ با مقاله‌ی «ساعت جمع و تفریق».

مهین لیراوی، کارشناس گروه‌های آموزشی، شاهین شهر. با «روش حل مسئله به مدل جورج پولیا».

معصومه اسکندری نصیرآبادی، دبستان قبه، اصفهان. با «و تیسیم».

محمد حسین ملکیان، دبستان شاهد شیدانشید، شهرضا. با «تجربیات شغلی...».

البرز

منیرالسادات طباطبایی بفرویی، آموزگار ناحیه‌ی سه، کرج.

راه روخوانی فارسی».

فارس

رضا گشتاسبی، رامجرد. با «تأثیر روش تدریس حل مسئله بر تفکر خلاق دانش آموز».

قزوین

طاهره رحمانی، تاکستان. مقاله‌ی «چه کنم تا فرزندم با من همکاری کند؟» و «انواع اشتباهات دیکته‌نویسی». سعی می‌کنیم یکی از لیکندهای کلاسی شما را استفاده کنیم.

ناهید عسگری، دبستان زهره بنیانیان، آبیک، با «خاطره».

قم

؟ **نوری**، دبستان دخترانه‌ی فلاحیان، ناحیه‌ی دو، قم. با «گاهنامه‌ی ریاضی».

کردستان

معصومه خیاط، آموزگار، روستای آحنظار. مقاله‌ی «آموزش مفاهیم ضرب» را به گروه تألیف کتاب ریاضی دفتر تألیف ارسال کنید. کتاب «طراحی آموزش درس هنر کودکان» را به واحد سامان بخشی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی (تهران، ص پ ۳۳۱-۱۵۸۷۵) بفرستید.

سیداحسن اسدی، مدیر مجتمع شهید همتی، روستای کوله، دیواندره، با «در باب آموزگاری».

کبری کرمی، دبستان ۱۷



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و ده شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی)

رشد نوجوان (برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی)

رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی)

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول)

رشد جوان (برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی
- رشد مدرسه فردا ♦ رشد مدیریت مدرسه ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصل‌نامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شود):

- رشد برهان آموزش متوسطه اول (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه اول)
- رشد برهان آموزش متوسطه دوم (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوسطه دوم)
- رشد آموزش قرآن ♦ رشد آموزش معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی ♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا ♦ رشد آموزش زبان ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک ♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست شناسی ♦ رشد آموزش زمین شناسی ♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۱۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

مرکزی

زهره شاهوردی، دبستان ۱۵

خرداد، خمین. با «قدم پژوهی».

فاطمه صابری، دبستان دکتر

حسابی، تفرش، با خاطر.

عذرا قدیگی، آموزگار دبستان

شهید بختیاری، شازند. با «علت

آموزش ضعیف ریاضیات در کشور و...»

کبری امیدی، دانشجوی دانشگاه

پیام نور اراک، مقاله‌ی «جایگاه

تربیتی بازی از دیدگاه خواجه نصیر

طوسی...» به مجله‌ی رشد مشاور

مدرسه ارسال شد.

علی حسینی، آموزگار دبستان

استقلال زرچین. با «چگونه می‌توان

کلاس‌های شلوغ را تحت کنترل

آورد.»

حمدالله قنبری، دبستان عمار

روستای علی‌آباد، ناحیه‌ی دو

اراک، با «چگونگی علاقه‌مند کردن

دانش آموزان به نماز.»

همدان

نسیم کرماجانی، با «کودکان

چگونه می‌آموزند؟»

یزد

مجید درخشانی، دهشیر تفت.

با «پسری شبیه خودم.»

آثار شما نیز رسیده است:

ناصر اکبرپور، زهرا

صادقی، با «بررسی راه‌های

ارتقای اثربخشی گروه‌های

آموزشی.»

مسلم طهماسبی

نگهداری، دبستان شهدای چاه

سوار آغا، با «مقایسه‌ی محتوای

کتاب‌های جدید و قدیم پایه‌ی

اول.»

سارا دری‌زاد، دبستان

ام کلثوم، با «جشن ضرب پایه‌ی

سوم.»

مهین حیدری تفرشی،

دبستان علی‌بن ابی‌طالب. با

«بی‌حلی کن، او فقط توجه...»

سیده ام‌البنین جعفری

خطیر، آموزگار دبستان

دخترانه‌ی میعاد.؟ با «طرح

خانه‌ی رؤیایی...»

شهریور، کامیاران، با «باران اعداد».

کرمانشاه

فرائک صادقی، فرحناز

دارایی، هرسین. «قصه‌های ما

مثل شد» در کتابی که نام برده‌اید،

وجود دارد. «خاصیت گیاهان

دارویی». از توجه به مجلات

رشد و جشنواره‌های که برگزار

کردید کمال سپاس را داریم.

خانم دارایی «آموزش ضرب» را

به همراهی نادیا آرامش نوشته

بودند که به دلیل محدودیت فضای

مجله نتوانستیم از آن استفاده کنیم.

گیلان

پوران دخت یعقوبی، پردیس

بنت‌الهدی صدر. با «توانمندسازی

دانش آموزان در علوم تجربی...»

عادل رضائی پور، آموزش

و پرورش رودبار، با «نقش چند عامل

مؤثر در ظهور خلاقیت.»

مازندران

ابوالحسن کاظمی، معاون

آموزگار دبستان ادیب. روستای

کلت، نکا. با «نمون‌برگ درج

تجربه‌ی موفق در بهره‌برداری از

مجلات رشد...»

فاطمه اسفندیاری، دبستان

قرآنی دخترانه‌ی حافظ، بابلسر. از

«چک‌لیست آماده» و «برچسب

میوه‌ها» و «جشن با مزه‌ی الفبا»

نتوانستیم استفاده کنیم.

عالیه معلمی، آموزگار دبستان

شهید عسگری، بهشهر، با «تجربه

و خاطره.»

کاظم علیزاده، منطقه‌ی بلده. با

«چگونه توانستیم اختلال اضطراب

جدایی دانش‌آموز پایه‌ی اول را

برطرف کنیم؟»

شیده مهدی‌زاده، دبستان

امانت باغدشت، روستای خطیر کلا،

قائم‌شهر. با «ارزش‌یابی توصیفی و

بهداشت‌روانی دانش‌آموز.»

بخشعلی گرجی، معصومه

عبادت‌ی،؟، با «تاریخچه‌ی برنامه‌ی

آموزشی برای همه.»

فاطمه سلطانی، آموزگار؟، با

«ضرورت و چالش‌های پیش‌روی

تحول بنیادین...»

با این بازی دامنه‌ی لغات بچه‌ها گسترش می‌یابد

افتخار اسدی
آموزگار، ارسنجان فارس

در پایه‌ی دوم ابتدایی جمله‌سازی خیلی مهم است و اکثر دانش‌آموزان فعل و فاعل را درست به کار نمی‌برند. اول سال که به کلاس آمدم دیدم دانش‌آموزان در زمینه‌ی جمله‌سازی مشکل جدی دارند. جمله را کوتاه و بعضی مواقع بی‌معنی به کار می‌بردند. به این فکر افتادم که هر موقع درس فارسی بخوانیم داریم یک بازی با کلمات به این شکل با بچه‌ها انجام دهیم. بازی به این شکل بود که اولی‌ن دانش‌آموز یک کلمه را می‌گفت با آخرین حرف آن کلمه نیز نفر بعدی کلمه می‌گفت و به او وقت می‌دادیم که یک جمله با آن بسازد. نفر سوم با آخرین کلمه‌ی جمله‌ی دومی یک کلمه می‌گفت و نفر بعدی یک جمله با آن کلمه می‌ساخت و بازی ادامه پیدا می‌کرد. دیدم بچه‌ها با اشتیاق در بازی شرکت می‌کنند و مشکل آن‌ها کم‌کم حل می‌شد. از یک طرف هم دامنه‌ی لغات آن‌ها بالا می‌رفت و از طرفی بچه‌ها با جمله‌های متفاوت آشنا می‌شدند. بعد از این مرحله آمدم بچه‌ها را گروه‌بندی کردم به گروه‌ها گفتم هر گروه که بازی را در گروه‌های خود اجرا کند هر کدام از گروه‌ها جمله‌های بلند، بامعنی و صحیح بیشتری ساخته باشند و تکراری نباشد تشویق می‌شود. این تجربه باعث شد دانش‌آموزان با شوق و اشتیاق بسیار جمله‌سازی کنند و مشکل آن‌ها حل شود. در آخر هر سه گروه جمله‌های خود را می‌خواند و بهترین جمله‌ها انتخاب شده و به آن جایزه تعلق می‌گرفت.



اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگاهدارید).

◆ نام مجلات در خواستی:

.....
.....
.....

◆ نام و نام خانوادگی:

.....

◆ تاریخ تولد:

◆ تلفن:

.....

◆ نشانی کامل پستی:

.....

استان:

◆ خیابان:

.....

شماره پستی:

◆ شماره فیش بانکی:

.....

مبلغ پرداختی:

.....

◆ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

.....

امضا:

◆ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

◆ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

◆ اشتراک مجله: ۱۴-۷۷۳۳۹۷۱۳-۰۷۷۳۳۳۶۶۷۷۳۳۵۱۱-۰۲۱

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

◆ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

